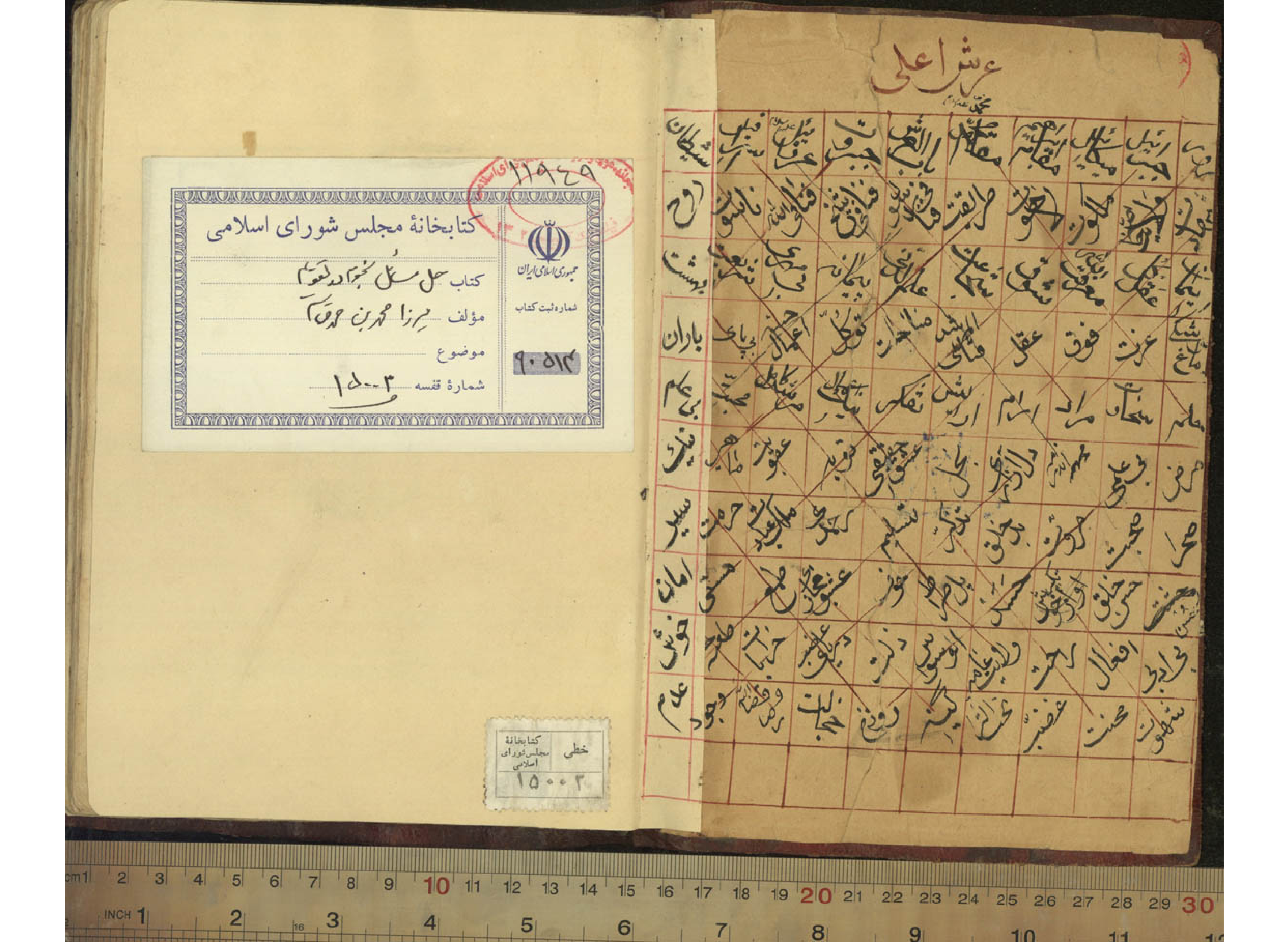
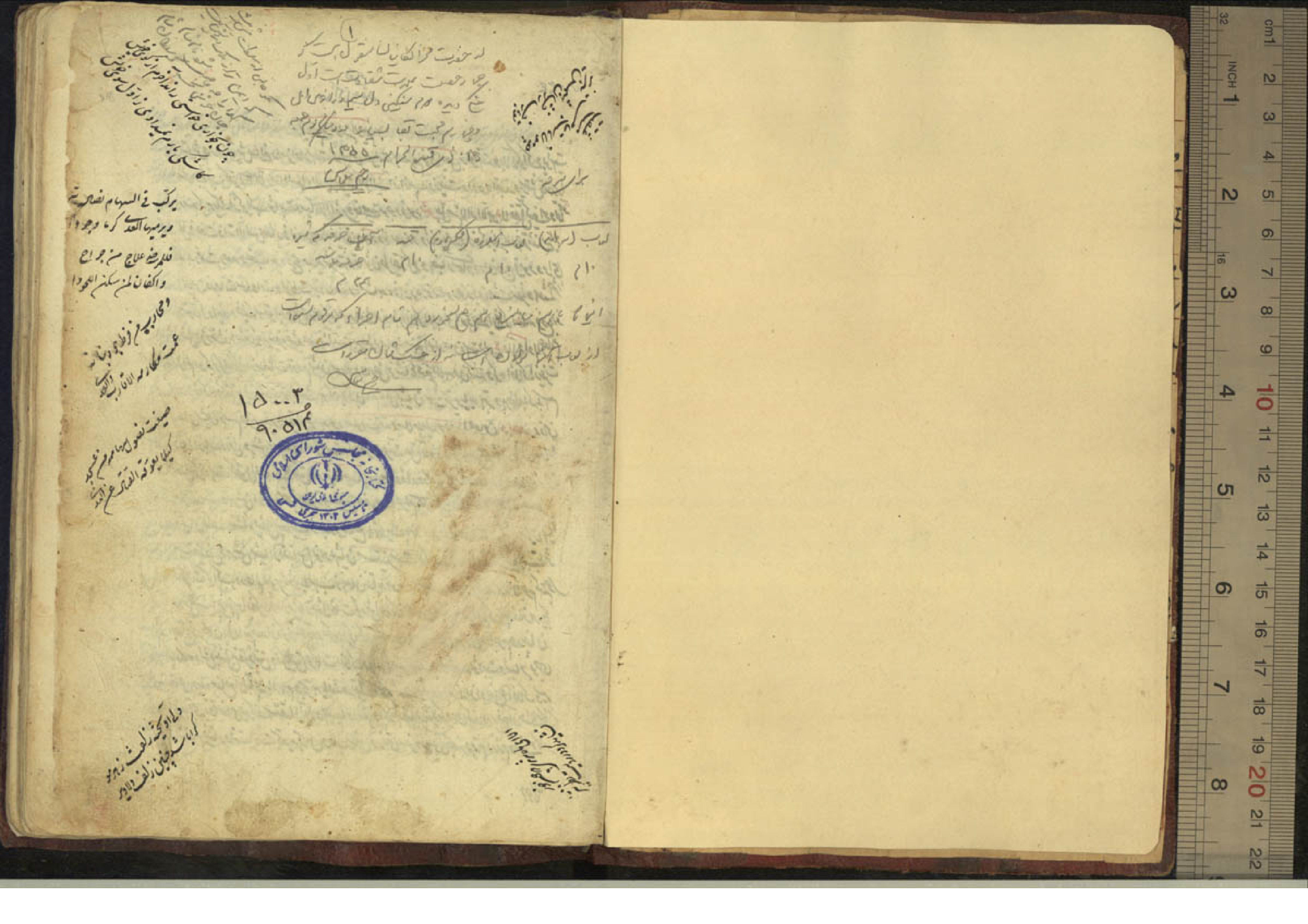


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب
۹۰۵۱۲
کتاب
مؤلف
موضوع
شمارهٔ قفسه
خطی
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۱۵۰۰۳
عرش اعلی



۱۵۰۰۳
۹۰۵۱۴

تقویم
هذا کتاب عقد

بسم الله الرحمن الرحیم

ستایش و ثنا از آلایش صانعی را سزاوار است که طباق سموات بعضهم فوق بعض برافراشته و بلآلی کواکب و ثواقب
شهاب ثاقب کقوله تعالی انا زینا السماء الدنیا بزینة الکواکب آنرا زیب و زینت داده و تعبد و پرستش قادری را
رسد که هریک از کواکب ثوابت و سیاره را اثری و خاصیتی موجود فرموده شعر جل من لا اله الا هو ؛ لا تعقل کیف هو و لا این
کل فی نعت ذاته الالسن ؛ حارة فی نور وجهه الاعین ؛ و درود و ثنا معدود و ثنای نامحدود نثار بارگاه حضرت رسالت پناهی باد
که بارحمت رصد و تعب مد و زیج جدید شریعت و قانون طریقت کرده و اخبار سماوی در آن درج فرموده و برای
العین درجات سماوات و حرکات سیارات را مشاهده فرموده بنور عبور خود این هشت منظر و هفت خضرا را
منور گردانیده و خطبه استوا بر عرش معلا خوانده شعر رفعت از و منبر افلاک را ؛ رونق از و خطه ادراک را ؛ اما نه فروغ از
رخش افروخته ؛ مشعله مهر منیر و خشنده ؛ نورفشانیست چه بیش و چه پس ؛ منبع انوار همین است و بس ؛ و آل و اولاد عظام
کرام او که مرکز خاک از برکات قدوم ایشان مورد والارض فرشناها فنعم الماهدون گشته و کره افلاک از غیرت
عالم خاک مشغله یا لیتنی کنت ترابا گفته هر کتابی که بی نام نامی ایشان سمت تحریر یابد ابتر و هر خطابه که بنام
سامی ایشان رسم تقریر پذیرد اقطع خواهد بود صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین **وبعد** بر ذهن
علماء ارباب دانش و بینش پوشیده و مستور نیست که حضرت عزت جل آلاؤه و عم نواله هیچ شئی از اشیا را بیفایده
خلق نکرده است کقول السلف ما خلق الله شیئا عبثا پس هر ذره از ذرات کاینات فایده و خصوصیتی بر آن
مترتب است و هر شئی از اشیا متحمل مضرتی و منفعتی خصوصا اجرام علوی که باتفاق جمهور سلف و اجماع
اعیان خلف منشاء فیض بی غایت و مبدء منافع بی نهایت اند و هر ذره از ذرات از فیض متوالی ایشان
مستفیض و هر شئی از اشیا از اقتباس انوار ایشان مستنیر است و کون و فساد این عالم نتیجه سبب تاثیر
نظرات کواکب در عالم علوی شعر بی سبب ز آسمان نتابد هور ؛ بی سبب بر زمین نجنبد مور ؛ لاجرم نکته گیر
دانش کیش ؛ چرخ پیما بفکر دوراندیش ؛ ز اختلافات گردش افلاک ؛ مختلف وضعها کند ادراک ؛ بلند از هر یکی
جدا اثری ؛ گان اثر را نه چند از ذکری ؛ آورد حکمها گوناگون ؛ از برای جهانیان بیرون ؛ لاجرم عارفان
بارگاه دانش و بینش بنظر دقیق و فکر عمیق حرکات افلاک دوار و سیر هر یک از کواکب ثوابت و سیار از وجهی
خاص دیده منافع آن با آنچه بالهام و تجربه یافته در تعلیقات ثبت فرموده اند که از اوضاع افلاک و سیر
نجوم آنچه تقاضای خیر کند استقبال آن واجب دانند و آنچه اقتضای شر و مکروهی کند در رفع آن حتی الامکان
کوشند و اختیار وقت جهت تجدید لباس و طلب معاش و رفتن سفر و وصول بحضر و بزم و رزم و کشت و کار

و چوگان

و چوگان بازی و تیر اندازی و غیره در کار اعلا و اولا شعر بچنین علم جمله محتاجند ؛ خاصه آنان که صاحب تاجند ؛ در بزم و
رزم و کشت و شکار ؛ اختیارات وقت آن در کار ؛ ای بسا حکمهای روشن و راست ؛ همچو الهام و وحی بی کم و کاست ؛
که جدا از زبان اهل نجوم ؛ صدق آن عاقبت شود معلوم ؛ و مسود این اوراق و محرر این کتاب اضعف عباد الله
و احوجهم الی الله الغنی قطب الدین عبدالحی الزاهدی الحسینی اللاری وفقه الله لما یحبه و یرضی بعد از تحصیل
مقدمات علوم دینی اراده دانستن علم نجوم نمود و بنابر وجود موانع انکار این آرزو از حجاب غیب رخ
نمینمود تا درین جزو زمان که این سرگردان با وجود آنکه چون کواکب متحیره در تحت شعاع آفتاب افتقار در
احتراق و چون نیر اصغر در محاق افتاده بود اخوان و خلان بسببی از اسباب اتفاق نموده بودند که اگر
صاحب دولتی خواستی که با ذیال عطا گرد احتیاج از وجود این شکسته بال برطرف نماید خسوف وار دست اقتدار
از ممانعت پیش راه عطایای آن صاحب کمال آوردندی تا این مفتقر بمحض تقدیر از استفاضه انوار
آن آفتاب کردار بی بهره و منخسف گشتی فرصتی یافته بشرف مطالعه این علم شریف فایز شده و چون نکات
معجز کردار بزرگان این فن بنظر رسید با خود مشورت نمودم که اگر در طریق استخراج تقاویم کواکب از زیج
و استنباط آن و ساختن طالع موالید مسوده نماید که طالبان این علم شریف دانستن استخراج در مبادی کار
بر ایشان آسان گردد ممکن که در نظر صاحبان دین و دولت مستحسن نماید و بعد از آن مطالعه کنندگان
مؤلف را بدعای آمرزش یاد کنند تا نفع عقل ندای شعر یا خادم الجسم کم تسعی بخدمته ؛ اتطلب الربح فیما فیه خسران ؛
اقبل علی النفس و استکمل فضایلها ؛ فانت بالنفس لا بالجسم انسان ؛ در داد و این فقیر با قوت زمام بال و تفرق
حال مر طاعت و انقیاد بسته چند کلمه در ساختن عقد تقویم و حل بعضی از تنخات میرزای شهید الغ
بیک بن شاهرخ بن تیمور گورکان انار الله برهانه در حیز تحریر در آورد و این کتاب را بعقد تقویم موسوم
ساخت التماس از مطالعه کنندگان آنکه بر سهو و خطا اگر مطلع شوند آنرا اصلاح فرمایند و الا بذیل
عفو خطاپوش شوند و این کتاب بر دو مقاله و خاتمه اتفاق افتاد **مقاله اولی** در آنچه تعلق باستخراج تقویم
دارد و حل بعضی تنخات میرزای شهید و عقد تقویم مشتمل بر پنج باب **باب اول** در بیان استخراج تقاویم کواکب
سبعه سیاره و رسم تقاویم هشتاد و چهار کوکب ثابته در طول و عرض مشتمل بر دو فصل **فصل اول** در بیان استخراج
اوساط کواکب و غیر آن از زیج **فصل دوم** در طریق ساختن دستور بجهت استخراج آنها **فصل سیم** در طریق تعدیل
ما بین السطرین و تصحیح تعدیل و استخراج تقاویم کواکب سیاره در نصف النهار و غیر نصف النهار و جدول
تقاویم کواکب ثابته و طریق استخراج و وصول کواکب بنصف النهار **فصل چهارم** در بیان میل ثوابت و غایة ارتفاع

دظل ارتفاع اصابع وظل اقدام وعرض کواکب سته **فصل پنجم** [۱۲] در بُعد کواکب بنظم طبیعی **فصل ششم** [۱۲] در ابعاد کواکب بتقویم
اختلاف ده روزه وپنجروزه **فصل هفتم** [۱۳] در عمل مقامات کواکب ورجعت واستقامت **فصل هشتم** [۱۴] در نطاقات
اوج وتدویر کواکب **فصل نهم** [۱۵] در تشریق وتغریب کواکب **فصل دهم** [۱۵] در ظهور وخفاء کواکب **باب دوم** [۱۶]
در بیان طریق بستن نظرات کواکب واتصالات کلی وغیر ذلک مشتمل بر هشت فصل **فصل اول** در بیان بستن نظرات
کواکب با قمر وساعات اتصالات **فصل دوم** [۲۲] در بیان قاعدهٔ اتصالات کلی ودانستن ساعات اتصال ونظر و
تناظر [illegible] ومطلع **فصل سیم** [۲۳] در تحت الشعاع وخروج الشعاع **فصل چهارم** [۲۳] در بیان حالاتی که عارض میشود کواکب را
از شرف وغیره وطریقه هبوط ومحاسبهٔ راس وذنب **فصل پنجم** [۲۴] در بیان تحویلات کواکب از برجی ببرجی
جزو البعد وجزو اجتماع واستقبال **فصل ششم** [۲۵] در بیان انتقال قمر از برجی ببرجی واز منزل بمنزل وبیان منازل قمر
وطلوع وسقوط آن واز بروج وطبایع وداخل وخارج آن **فصل هفتم** [۲۷] در بیان رویت هلال **فصل هشتم** [۲۸] در مدخل سال
عربی وفارسی ورومی ودانستن سرماه هر یک وسرماه عربی با مراوسط وسرماه ترکان **باب سیم** [۲۸] در بیان
خسوف وکسوف ماه وآفتاب مشتمل بر دو فصل **فصل اول** در بیان خسوف ماه **فصل دوم** [۲۹] در بیان کسوف آفتاب
وطریق عمل هر دو **باب چهارم** [۳۱] در بیان طالع سال وطریق عمل آن باعمال مختلفه وتسویة البیوت وطالع تحویل [illegible]
از برجی ببرجی وحظوظ کواکب وضعف وقوت کواکب مشتمل بر هفت فصل **فصل اول** [۳۱] در بیان عمل فضل الدور
فصل دوم [۳۱] در بیان طالع سال بعمل بعد وبعث(?) **فصل سیم** [۳۲] در بیان طالع سال بعمل اوج ومرکز **فصل چهارم** [۳۳] در بیان
عمل جیب وقوس **فصل پنجم** [۳۳] در بیان تسویة البیوت **فصل ششم** [۳۴] در بیان طالع تحویل برجی ببرجی **فصل هفتم** [۳۴] در حظوظ
کواکب از ارباب بیوت وشرف وحدود ووجوه ومثلثه(?) [illegible] واتصالات وحیز ونقل نور وجمع نور
وقبول ورد [illegible] ودفع طبیعت ودفع قوت ومنع [illegible] وقطع ومرادفه وخلاء السیر ووحشی السیر [illegible]
وجدول اختیارات **باب پنجم** [۴۲] در بیان آنچه ضروریات تقویم است وزوایدی که در تقویم تام بکار دارند
مشتمل بر شش فصل **فصل اول** در بیان رؤس خمسهٔ متحیره وجدول اوساط وطریق استخراج آن **فصل دوم** [۴۳]
در بیان مواضع سبعهٔ منحوسه واوساط وطریق استخراج آن **فصل سیم** [۴۴] در بیان ثبت ساعات معوجه وتسویه **فصل
چهارم** [۴۵] در بیان مراکز ابخرات(?) که آن را آیات گویند وجدول آن **فصل پنجم** [۴۶] در بیان روزهای مشهوره از هر ماهی
فصل ششم [۴۶] در سهام متعدده در طالع سال ومو الید وجدول آن در زواید تقویم تام **مقالهٔ دوم** [۵۱]
در بیان آنچه تعلق بطالع مولود دارد وحل استخراج میرزای شهید وطریق عقد آن مشتمل بر سه باب **باب اول**
در بیان بعضی از اعمال نجومی در جیب قوس سهم ومیل منکوس وظل مستوی وبعد کواکب از معدل النهار ومطالع ودرجه ممر

وارتفاع عاشر وغیره ذلک مشتمل بر هفت فصل **فصل اول** در جیب قوس سهم **فصل دوم** [۵۲] در میل منکوس **فصل سیم** در معرفه
ظل مستوی **فصل چهارم** در معرفهٔ بعد کوکب از معدل النهار **فصل پنجم** [۵۲] در معرفهٔ مطالع ممر ودرجهٔ ممر کوکب وارتفاع عاشر
فصل ششم [۵۳] در معرفهٔ تعدیل النهار وقوس النهار وساعات النهار **فصل هفتم** [۵۴] در مطالع طلوع وغروب ودرجات طلوع وغروب
باب دوم [۵۵] در طالع مولود وقت ولادت بتخمین وتحقیق ونمودارات وتعیین هیلاج وکدخدا
وعرض افقی حادث کواکب وسهم السعاده وجهت عرض وتعدیل النهار حادث ومطالع صحیح ومطرح شعاع وانوار کواکب
مشتمل بر شش فصل **فصل اول** در طالع مولود وقت ولادت بتخمین ونمودارات **فصل دوم** [۵۹] در تعیین هیلاج وکدخدا
وزیاده ونقصان عطیه بسبب نظر سعد ونحس **فصل سیم** [۶۲] در عرض افقی حادث کوکب وسهم السعاده وجهت عرض
هر یک **فصل چهارم** در تعدیل النهار حادث **فصل پنجم** در معرفهٔ مطالع صحیح کواکب **فصل ششم** [۶۶] در معرفهٔ مطرح شعاع وانوار
کواکب واستخراج درجه جنوبیه از مطالع البروج شمالی **باب سیم** [۶۸] در معرفهٔ انتهاآت وطالع تحویل سال است(?)
مشتمل بر دو فصل **فصل اول** در انتهاآت وطالع تحویل **فصل دوم** [۷۰] در تسییر **خاتمه** [۷۱] در بیان طریق نوشتن طالع مولود
وبعض احکام متفرقه نجوم از تجربهٔ پیشینیان از طوالع اشخاص انسانی وآنچه ما خود تجربه کرده ایم وختم کتاب **مقالهٔ اولی**
در آنچه تعلق باستخراج تقویم دارد وحل بعضی از استخراج میرزای شهید وعقد تقویم مشتمل بر پنج باب **باب اول**
در بیان استخراج تقاویم کواکب سبعهٔ سیاره ورءوس وتقاویم هشتاد وچهار کواکب ثابته در طول وعرض مشتمل بر پنج فصل
فصل اول در بیان استخراج اوساط کواکب ورءوس از زیج جدید بدانکه میرزای شهید الغ بیک بن شاهرخ بن تیمور
گورکان در مواضع میفرماید در باب دوم از مقالهٔ سیم از مواضع زیج جدید وقتی خواهیم که اوساط آفتاب ودیگر
کواکب استخراج کنیم اول وقت را از تاریخ هجری معلوم کنیم اگر سالهای ناقصه مابین هشتصد وچهل ویک وهشتصد [illegible]
باشد جهت تقویم آفتاب مرکز واوج بازای آن سالها برگیریم واگر بیشتر باشد پس [illegible] بازای آن سال که مابین او وسال مطلوب
سی سال باشد [illegible] برگیریم ونگاه داریم [illegible] سی سال جدول [illegible] برگیریم واز آنچه نگاه داشته ایم بکاهیم
اگر تاریخ مطلوب بیشتر باشد وبیفزائیم اگر بیشتر باشد تا مرکز واوج آفتاب در اول سال مطلوب حاصل آید پس
بازای ماه وروز مطلوب از جدول شهور وایام آنچه یابیم بر اوج ومرکز افزائیم تا مرکز واوج در نصف النهار
روز مطلوب بطول موضع رصد که **صطو** است حاصل آید پس اگر بطول شهری دیگر خواهیم بازای مابین الطولین
از جدول مابین الطولین برگیریم اگر طول شهر مطلوب کمتر از طول موضع رصد باشد بر وی افزائیم والا بکاهیم تا مرکز واوج
در نصف النهار روز مطلوب در شهر مطلوب حاصل آید وجهت قمر مرکز وخاصه ووسط قمر ووسط راس [illegible]
کواکب دیگر مرکز وخاصه واوج هم برین ترتیب حاصل کنیم **حل** بدان ایدک الله تعالی فی الدارین که اگر خواهیم [illegible] در نصف النهار

روز نوروز اوساط از زیج مستخرج گیریم نظر میکنیم که سال مطلوب از هجرت بنوزده از مبسوطه و مجموعه بحسب آن سال ارقام
مرکز و اوج از زیج برمیداریم و جمع کنیم در شمس مرکز و اوج و در قمر مرکز و خاصه و وسط قمر و وسط راس از مجموعه بحسب آن
سال از زیج برداشته جمع کنیم و در کواکب دیگر ارقام از مبسوطه بحسب مرکز و خاصه و اوج و از مجموعه ارقام بحسب سنین
از مرکز و خاصه برداشته جمع میکنیم و اوج همان سال مجموعه شمس بر اوج می افزاییم و بحسب ماه و روز از جدول ماه و روز
رقم برداشته جمع میکنیم و در غیر موضع رصد ما بین الطولین بر آن می افزاییم یا میکاهیم سر سال مطلوب حاصل میشود **مثال**
خواستیم که در روز چهارشنبه اول فروردینماه جلالی سنه ۵۰۴ مطابق بیست و پنجم ربیع الاول سنه ۱۲۳۱ هجریه بود ایام
اوسط و با رویت بیست و سیم بود اوساط آن روز که نوروز فیروز است از زیج برداریم بازای **ضمس** مبسوطه
و **قف** مجموعه ارقام از زیج برداشتیم و جمع کردیم جنس بر جنس **غکو** و حرکت ربیع الاول جنس بر جنس مزید کردیم
و حرکت بیست و چهار تامه که بیست و پنجم ناقصه بشر بر آن افزودیم و تفاوت ما بین طولین شیراز و سمرقند که **امانو** است
بر آن افزودیم جمع کردیم سر سال جلالی که روز نوروز است حاصل آمد و میزان صحت این عمل آنست که سر سال هزار و بیست و هشت
برداریم و سر سال هزار و بیست و هفت با حرکت مرکز کوکب و خاصه یکساله جمع کنند اگر موافق با رقم سر سال هزار
و بیست و هشت است عمل صحیح است و الا در افزودن یا کاستن غلط شده یا در زیج سهو بوده و ما در اوساط شمس
و قمر و غیره تسهیر و در جدول وضع نمودیم تا بر طالبان آسان باشد و صورت جدول اوساط شمس در سال **غکو** و **غکح** است
چنانچه سر سال **ضمح** **غکو** **لد** با حرکت یکساله شمس **یا لط مد نط** جمع کردیم سر سال صحیح شد پس عمل صحیح باشد و الله اعلم

اوساط شمس	الاوج					المرکز				
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

صورت جدول اوساط قمر و سر سال مذکور است و چون سر سال **غکو** با حرکت یکساله هر یک جمع نمودیم سر سال
غکح شد دانستیم که اوساط درست است و چون سر سال **غکو** با حرکت یکماهه دوازده مرتبه بیفزودیم بر آن صورت
حرکت اوساط ماههای دوازده گانه حاصل آمد و چون با حرکت خمسه بیفزودیم موافق سر سال **غکح** شد پس میزان نمو عمل است

اوساط قمر	المرکز	الخاصه	الوسط	الراس
الشهور	المرکز	الخاصه	الوسط	الراس
فروردینماه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اردیبهشتماه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
خرداد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
تیرماه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مرداد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
شهریور	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مهرماه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
آبانماه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
آذرماه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دیماه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
بهمنماه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اسفندارمذ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الخمسه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
فروردینماه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

اوساط زحل	المرکز	الخاصه	الاوج
ضمس	[illegible]	[illegible]	[illegible]
قف	[illegible]	[illegible]	[illegible]
غکو	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ربیع الاول	[illegible]	[illegible]	[illegible]
جمع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۴ تامه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
جمع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
تفاوت طولین	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سر سال	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ضمح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
قف	[illegible]	[illegible]	[illegible]
جمع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ربیع الاول	[illegible]	[illegible]	[illegible]
جمع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۴ تامه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
جمع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
تفاوت طولین	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سر سال	[illegible]	[illegible]	[illegible]

	المرکز	الخاصه	الوسط	الراس
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سر سال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	المرکز	الخاصه	الوسط	الراس
جمع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سر سال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

چون بحرکت یک ساله مرکز جمع کردیم بدینصورت ٤٤ مد ه خاصه ما ب لا سر سال غکم درست شد و جمیع کواکب
متحیره اوساط ایشان بهمین طریق بر دارند والله اعلم **فصل دوم** در طریق ساختن دستور جهت استخراج کواکب
چون کواکب را اوساط از زیج استخراج نمایند مربع مطول در صفحه بکشند و در عرض از اندرون مربع در دستور شمس
جدولها بکشند جهت حرکت مرکز در ماهها دوازده خانه و بعد از آن جدولی از آن بزرگتر جهت ماهها و بعد از آن
جدولها جهت حرکت مرکز و جدولی دیگر جهت تعدیل الایام و جدولی دیگر جهت مرکز معدل و جدولها دیگر جهت تعدیل ثانی
و جدولی دیگر جهت مرکز مقوم که مرکز حاصل نیز گویند و جدولی دیگر جهت حرکت اوج و جدولی دیگر جهت تقویم شمس
و جدولی دیگر جهت بهت شمس یعنی حرکت ده روزه او و جدولی دیگر جهت عشر البهت یعنی حرکت یکروزه و در
جدول در اندرون مربع اول خط عرضی بکشند و درین خانها بهمین ترتیب که مذکور شد چنین بنویسند مرکز الشهور
و ایام و المرکز تا عشر البهت و بعد از آن دوازده خط عرضی کشاده بکشند و ابتدا از فروردین ماه کرده در آن خانها
از خانهای شهور بحسب آن بنویسند و بعد از آن دو خط عرضی کشاده بکشند در میان جدول هر ماه بکشند
ابتدا از جدول الایام کرده و در حرف یک بکشند و در خانهای سه گانه هر شهور ا یا کا این رقمها که علامت
اول و یازدهم و بیست و یکم است بنویسند و تحت المرکز حرکت ده روزه تا مرکز شمس نیست ٤ ط نا کا بنویسند
و اوساط که بر داشته اند مرکز همان روز در تحت آن بنویسند و می افزایند و در بیست و یکم اردیبهشت ماه و در
اول تیر ماه و در یازدهم مهر ماه و بیست و یکم آذر ماه و اول اسفندار ماه کا مزید نمایند و در باقی کب مزید نمایند
و هر ماهی رقم مرکز سر ماهی با حرکت ماه اول جمع کنند اگر با حرکت ماه دوم موافق باشد عمل درست شده والا در افزودن سهو
شده بعد از آن تعدیل ایام از زیج بر داشته معدل ما بین السطرین و بر مرکز افزائیم مرکز معدل میشود و بر مرکز
معدل تعدیل ثانی بر داشته بتعدیل ما بین السطرین و بر مرکز معدل جنس بر جنس افزایند مرکز مقوم حاصل شود و اوج
در سی روز چهار ثانیه حرکت میکند اوج را بر مرکز مقوم افزایند تقویم شمس حاصل میشود و در رقم تقویم عشر البهت اول از دوم
رفع بهت ده روزه حاصل میشود و چون بهت ده روزه را در شش ضرب کنند حرکت یکروزه حاصل آید و ما جدول آورده ایم جهت دستور شمس بدینصورت
٤ ط نا کا

	الشهور	ایام	المرکز	تعدیل الایام	مرکز معدل	تعدیل ثانی	مرکز مقوم	اوج	تقویم شمس	بهت	عشر البهت	
	فروردین	ا	ا ح لو ل	٤ ط	٤ ح لا ا	ح نا ک	ح ا ک ط ا	ح ح ه ه	٤ ل ٤ لا	٤ ط نا ه	٤ ط و ل	٥
		یا	ط ح ک لا	نه	ط ح ک ط	نا	ط ح لا	ه ه	٤ ک ه لو	ط م ه	٤ غ مو که	٤
		کا	ط ی ط صو	ط	ط ی ح ل	صو	ط ی ح ی	ه ب	٤ ی و ح	ط ط لا	غ ا و	١
	اردیبهشت	ا	ط ی ط ا ح	ل	ط ی ا ه	٤ ٢	ط ی ن ح	٢ ه	٤ ط ن ا	ط ط لا	غ ط که	٤
		یا	ب ح ل	لا	ب ح ا	لا	ب ط و لا ٩	ب ه	ا ط لا که	ط نه	ن غ لو	٤
		کا	ب س غ نا	٤ ل	ب س نه ط	ح ب نا	ب ی و ب	ح ح ه ا	ا ط ٤ کا	ط لو لا	٤ ن ط نه	٩

و جهت قمر نیز مربع مطول وضع کنند و در اندرون مربع خط طولی بکشند که ما بین خط مربع و آن خط بقدر سه جو فرق باشد
بجهت راندن مرکز و خط دیگر جهت وضع تقدیر اول و خط سیم مرکز معدل و خط چهارم جهت خاصه و خط پنجم جهت خاصه
معدله و خط ششم جهت تقدیر ثانی و خط هفتم حصص و خط هشتم [illegible] و نهم مضروب و دهم تقدیر معدل و یازدهم وسط قمر و دوازدهم
تقدیر الایام و سیزدهم تقویم قمر بفلک البروج و چهاردهم راس و پانزدهم حصة العرض و شانزدهم عرض قمر و هفدهم تقدیر [illegible]
و هجدهم تقویم قمر بفلک ممثل و نوزدهم بهت و بیستم منازل بدینصورت که نموده میشود
و در میان مربع چهار ده خط عرضی بکشند که پانزده خانه باشد و بر همین صفحه در سی فرخ هر خانه دو رقم از ارقام علامات
بنویسند تا پانزده خانه یکماهه درست شود و در قم ده روزه و بیست روزه قمر بجهت میزان با حرکت سر ماه جمع کنند
اگر موافق یازدهم و بیست و یکم باشد درست است والا سهو شده و جهت زحل و کواکب دیگر سوای عطارد جدولی
بکشند از مرکز و خاصه و تقدیر اول و تقدیر ثانی تیز بترتیبی که قبل ازین گفته شده فاتیش در صفحه عرض کواکب باقیه
ده روزه مثل شمس بر دارند و حرکت دهند و از آن عطارد پنج روزه و دستور زحل و کواکب دیگر سوای عطارد بدینصورت

[illegible]	ا	ا ب ه ٤	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	وط س	د ج	ا ح لو	٣
	و	ط نه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	و ل	د ط	ا که ح	٤
	یا	که نا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	و که لط	و کا	ا و س	١
		و که ص	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	د ا ٤	٤ ه	٤ ٤ ا	٤
	کا	ا د ص	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ز و ٤	ح کط	٤ ب ٤	
	کو	ا ط ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	د ط کط	د ج	٤ ٤ و	٣

٤ ط لا ده روزه

٤٤ ه ده روزه

[illegible]	ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ا ح	٤ ی	٣
	یا	حرنه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ا ا ک ی	ا ح	٤ ٤	٤
	کا	ا ه ح نه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ا ا لد ی	ا و	٤ لو	٤

فصل سیم در استخراج تقاویم کواکب سیاره بنصف النهار و طریق تقدیر ما بین السطرین و طریق تصحیح تقدیر و تقویم
کواکب در غیر نصف النهار و جدول تقاویم کواکب ثابته مشتمل بر دو عقد **عقد اول** در طریق تقدیر ما بین السطرین
و طریق تصحیح تقدیر و استخراج تقاویم کواکب بنصف النهار بدانکه در آفتاب بمرکز تقدیل الایام بر گیرند و بر مرکز افزایند
و ما بین مرکز تقدیر آفتاب بر گرفته و بر وی افزائیم تا مرکز مقوم حاصل شود و اوج بر مرکز مقوم افزائیم تقویم شمس

حاصل آید ا و بجهت قمر بمرکز تعدیل اول برگیرند و بر خاصه افزایم تا خاصه معدله شود و بخاصه معدله تعدیل ثانی از
زیج برگیریم و حاصل ضرب حصص در اختلاف بروی افزاییم تا تعدیل معدل حاصل آید و از جدول تعدیل الایام قمر بتقویم
آفتاب برداشته از دقایق تعدیل کم کنند و با وسط جمع کنیم تقویم قمر بفلک مایل معدل بتعدیل الایام حاصل آید و وسط
رأس یعنی آن تقویم که از دور نرفته باشیم بر تقویم افزاییم تا حصة العرض شود مثال در اول مرداد ماه جلالی تقویم
قمر بفلک مایل بود این دوما وسط رأس در اول ماه مزبور این دولو جمع کردیم شد این طاهر و این حصة العرض باشد
و اگر خواهیم تقویم رأس حاصل کنیم فضل الدور را حاصل داشته هر روز سه دقیقه از دور کم کنیم الا در سیم جلالی و نهم و یازدهم
و بیستم و بیست ششم که چهار دقیقه کم نماییم از جدول تقویم یومیه آن ماه حاصل می آید و چون تقویم رأس از تقویم قمر
مایل کم میکنیم حصة العرض حاصل میشود مثال تقویم قمر مایل دوما وسط رأس ح ولو فضل الدور یعنی از دوازده برج
نقصان کردیم شد طدکه و این تقویم رأس باشد در آن روز پس تقویم رأس از تقویم قمر بفلک مایل کم کردیم شد حصة العرض
طاهر و این بعینه حصة العرض بعمل اول است پس اگر زیاده استقصا خواهیم بحصة العرض تعدیل ثالث
بگیریم و از تقویم قمر بکاهیم اگر حصه عرض از ربع اول و سیم باشد و بیفزاییم اگر از دو ربع دیگر باشد حاصل تقویم قمر باشد
از فلک ممثل در وقت مطلوب اما تعدیل ما بین السطرین است که چون خواهیم که تعدیل اول یا ثانی قمر برداریم
یا کوکب دیگر در مقابل برج و درجه رقم برداشته تفاضل با رقم درجه تحت او میگیریم و در دقایق مرکز یا خاصه ضرب میکنیم
و اگر تعدیل در تناقص باشد از وی کم کنیم و اگر در تزاید بود بر وی افزاییم تا تعدیل معدل بما بین السطرین حاصل آید و آن را
در جدول تعدیل اول یا ثانی منویسیم مثال در اول شهریور ماه جلالی حرکت مرکز قمر رسیده بود به وطا از جدول
تعدیل اول در مقابل میزان و نوزده درجه بود این دجد و در مقابل بیست درجه این دلاد پس تفاضل گرفتیم یعنی
کم از پیش رفتیم تفاضل این د وط پس تفاضل را در ا که دقیقه مرکز است ضرب کردیم شد این ننو پس این را از تعدیل
مقابل نوزده درجه کم کردیم زیرا که روی در تناقص داشت شد این دمه و خاصه آن روز بود این ەیا پس دقیقه برقم
و درجه بر درجه خاصه افزودیم شد خاصه معدله این یا ال و ثانیه چون رفع نمیشد طرح کردیم اما طریق درست کردن
تعدیل اول از زیج به اکثر چون تعدیل اول یکی از منجره را کاتب سهو کرده باشد و خواهیم که درست کنیم غایت تعدیل
الکوکب را تضعیف میکنیم و بر درجه مطلوب برج تعدیل افزاییم و رقم تعدیل برج تمامی او بر میداریم از دور
یعنی ضعف غایة تعدیل میرویم حاصل جزو مطلوب است مثال در تعدیل اول زحل رقمی که در تحت اول درجه حمل
نوشته بود این بوده ەیه خواستیم که بدانیم که صحیح است یا نه غایت تعدیل زحل که و است تضعیف کردیم ید شد
و با د که درجه حمل است افزودیم کا شد پس تمام او که حوت به ط است رقم او رقم تعدیل برداشتیم بود این ح لا

ازدور

وانظ سه
ح لا

از دور رفتیم بود این ەیه و این بعینه رقم هفت درجه حمل باشد در تعدیل پس عمل صحیح باشد و بدانکه تمام حمل برج
به کا حوت به ط است و تمام دلو بود به د ثور به ا است و تمامی سنبله میزان و تمامی میزان سنبله و تمامی جوزا جدی
و بر عکس و تمامی سرطان قوس و بر عکس و همچنین پس بخاصه معدله تعدیل ثانی معدل بما بین السطرین بطریقی که سبق
ذکر یافت برداشتیم شد این طه و دقایق الحصص اگر خاصه معدله کمتر از شش برج باشد از جدول پیش از اختلاف
و الا از جدول بعد از اختلاف بردارند و در اینجا چون خاصه معدله بیشتر از شش برج بود از جدول بعد از اختلاف
دقایق الحصص برداشتیم شد این نج و اختلاف بخاصه معدله از جدول اختلاف برداشتیم شد این لد مضروب
این اح بر تعدیل ثانی افزودیم شد تعدیل معدل این ه س تعدیل الایام بتقویم آفتاب برگرفتیم بود این ب
وسط قمر در اول شهر مذکور بود پس تعدیل معدل را با وسط جمع کردیم و تعدیل الایام از وی کم کردیم شد تقویم قمر
بفلک مایل این ح طاه و تقویم رأس این طاما پس رأس از تقویم قمر بفلک مایل کم کردیم شد حصة العرض لد ه لد

ح ح لو ظ

و بحصة العرض تعدیل ثالث برداشتیم شد دقه و چون آن ربع چهارم بود بر تقویم قمر مایل افزودیم شد تقویم
قمر بفلک ممثل این ح ط ه اما در میزان صحت استخراج مرکز خاصه و وسط قمر آنست که حرکت ده روزه
تامه مرکز ح ح ط و حرکت بیست روزه تامه دکا چون بر اول ماه مرکز افزایند موافق آید یا یازدهم و بیست
و یکم صحیح باشد و الا سهو شده باشد و همچنین رقم ده روزه تامه خاصه ه لط و بیست روزه تامه خاصه
ح کالا و رقم ده روزه تامه وسط ه ا ما هو و بیست روزه تامه ح ه ال و چون حرکت یکروزه را سی مرتبه بر افق اشند
حرکة هر روزه در آن ماه حاصل آید و چون حرکت یکروزه با روز سی ام آن ماه از ماههای جلالی جمع کنند حرکت سر ماه دیگر حاصل آید
حرکت یکروزه مرکز ه کد کز خاصه ه ح ید وسط ه ح ا و در مرکز و خاصه در یازدهم و بیست یکم که و ح مزید نمایند
و در باقی ه ه و اما در وسط در سیم ماههای جلالی و پنجم و هشتم و دهم و دوازدهم و پانزدهم و هفدهم و بیستم و بیست دوم
و بیست چهارم و بیست هفتم و بیست نهم ح مزید نمایند و در باقی ا بیفزایند و در رأس قبل از این سمت تحریر یافت
اما در پنج کوکب باقی بمرکز تعدیل اول بگیریم و بر مرکز افزاییم و از خاصه بکاهیم تا مرکز و خاصه هر دو معدل شوند
پس بخاصه معدله تعدیل دوم و اختلاف برگیریم و نگاه داریم پس اگر خاصه معدله کمتر از شش برج باشد یعنی از اول
حمل تا آخر سنبله بمرکز معدل از جدول دقایق الحصص موضوعه قبل از اختلاف برداریم و اگر بیشتر باشد از جدول
بعد از اختلاف برداریم و در اختلاف ضرب کنیم و حاصل را با تعدیل دوم جمع کنیم تا تعدیل معدل حاصل آید پس
تعدیل معدل را بر مرکز معدل افزاییم و مرکز حاصل نیز گویند و چون اوج وقت بر مرکز حاصل افزاییم تقویم کوکب در آن وقت
حاصل آید و چون کوکب مستقیم باشد رقم فوق از تحت نقصان کنیم بهت حاصل آید و اگر راجع بود بر عکس

یعنی رقم تحت از فوق نقصان کنیم بهت حاصل آید و در ده روزه عشر البهت که بهت یکروزه است بطریقی که قبل ازین
مذکور شد بهت ده روزه را در شش ضرب کنیم بهت یکروزه حاصل آید و خمس البهت در پنجروزه بگیریم یعنی
هر پنج یکی گیرند و زیاده بر پنج را در دوازده ضرب کنیم بهت یکروزه حاصل آید مثال بهت پنجروزه عطارد ح مه
پس از مه گرفته در دوازده ضرب کردیم ٤ شد در آخر گذاشتیم و در ح ٤ م یک گرفتیم و ٣ که زیاده بر پنج است
در دوازده ضرب کردیم لو شد دم را ثابت گرفتیم بروی افزودیم شد مه و در همین ٤ نوشتیم و از ح پنج مانده
بود یکی گرفتیم و در همین نوشتیم شد بهت یکروزه عطارد ا مه ٤ اما حرکت مشهور مرکز و اوج شمس و حرکت مرکز
و خاصه زحل و مشتری و مریخ و زهره و عطارد بطریقی است که در جدول درآمده و حرکت اوج شمس و خاصه کواکب
اول نوشته شده و حرکت قمر بطریقی است که در فصل دوم گذشت و جدول است
اما طریق تعدیل کواکب از زیج برداشتن همچو قمر است الا مریخ در هنگام رجعت چه اگر در همه جا تفاضل ما بین
السطرین دو درجه برداشته اند در دقایق ضرب میکنیم و در مریخ در سنبله و میزان هر یک سه جدول نوشته اند
بتزاید بیست دقیقه و طریق برداشتن در مثال نموده خواهد شد مثال در دستور ده روزه آخر مرداد ماه خاصه
معدله مریخ ه ح ٤ و دقیقه چون شصت است بر سه قسمت ساخته در اول ٤ نوشته و در دوم ح و در سیم م پس تعدیل
دوم در جدول سنبله در مقابل سه درجه از جدول صفر ا ٤ ط و در مقابل کاف ا ٤ د بود چون ما بین صفر و کاف ده
تفاضل میان آن دو گرفتیم شد ه پس سه را در ٤ که از صفر گذشته بود ضرب کردیم ح لو شد و حصه اول را از جدول
ستینی در جدول جیم برداشتیم در مقابل جیم ط شد و در مقابل لو ا ح که بر رفع - باشد و [illegible] را با ط جمع کردیم یا شد
این را از ط کم کردیم شد ا ٤ ح در جدول تعدیل دوم دستور در مقابل ه ح ٤ نوشتیم مثال دیگر خاصه معدله
مریخ ه که ه تفاضل میان رقوم ٤ و رقوم ح گرفتیم در مقابل که شد این کط پس این را در ه ضرب کردیم
شد ٤ ه پس حصه اش از جدول جیم بطریق مذکور این ه و این را از دقایق ٤ نقصان کردیم شد تعدیل ثانی مریخ این
٤ د و اما مثال دیگر خاصه معدله مریخ ه کا کا تفاضل گرفتیم میان رقم ح و م چون در آن ما بین بود شد ا
در یک که از ح گذشته بود ضرب کردیم و حصه اش از جدول جیم برداشتیم شد ا کا و چون کا رفع نمیشد یک را کم کردیم
شد تعدیل مریخ این ٤ ه ل و مثال دیگر خاصه معدله د ح احتیاج بتفاضل نبود از جدول ح برداشتیم
شد تعدیل مریخ این با ه و الله اعلم

عقد دوم در تقویم کواکب در غیر نصف النهار چون خواهند که تقویم
کواکب استخراج کنند در غیر نصف النهار بجهت تحویل یا ولادت بگیرند ساعات بعد از نصف النهار تا وقت مطلوب
اگر از نصف النهار موخر باشد و از وقت مطلوب تا نصف النهار را اگر از نصف النهار مقدم باشد و آن ساعات

بعد را

بعد را در بهت کوکب ضرب کنند و بر بیست و چهار قسمت کنند و خارج قسمت را از تقویم نصف النهار کم کنند
اگر وقت مطلوب پیش از نصف النهار باشد و بر تقویم نصف النهار افزایند اگر بعد از نصف النهار باشد
و اگر در عین نصف النهار باشد همان بعینه تقویم کوکب باشد و چون میرزای شهید در شمس در جدول جزو
البعد عمل کرده ساعات بعد را در جدول جزو البعد مقوس کنند و در قمر در جدول سیر قمر معدل بساعات
بعد و بهت قمر باید گرفت از ملتقای هر دو و در باقی کواکب ضرب و قسمت باید کرد و ما از برای
هر یک مثالی بگوییم که آسان شود ان شاء الله مثال در سال هزار و بیست و [illegible] تحویل بهار [illegible] ساعت و ده دقیقه
شب آینده میشود خواستیم که تقویم کواکب در آن وقت معلوم کنیم اما شمس در آن وقت تقویم شمس این است
٤ ٤ ٤ و قمر تقویم او بود به نصف النهار روز سه شنبه قبل از نوروز این ط د نو ساعات نصف النهار این
د ٤ ساعات بعد از نصف النهار این [illegible] بهت قمر [illegible] نا پس بهت قمر و ساعت بعد از نصف النهار
از جدول سیر معدل قمر برداشتیم شد این ه ا ب و این را چون بعد ماضی بود بر تقویم قمر افزودیم شد تقویم قمر
در وقت تحویل این ط و اح و بطریق دیگر بهت کوکب در ساعات بعد ضرب کردیم بدین صورت
حاصل ضرب بر رفع - ا میشود این را بر بیست و چهار قسمت کردیم بدین صورت و این بعینه
همان است که از جدول سیر معدل برداشته بودیم ه ا ب اما تقویم زهره در نصف النهار مذکور این [illegible]
بهت او ا ه در ساعات بعد ماضی ضرب کردیم و بر بیست و چهار قسمت کردیم شد این ٤ ا
این را بر تقویم نصف النهار افزودیم شد تقویم زهره بوقت تحویل این [illegible] و قس علی هذا سایر الکواکب المتحیرة
تسهیل تقویم شمس به نصف النهار آنچنان است که تقویم سال ماضی ما بهار قدیم یزدجردی موازی [illegible] ثانیه از بهر را
نقصان کنند تقویم همان روز از ماه قدیم حال حاصل آید مثال خواستیم که تقویم شمس در روز نوروز هم موافق هزار
و بیست و [illegible] بدانیم در همان روز در سال هزار و بیست و شش تقویم شمس بود این ه ح م و مبلغ مذکور را از و
کم نمودیم شد تقویم روز مذکور بحسب تسهیل ه ح کو و بحسب تحقیق بود این ه ح که و این قریب است بهم و در قمر
جدولی تسهیل است که بمرکز خاصه درآیند در ملتقا هر دو تعدیل برمیدارند و بسیار بعمل نزدیک است و بیش
از دو سه دقیقه تفاوت نمیکند و در تعدیل ما بین السطرین که مثال نمودیم بحسب عمل تعدیل معدل [illegible]
بود و در جدول تسهیل [illegible] نط و ما را اینجا از تسهیل تعدیل معدل برمیدارم بجهت استخراج قمر بنا بر وثوق بر آن
اما کواکب ثابته و مواضع آنها در طول و عرض پیش از بطلمیوس یکهزار و بیست و دو ستاره رصد بسته اند
و بطلمیوس نیز در مجسطی آورده و آن کواکب را در شش قدر و مرتبه وضع کرده اند اکبر در قدر اول و اصغر در

۱۲۴۵ ۱۲۳۷ ۱۳۰۰ ۱۱۷۲

ضا غر عصا ۳۹۹ ۸۰۱ ۳۷۵

در قدر ششم و تقویم هشتاد و چهار ستاره ثوابت که در طالع سال عالم و سال قران و موالید تاثیر تمام دارد
بعد از ایراد جدول حرکت کواکب ثوابت در آحاد سنین و عشرات سنین و مآت سنین خواهیم ایراد
کرد در طول و عرض و اقدار و امزجه آن که چون حصه حرکت گذشته از وقت وضع جدول از جدول
حرکت بردارند و بر تقویم او افزایند تقویم کواکب ثابته در وقت مذکور حاصل آید اما در اینجا عرض ثوابت
بر یک منوال باشد و تغییر بعرض او راه نیابد و ما مثال بجهت برداشتن حصه از جدول حرکت ثوابت بگوییم
که بیان شود **مثال** در سال هزار و بیست و هشت خواستیم که بدانیم که سهیل یمانی در کدام برج بچه درجه
و چند دقیقه هست در جدول ثوابت و تقویم سال که حضرت مغفور مبرور مولانا غیاث الدین جمشید
وضع نموده در سال **ضایز** یزدجردی بوده این **حدیو** و این سال **ظغف** و این صد و هشتاد و شش [illegible] است
حرکت از مآت **[illegible]** و از عشرات **[illegible]** و از آحاد **[illegible]** و این را چون جنس بر جنس افزودیم شد
لط کو و رفع کردیم جنس بر جنس افزودیم شد تقویم سهیل یمانی در [illegible] و جدول حرکت ثوابت در
آحاد سنین و عشرات و مآت و الوف اینست چون ما بین التاریخین را بر موضع رصد افزایند
حاصل مطلوب باشد

ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ق	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ش	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ث	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	خ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ذ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ض	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ظ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	غ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ک	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	بغ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جغ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
م	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	دغ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ن	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	هغ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
س	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	وغ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	زغ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ف	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	حغ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ص	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	طغ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ق

جدول مواضع کواکب ثابته در طول و عرض و اقدار و امزجه ایشان در اول سال ضایز یزدجردی بزیاده [illegible] فی المجسطی

عدد	اسماء الکواکب الثابته	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	عدد	اسماء الکواکب الثابته	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ا	جناح الفرس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	لا	الشعری الیمانیه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	سرة الفرس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	لب	راس التوام المقدم	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	اخر النهر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	لج	راس التوام الموخر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	جنب المسلسله	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	لد	الشعری الشامیه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	مقدم الشرطین	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	له	معلف السرطان الشمالی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	موخر الشرطین	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	لو	عنق الشجاع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	کف الخضیب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	لز	انور الفرقدین	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	الناطح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	لح	ظهر الدب الاکبر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	ذات الکرسی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	لط	منخر الاسد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	راس الغول	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	م	قرص السفینه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	رجل المسلسله	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ما	راس الاسد الجنوبی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	رکبة ذات الکرسی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مب	راس الاسد الشمالی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یج	معصم الثریا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مج	التالی من الفرقدین	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ید	راس الغول	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مد	فرد الشجاع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یه	وسط الثریا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مه	منکب الاسد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یو	ملتهب قیقاوس وهو الیدی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مو	قلب الاسد وهو الملکی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یز	مرفق الثریا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مز	ظهر الاسد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یح	عین الثور	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مح	العناق	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یط	رجل الجوزا الیسری	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مط	الصرفه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ک	کتف الجوزا الیسری	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ن	ضفیرة الاسد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کا	العیوق	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	نا	القاید	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کب	مقدم المنطقه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	نب	زاویة العوا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کج	منکب ذو العنان	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	نج	جناح الغراب الایمن	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کد	راس الجبار	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ند	السماک الاعزل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
که	وسط المنطقه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	نه	السماک الرامح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کو	موخر المنطقه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	نو	نیر الفکه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کز	الجدی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	نز	الکفة الجنوبیه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کح	ید الجوزا الیمنی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	نح	الکفة الشمالیه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کط	کعب ذو العنان	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	نط	عنق الحیه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ل	سهیل یمانی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	س	الراقص من التنین	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

اسماء الكواكب الثابتة	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ما بين عيني العقرب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
جبهة العقرب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
رجل قنطورس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
قلب العقرب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
راس الجاثی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
راس الحوا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
راس التنین	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
تالی الشوله	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
رمح ل ان الرامی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عین الرامی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
نسر الطایر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
منقار الدجاجة	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ذنب الدلفین	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
شوله ذنب الجدی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
فم الفرس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
فم الحوت الجنوبی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الردف وهو ذنب الدجاجة	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
رکبة الدجاجة الیمنی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
متن الفرس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
منکب الفرس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ذنب قیطس شمالی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ذنب قیطس جنوبی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
نسر واقع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
رجل الجوزا الیسری	[illegible]	[illegible]			
[illegible] جنب [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		

اما وصول کف الخضیب بدایره نصف النهار بطریق استخراج آن اینست بدانکه چون کوکب کف الخضیب فوق الارض بدایرهٔ نصف النهار رسد در آن وقت دعا مستجاب شود و طریق عمل او چنانست اولا در زمان رصد بهر زیج که خواهند تقویم او در طول و عرض بدانند و حرکت ما بین التاریخین از وقت رصد تا وقت مطلوب بر تقویم وی بوقت رصد افزایند تا تقویم او در نصف النهار یا وقت مطلوب که خواهند حاصل آید بطریقی که در فصل پنجم از باب اول از مقاله دوم ذکر خواهیم کرد در وقت مطلوب مطالع ممر کف الخضیب استخراج کنند و تفاضل میان مطالع ممر کف الخضیب و مطالع استوا تقویم آفتاب بنصف النهار بگیریم و آن تفاضل را بر پانزده قسمت کنیم خارج قسمت ساعات بعد زمان وصول کوکب ثابت بدایره نصف النهار از نصف النهار ما یا ماضی قبل و از ساعات بعد از نصف النهار ساعات وصول او در روز یا در شب معلوم گردد و جدول باتفاق قدوهٔ منجمان و زبدهٔ علمای زمان زینا علیا منجم لاری وضع کرده ایم بجهت ساعات بعد که ساعات نصف النهار هر شهری را که خواهند بوجهی که در باب دوم از مقاله اول در طریق تسویه نظرات یاد خواهیم کرد که اگر بعد ما ماضی باشد و ساعات بعد زیاده از ساعات نصف النهار آن شهر باشد ساعات نصف النهار از ساعات بعد از آن درجه کم کنند ساعات وصول کف الخضیب بدایرهٔ نصف النهار آن شهر

از اول شب حاصل آید و اگر کمتر از نصف النهار باشد ساعات نصف النهار را بر ساعات بعد بیفزایند ساعات وصول کوکب بنصف النهار از اول روز حاصل آید و در بعد مستقبل بطریقی که در باب مذکور ذکر خواهد شد عمل نمایند و جدول دیگر بجهت ساعات وصول کف الخضیب بنصف النهار از اول روز یا اول شب بعرض لار عمل کرده در ینجا ثبت کردیم که بتقویم آفتاب درین جدول در آیند و برج از اعلی و درجات آفتاب از یمین ساعات وصول کف الخضیب بنصف النهار بر دارند و رقم اول علامت ساعات و دوم علامت دقیقه و سیم علامت روز و شب و چون هفتاد سال شمسی یکدرجه ثوابت حرکت میکنند هر هفتاد سال شمسی یکبار دیگر این جدول را بطریقی که مذکور شد استخراج نمایند و درین نیز مثالی بگوییم که طالبان را آسانی باشد با عمل کردن با آن

مثال تقویم کف الخضیب در سال ضا هجری بموجب زیج جدید [illegible] در سال مطلوب غكط ناقصه قمری از تاریخ رصد گذشته بود قفح تفاوت سال شمسی و قمری که از وی کم کردیم شد قفح از حرکت ثوابت تفاوت بر داشتیم [illegible] بر تقویم سال مذکور افزودیم شد تقویم کوکب کف الخضیب در سال غكط [illegible] درجه از طول او کاستیم شد [illegible] مجنس او شد [illegible] مقوس او در عرض شمالی [illegible] برفع که موافق عرض او بود در مقدار و در جهت [illegible] مجنس او [illegible] نود درجه بر مطالع افزودیم شد مطالع ممر [illegible] شد درجه ممر او [illegible] در مطالع استوا من اول الحمل از درجات تفاضل گرفتیم و بر پانزده قسمت کردیم ساعات بعد حاصل شد در جدول گذاشتیم بدین صورت [illegible] و چون زیاده از مجموع نصف النهار و ساعات شب بود زیاده ساعات بود گذشته از اول روز [illegible] در جدول وصول کوکب بنصف النهار نوشتیم و بر همین و تیره هر دو جدول با تمام رسانیدیم و جدول بعد ثبت و چون در صفر درجه حمل تفاضل بنود مجموع مطالع ممر بر پانزده قسمت کردیم [illegible] شد و علی هذا القیاس جدول بعد با تمام رسانیدیم و چون در ساعات وصول در صفر درجه حمل ساعات بعد زیاده بر ساعات شب و نصف النهار بود [illegible] که موافق ساعات شب و نصف النهار است از ساعات بعد نقصان کردیم شد وصول کف الخضیب بنصف النهار در صفر درجه حمل [illegible]

و علی هذا القیاس سایر البروج و الدرجات والله اعلم

بالصواب

جدول ساعات وصول كف الخضيب بنصف النهار در شب نوروز

الدرج	الحمل	الثور	الجوزا	السرطان	الاسد	السنبلة	الميزان	العقرب	القوس	الجدي	الدلو	الحوت
٠	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ي	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ك	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول ساعات وصول كف الخضيب بنصف النهار

الدرج	الحمل	الثور	الجوزا	السرطان	الاسد	السنبلة	الميزان	العقرب	القوس	الجدي	الدلو	الحوت
٠	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ي	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ك	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

فصل در حل این جدول اگرچه روشن نبود اما آنچه بدرایت ظاهر شده اینست که اگر ارتفاع موجود
و خواهیم که طالع معلوم کنیم ببینیم که غایت ارتفاع کوکب و دران روز چندست و دران جدول ارتفاع
را معلوم کنیم که در مقابل که هست از ساعات و اگر نیابیم تعدیل کنیم میان دو جدول آنچه یافت شود
ساعات زمانیست از اول روز اگر قبل از نصف النهار باشد و الا مانده تا آخر روز بود اگر بعد از نصف النهار
باشد بهر کدام عمل کرده باشیم آنرا با ساعات مستویه کنیم و ساعات در اجزاء آن ضرب کنیم دایر حاصل آید
و اگر که ساعات مستوی کنیم و در اجزای ساعات زمانی نیز ضرب شاید و اگر طالع معلوم باشد و خواهیم که بدانیم
که ارتفاع چندست از طالع دایر و ساعات معلوم کنیم و ساعات مستوی را زمانی کنیم بعد از ان در مقابل
آن ساعات از جدول غایت ارتفاع ارتفاع وقت بگیرند و اگر با ساعات دقایق باشد تعدیل کنیم میانه
جدول دو ساعت **مثال** خواستیم که از طالع ارتفاع بدانیم در وقت تحویل شمس بحمل و غایت ارتفاع
سد ساعات گذشته از روز حهط در مقابل ساعات سیم لار یافتیم و در مقابل چهارم مطخ
تفاضل یا کا در مط که دقیقه هست ضرب کردیم شد ط لو بر قسم اول که لار هست افزودیم شد
مح خ و این ارتفاع وقت هست و چون سر حمل هست ساعات مستوی و زمانی یکی هست
طریق استخراج ساعات زمانی و مستوی از همدیگر بطریق اسهل که در زیج خاقانی هست
اگر ساعات مستوی معلوم باشد بجای ساعات روز یا شب بهت معدل بگیریم و بجای ساعات
معلوم بعد معدله و در جدول ساعت بعد قمر دوم آنچه حاصل شود تنصیف کنیم ساعات
زمانی حاصل شود و اگر ساعات زمانی را مضاعف کنیم و در جدول ساعات بعد بازاء بهت معدل
که مساوی ساعات روز باشد مقوس کنیم آنچه از بعد حاصل شود ساعات مستوی باشد اینهمه کلام و چنین
بعد از نصف النهار باشد یعنی ارتفاع غربی باشد برجع القهقری باز گردد که چون بیک ساعت
رسد دوازده ساعت زمانی باشد والله اعلم

جدول معرفة اجزاء الارتفاع للساعات

ا	ا نو	ا ا	ا مه	ا نه	ا لح	ا ا	ا
ب	ا لا	ا ا	ا لا	ا ا	ا مو	سب	ا
ج	ا را	ا	ب وب	ا ب	ب نه	د	ا
د	ا ب	ا ب	ب ن	د كر	ب نب	ز	ا
ه	ا ح	ب ا	د لد	ز حو	ز ده	ه	ا
و	ا له	د لد	ز له	ه سه	ح	ور	ا
ز	ا طو	ا ز	ز نو	ح و	مو	ب	ا
ح	ب ح ز	ه د	ه لطو	يو	ب لح	ط ح	ا
ط	ب لح ز	لو لط	د مح	ح	سط ط	[illegible]	ا
ي	ب له ه	د د	د ج ح	لط م	ب	[illegible]	ا
يا	ب فه	لد ح	لط لد	ب	ا	[illegible]	ا
يب	ب ح ه	و ج	كو ب	كب ا	لو	[illegible]	ا
يج	ح ه و	ح ط	ح ا ح	ط ب	ط	[illegible]	ا
يد	ح حو	ط ح	ا ط	ح	ب ط	[illegible]	ا
يه	و ل د	ط ا	ط ا	ب	ا لا	[illegible]	ا
يو	و ش	د ل	ب لا	و	ب لط	[illegible]	ا
يز	ز ج و	ا ط	ا ب	ط ب	كو و	[illegible]	ا
يح	ز ط	ط ا	ا ذ	ب	مو ل	[illegible]	ا
يط	ز لا	ح ط	ب كا	كه	ر س ا	[illegible]	ا
ك	ز ق	ط ط	ح	ط مو	ح مح	[illegible]	ا
كا	ه ق ط	ا ب	ب ط	كب	ا ح	[illegible]	ا
كب	ه كس	ح	ا ل	كه	ب مو	[illegible]	ا
كج	ه ل	ح	و ح	ا كا	ح كس	[illegible]	ا
كد	ه ش	ا مو	ح ا	مه ط كس	ب ا	[illegible]	ا
كه	و ر	ا مح	يو	ا ح	ح ح	[illegible]	ا
كو	و كا	ح ر	كس	كا	و ح	[illegible]	ا
كز	و له	مس ح	كس	ح ح	د كو	[illegible]	ا
كح	و مط	ح ب	ح	ط	كو	[illegible]	ا
كط	ر ر	ط ا	ط كس	ح ه	لا	[illegible]	ا
ل	ر لب	ط ح	طه	م	ح ل	[illegible]	ا

لا	ب مه	ب نو	كا نو	كو	ا لو	ا لا	ا
لب	ب د	ب كب	كا لط	ح لط	ا ه	ب	
لج	ح ح	ح كب	ح ر	ط ط	ا م	ب	
لد	ح كا	مو مه	مو لط	ا ا	لط لا	ب ا	ا
له	ح لو	ط مه	ب لا	ل ا	لط لا	[illegible]	
لو	ح ح	ر و	ر ب	ح ل	لو لو	[illegible]	
لز	ط ح	ر ب	ب ل	ا لا	لو ر	[illegible]	
لح	ط ب	ر لط	ح و	ح ا	لو ا	[illegible]	ا
لط	ط ح	ب ح	ب كو	و	لط لا	[illegible]	
م	ط ل	ح ح	ح ا	ل	لط م	[illegible]	
ما	ط ط	ب ا	ح ا	ل	لط كا	[illegible]	
مب	ب ا	ح ب	ح ا	كو م	ل ب	[illegible]	ا
مج	ب ح	ن ب	لو ح	ط ا	ب ح	[illegible]	
مد	ب كه	ط ح	ح ل	ا ا	ب ح	[illegible]	
مه	ب لو	ط ن	ل ح	ح ح	ب ح	[illegible]	
مو	ب ح ا	و ل	ل ل	ا ب	ب سو	[illegible]	ا
مز	ب ح	ح ا	ر ط	ط ط	ح ط	[illegible]	ا
مح	ا ح	كا ن	ا ب	ح م	نو ح	[illegible]	
مط	ا كس	ا ل	ح ب	ب	نا ط	[illegible]	
ن	ا ا	ل ل	ح ط	نو ه	مو ن	[illegible]	ا
نا	ا م	ط كا	س س	ح	م نا	[illegible]	
نب	ا نا	ب س	ب نو	لا	ط ن	[illegible]	
نج	ب ب	ب ل	لا ب	ح ب	ب و	[illegible]	
ند	ب ح	ب ش	ح ب	ن	نا كس	[illegible]	ا
نه	ب ب	ب ا	ل ب	ب ل	لو ش	[illegible]	
نو	ب له	ل ل	و مو	ب ح	نو	[illegible]	
نز	ب ح	ب ح	ل لو	ر مو	ح ر	[illegible]	
نح	ب نا	لو ط	و لو	ل	ح ل	[illegible]	ا
نط	ب ش	ب ا	ح كس	ط	ب ب	[illegible]	
س	ح ح	م ا	ح ح	م	ت نا ل	[illegible]	ا

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	سا ٤
سب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	سب ٤
سج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	سج ٤
سد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	سد ٤
سه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	سه ٤
سو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	سو ٤
سز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	سز ٤
سح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	سح ٤
سط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	سط ٤
ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ع ٤
عا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	عا ٤
عب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	عب ٤
عج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	عج ٤
عد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	عد ٤
عه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	عه ٤
عو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	عو ٤
عز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	عز ٤
عح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	عح ٤
عط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	عط ٤
ف	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ف ٤
فا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	فا ٤
فب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	فب ٤
فج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	فج ٤
فد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	فد ٤
فه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	فه ٤
فو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	فو ٤
فز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	فز ٤
فح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	فح ٤
فط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	فط ٤
صه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	صه ٤

فصل چهارم در بیان میل آفتاب و غایة ارتفاع و ظل
بالاصابع و الاقدام و عرض کواکب سته مشتمل بر شش عقد
عقد اول در میل آفتاب میل آفتاب بعد آفتاب است
از معدل النهار و مرزا رشید انار الله برهانه میفرماید
که میل کلی برصد ما **کج ل** است و حد میل کلی غایت میل فلک
البروج است از معدل النهار و آن قوسیست از دایره مارة
باقطاب اربعه که واقع باشد میان هر دو نقطه از جانب
اقرب یا مابین هر دو قطب میل اول قوسیست از دایره میل
که بجزو مفروض کنند مابین جزو مفروض و معدل النهار
از جهت اقرب و میل ثانی قوسیست از دایره عرضیه
که بجزو مفروض کنند مابین الجزو و معدل النهار از جانب
اقرب و بجهت استخراج میل اول و ثانی جدولها وضع کرده اند
که از جدول بردارند تقویم آفتاب در طول و دقایق در عرض
رقم ملتقاره دو معدل بما بین السطرین میل آن جزو است
و چون خواهند که در تقویم نویسند جدولی پهلوی جدول تقویم
آفتاب بکشند و بتقویم آفتاب برداشته در محاذی آن
نویسند **مثال** در اول تیرماه جلالی سال **غکر** هجری تقویم
آفتاب بود این **- ه لو** نظر کردیم برنج در جدول میل
در صفحه جوزا مقابل **ه** درجه **لو** دقیقه بود میل اول
شمس **کج لا** و چون رقم **لو** دقیقه بود محتاج بتفاضل
نبودیم **مثال دیگر** که تفاضل باید گرفت در اول خرداد ماه
سال مذکور تقویم آفتاب بود این **لا ۹** در جدول میل
در آمدیم محاذی بیست و هشت درجه و پنجاه و چهار دقیقه
در جدول میل پنجاه و هفت دقیقه تفاضل گرفتیم **لط** ثانیه

دما بین پنجاه و چهار و پنجاه و هفت سه دقیقه بود دو ثلث که یک جزو از پنجاه و چهار گذشته بود ثانیه مذکور را
بر سه قسمت کردیم ثلث **ی** شد پس ثلث برقم کاذر **کح** در جدو **نه** دقیقه افزودیم باشتمالهم که **کو** است از محاذی
کح و **نه** کم کردیم شد میل اول شمس بنصف النهار مذکور این **یط ط** کو بر این قیاس کنم سایر میل را **عقد دوم**
در غایة ارتفاع در آفاق مستوایه تمام بعد کوکب غایت ارتفاع او باشد و در بلاد مایل بعد کوکب از بالای
عرض بلد بکاهیم اگر در جانب قطب خفی باشد و بیفزاییم اگر در جانب قطب ظاهر باشد و اگر از نود زیاده شود
تمام آن تا صد و هشتاد بگیریم غایت ارتفاع آنکوکب باشد و اگر بر عکس این عمل کنند در افزودن و کاستن
غایة انحطاط باشد **حل** بدانکه غایة ارتفاع قوسیست از دایره نصف النهار مابین افق و تقاطع مدار کوکب
با نصف النهار از آن تقاطع که بسمت الرأس نزدیکتر باشد و چون خواهیم که غایة ارتفاع یا انحطاط آفتاب
یا کوکبی دیگر بدانیم بعد کوکب از تمام عرض بلد بکاهیم اگر در بلاد مایله کوکب در جهت قطب خفی باشد و بعد
آفتاب میل اوست و در تقاویم چون خواهند که غایت ارتفاع هر روزه محاذی روز خود ثبت نمایند و تمام
عرض بلد آنست که عرض بلد را از نود کم کنیم باقی تمام عرض بلد است و بر تمام عرض بلد می افزاییم اگر کوکب
در جانب قطب ظاهر باشد **مثال** خواستیم که در اول خرداد ماه مذکور غایة ارتفاع آفتاب در عرض **کط**
یعنی بلدة اللار حفظها الله و اهالیها عن شر الاشرار بدانیم پس عرض بلد را از نود کم کردیم شد تمام عرض بلد این
سا ح چون آفتاب در جانب قطب ظاهر بود میل اول که حاصل کرده بودیم قبل ازین سمت تحریر یافت بر تمام
عرض بلد افزودیم شد غایة ارتفاع آفتاب بنصف النهار این **فح یط** و اگر در میزان تا آخر حوت باشد از تمام
جانب قطب خفی است باید کاست تا غایت ارتفاع حاصل آید **عقد سیم** در ظل چون خواهند که در
نصف النهار مذکور ظل بالاصابع و بالاقدام بدانند بغایت ارتفاع در جدول ظل مستوی در آیند و
تفاضل بگیرند و تفاضل را در دقایق ارتفاع ضرب کنند و اگر رو در نقصان باشد بکاهند و اگر در تزاید
باشد بیفزایند تا ظل بالاصابع و بالاقدام حاصل آید **مثال** غایة ارتفاع روز مذکور بود **فح** در محاذی آن
ظل بالاصابع این **ا ما** ظل بالاقدام این **کط** تفاضل بود این **ی د** و این را در **یط** که دقایق ارتفاع است
ضرب کردیم شد این **ب و** این را از دقایق ظل بالاصابع کم کردیم شد **ال** و از ظل بالاقدام کم کردیم
شد این **کج** و ظل اصابع و اقدام معدله است بما بین السطرین و اینقلم چون خواهند که در تقویم نویسند
جدولی در پهلوی غایة ارتفاع وضع کنند و در روز بروز بهمین طریق عمل کنند و در آنجا نویسند **عقد چهارم**
در عرض قمر عرض قمر دوری او بود از مدار آفتاب یعنی عرض کوکب از منطقة البروج و آفتاب هرگز از آنجا

دور نشود بنابرین عرض ندارد و کواکب ستهٔ باقیه چون از مدار آفتاب دور میشود بجانب [illegible] ایشان عرض گویند
چون خواهند که عرض قمر بدهند و در تقویم نویسند جدولی در برابر تقویم قمر وضع کنند و بحصة العرض از زیج
در جدول عرض قمر معدل بمابین السطرین بر دارند و در محاذی تقویم همان روز نویسند تا تقویم قمر در طول و عرض
هر دو آورده باشند مثال خواستیم که در اول مرداد ماه جلالی عرض قمر بدانیم و در آن روز حصة العرض بموجبی که در
فصل سیم ذکر رفته بود این طا ای ب که بجب این بجدول عرض قمر در آمدیم بود عرض این د لو چون تفاضل نبود
محتاج بتعدیل مابین السطرین نشد و این عرض قمر باشد و قاعدهٔ کلیه در شمال و جنوب و صاعد و زاید
آنست که چون حصة العرض کمتر از شش برج باشد عرض شمالیست و الا جنوبیه و اگر از ربع اول و چهارم باشد
عرض صاعد باشد و الا هابط و در ربع اول و سیم زاید بود و الا ناقص پس این قاعده عرض مذکور جنوبی
صاعد ناقص باشد والله اعلم عقد پنجم در عرض کواکب علویه یعنی زحل و مشتری و مریخ چنانچه سبق ذکر یافت
که عرض کوکب دوری اوست از منطقة البروج و عرض کواکب علویه بدین طریق استخراج باید کرد که بمرکز معدل
دقایق النسب عرض بر گیریم و اگر بازاء دقایق النسب عرض شمالی یابیم بخاصه معدله از میل شمالی بر گیریم
و الا از میل جنوبی بر گیریم و در دقایق النسب ضرب کنیم حاصل ضرب عرض شمالی بود یا جنوبی و بیشتر بایست
بروزی چند عرض حاصل کنیم تا معلوم شود که زاید است یا ناقص زاید شمالی و ناقص جنوبی صاعد بود و ناقص شمالی
و زاید جنوبی هابط بود مثال خواستیم که عرض زحل بدانیم مرکز معدل این ه ر دقایق النسب جنوبی بود هه یا
خاصه معدله بود و این یا ی مط از جدول میل جنوبی بخاصه معدله بر داشتیم شد این ا لح پس میل در دقایق النسب
ضرب کردیم شد عرض زحل جنوبی این ا کو مرکز معدل بجهت آنکه ببینیم زاید است یا ناقص ده روزه بعد بر داشتیم
بود این [illegible] دقایق النسب جنوبی بود این هه کا و خاصه معدله همان روز بود این [illegible] میل جنوبی بر داشتیم ا لح
پس میل در دقایق النسب ضرب کردیم شد عرض جنوبی ناقص صاعد ا که والله اعلم مثال عرض مشتری مرکز معدل در اول
خرداد ماه مذکور بود [illegible] میل جنوبی بر داشتیم دقایق النسب عرض جنوبی بود بعد از تعدیل مابین السطرین این ما نو
و خاصه معدله همان روز بود [illegible] از میل جنوبی بر داشتیم بود ا لا در دقایق النسب ضرب کردیم شد عرض مشتری جنوبی
ا مه و بجهت زاید و ناقص مرکز ده روزه عقب آن بر داشتیم بود [illegible] دقایق النسب جنوبی سه لو
خاصه معدله همان روز [illegible] بازاء آن معدل بتعدیل مابین السطرین میل جنوبی بر داشتیم بود ا لو عرض مشتری جنوبی
ناقص صاعد ا ح والله اعلم مثال دیگر در عرض مریخ در اول خرداد ماه مذکور مرکز معدل مریخ بود این [illegible]
بازاء و دقایق الحصص عرض ح بر داشتیم بود معدل بمابین السطرین [illegible] له خاصه معدله همان روز [illegible] میل شمالی [illegible]

هابط زاید

در دقایق

در دقایق النسب ضرب کردیم شد عرض مشتری جنوبی [illegible] و بجهت زاید و ناقص مرکز ده روزه عقب آن بر داشتیم بود [illegible]
دقایق النسب جنوبی [illegible] خاصه معدله همان روز بازاء آن معدل بتعدیل مابین السطرین میل جنوبی
بر داشتیم بود [illegible] در دقایق النسب ضرب کردیم شد عرض جنوبی مریخ [illegible] مرکز معدل عقب [illegible] بود دقایق النسب
جنوبی [illegible] خاصه معدله [illegible] میل جنوبی او [illegible] ضرب کردیم شد عرض مریخ صاعد ناقص [illegible] والله اعلم
عقد ششم در بیان عرض سفلیین یعنی زهره و عطارد بمرکز معدل هر یک از عرض اول و دقایق النسب عرض
دوم و سیم بر گیریم و عرض اول زهره دایما شمالی و عرض اول عطارد جنوبی بود دایما و علامت شمالی یا جنوبی هر یک
از دقایق النسب عرض دوم و سیم نگاه داریم و بخاصه معدله هر یک از میل و انحراف بر گیریم و علامت شه یا ج
در هر دو نگاه داریم پس دقایق النسب دوم در میل ضرب کنیم عرض دوم حاصل شود پس بنگریم اگر هر دو علامت
و دقایق النسب شه باشد یا هر دو ج باشد عرض دوم شمالی باشد و الا جنوبی پس دقایق النسب عرض سیم در انحراف
ضرب کنیم تا عرض سیم حاصل شود و جهت آن هم بر آن قیاس معلوم باید کرد و چون هر سه عرض معلوم شد اگر هر سه
در یکجهت باشند جمع کنیم و الا آنچه در یکجهت باشند باهم جمع کنیم و آنچه مخالف باشند در جهت کمتر از بیشتر بکاهیم عرض معدل
مجموع یا باقی باشد در جهت مجموع حل بدانکه این دو کوکب را سه عرض استخراج باید کرد تا یک عرض محقق شود
پس بمرکز معدل عرض اول بر گیرند و از آن زهره دایما شمالی بود و از عطارد دایما جنوبی و از آن نگاه دارند بار دیگر
هم بمرکز معدل دقایق النسب ثانی بر گیرند و شه و ج او بدانند و بخاصه معدله از جدول عرض ثانی یعنی حصه و میل
بر دارند و شمالی و جنوبی او بدانند و در آن دقایق النسب ضرب کنند و اگر دقایق النسب و عرض در یکجهت
یافته باشند مضروب عرض شمالی بود و اگر مختلف باشند در جهت عرض جنوبی باشد پس این عرض ثانی گویند
و در هم شه یا ج بر سر آن بنویسند بار دیگر بازاء مرکز معدل دقایق النسب ثالث بر گیرند و بازاء خاصه معدله عرض ثالث
بر گیرند و جهت هر دو بدانند و در همدیگر ضرب کنند اگر جهت هر دو موافق باشد عرض ثالث شمالی بود و اگر مخالف بود
عرض ثالث جنوبی بود بعد از آن بنگرند بر هر سه عرض اگر در یکجهت باشند در شمال هر سه را باهم جمع کنند عرض کوکب
بود در شمال و الا بالضرورة دو عرض در یکجهت خواهد بود آن دو را باهم جمع کنند و با آنکه مخالف است کم از بیش
بکاهند آنچه باند عرض کوکب بود در جهت فاضل از شمال و جنوب مثال در اول خرداد ماه مذکور مرکز معدل
زهره [illegible] بمرکز معدل عرض اول شه بود این ح پس بمرکز معدل دقایق النسب ثانی بر داشتیم بود [illegible]
و خاصه معدله در اول تاریخ مذکور [illegible] و بخاصه معدله از جدول عرض ثانی یعنی میل و انحراف بر داشتیم میل
شمالی [illegible] انحراف شمالی [illegible] پس دقایق النسب دوم در میل ضرب کردیم [illegible] شد بر رفع و این عرض دوم باید

چون دقایق النسب ثانی و میل مختلف الجهة بودند بر سر عرض دوم علامت جنوبیه نوشتیم بار دیگر باز از مرکز معدل دقایق النسب ثالث بر داشتیم بود نه و باز از خاصه معدله عرض ثالث یعنی انحراف بر داشتیم و در دقایق النسب ضرب کردیم برخ شد د مه و این عرض سیم بود پس عرض اول زهره د مه و عرض دوم د ال و عرض سیم د مه پس آن دو که در یکجهة بودند جمع کردیم و تفاضل گرفتیم با آن که در جهة مختلف بودند فضل او ابود شد د لط و این عرض معدل زهره باشد و چون خواستیم که زاید و ناقص بدانیم مرکز معدل بود در دهم خرداد ماه مذکور مالط عرض اول ط مه دقایق النسب ثانی ح خاصه معدله د ند میل ا مه عرض دوم د ح دقایق النسب ثالث نح انحراف که مه عرض ثالث کا و عرض معدل زهره شمالا صاعد زاید د س والله اعلم اما عرض عطارد بطریق مذکور مرکز معدل عطارد در بیست یکم دیماه د مو عرض اول عطارد ط دقایق النسب ثانی نه خاصه معدله ا مه میل ا مه عرض دوم جنوبا ا کا دقایق النسب ثالث که انحراف ا ح عرض سیم جنوبا که چون هر سه عرض در یکجهت بودند جمع کردیم شد عرض محقق جنوبا عطارد ا لو و چون خواهند که عرض کوکب در تقویم ثبت کنند جدولها در پهلوی جدول تقویم هر کوکب وضع نمایند و روز بروز عرض الکواکب استنباط کرده در پهلوی جدول تقویم ها نوشته نویسند و جدولها بر سبیل تخمین و تقریب قریب بتحقیق عمل مظفر الدین قاری رحمه الله درین صحیفه ایراد کردیم که از آنجا بطریق تسهیل عرض کواکب و میل شمس بتقویم ایشان ظاهر گردد و هر روزه

[illegible]	[illegible]	[illegible]	ما لط	مه	ا ل	ح	مه	ما ل	د د	ح	ما لط	مه	له	لط	مه	ما ل	د د	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

فصل پنجم در بیان بسط کواکب بنظم طبیعی بدانکه در قمر چون تقویم یکروزه او عمل کنند محتاج به بسط نیست و در شش کوکب دیگر که ده روزه و پنج روزه عمل میکنند محتاج میشویم به بسط و بسط عبارتست از بیرون آوردن حرکت یکروزه کوکب از حرکت ده روزه یا پنجروزه اما بسط ده روزه بنظم طبیعی چون عشر البهت کوکب را در جائی نویسند بر بالا و تقویم آن روز از دستور برداشته در زیر او نویسند برج و درجه و دقیقه و ثانیه محاذی یکدیگر و اگر کوکب مستقیم باشد در هر عشر البهت را بر همان تقویم افزایند تقویم یکروزه یکروزه در آن عشر البهت حاصل آید و اگر کوکب راجع بود عشر البهت از همان تقویم کم کنند تقویم یکروزه یکروزه حاصل آید **مثال** تقویم شمس در اول تیرماه جلالی ۰ ا لو ۰ بود و عشر البهت ۰ ۰ نه ۰ بدینصورت نوشتیم و افزودیم ده روزه بدینطریق حاصل شد و علامت صحت این عمل آنست که چون عشر البهت را بر روز دهم افزایند بعینه تقویم یازدهم نیز شود چنانکه شده و الا در عمل سهو شده و تقویم زحل در اول شهر مذکور بود ۰ ح ۵ ۰ و عشر البهت ۰ ۰ د د چون مستقیم بود افزودیم حرکت ده روزه حاصل شد و چون افزودیم حرکت روز یازدهم دستور بعینه پس عمل در هر دو صحیح باشد و در صحیح که زحل راجع باشد در اول آذرماه تقویم او بود ۰ ح ی ۰ و عشر البهت بود ۰ ۰ ۰ ۰ عشر البهت را از وی نقصان کردیم تقویم آن ده روزه یکروزه حاصل شد بدینصورت

۰	۰	نح	لو
۰	ا	لو	۰
۰	ا	لو	۰
۰	کط	لو	۰
ح	۰	ال	۰
ح	ا	که	نو
ح	۰	کب	لط
ح	ح	لط	۰
ح	۰	لو	۰
ح	۵	۰	۰
ح	و	ما	۰
ح	د	۰	۰

۰	۰	د	۰
۰	ح	۵	۰
۰	ح	نح	۰
۰	۰	۵	لو
۰	۰	ح	که
۰	۰	کا	۰
۰	۰	کط	۰
۰	۰	لو	۰
۰	۰	ید	لو
۰	۰	نه	که
۰	۵	۰	نه
۰	۵	۰	۰

در بسط پنجروزه خمس البهت را بر بالا و تقویم در تحت آن نویسند و بیفزایند در استقامت و کم کنند در رجعت تا تقویم یکروزه یکروزه حاصل آید **فصل ششم** در بسط کواکب بقوس الخلاف ده روزه و پنجروزه بدانکه حرکت روز پیشتر را بهت سابق گویند و عشر البهت را بهت وسط گویند چه بهت سابق با بهت وسط موافق باشد یا پیشتر از دو دقیقه تفاوت نداشته باشد بنظم طبیعی رانند و الا بقوس الخلاف و ما در شمس و زحل و مشتری دایم بنظم طبیعی عمل کردیم چه بهت سابق با بهت وسط تفاوت بسیار نمیکند اما در مریخ و زهره و عطارد چه تفاوت بسیار میکند در آنجا که تفاوت بسیار است احتیاج بقوس الخلاف میشود و آنچنانست که در پنج روز ثلث تفاوت بگیریم و در ده روزه تفاوت را بر یازده قسمت کنیم و ضعف خارج قسمت را بگیریم و ثلث تفاوت را پنج بار متوالی بر بهت سابق افزائیم اگر بهت اوسط زیاده از

۰	۰	۵	۰
۰	۰	۰	۰
۰	۰	ا	۰
۰	۰	۵	لو
۰	۰	نط	نه
۰	۰	نه	۰
۰	۰	۰	۰
۰	۰	۰	۰
۰	۰	۰	۰
۰	۰	لا	که
۰	۰	۰	۰
۰	۰	۰	۰

بهت سابق باشد و بکاهیم اگر کمتر باشد تا بهتهای معدل روزهای پنجگانه یا ده گانه حاصل شود
و بیان بهتها تقویم از روز بباید راند و چند مثال که در وقت گذر بهیان بعمل نوشته
بودیم در اینجا ایراد کردیم تا بر ناظران آسان شود **مثال** در قوس اختلاف ده روزه
در یازدهم خرداد ماه تقویم مریخ ط ل کط و تقویم روز بیستم ط کا نه و این بهت سابق بود
ل ط ط و بهت وسط یعنی عشر البهت بود این کو ج تفاوت میان بهت سابق و بهت
اوسط ج ب بر یازده قسمت کردیم بدینصورت و خارج قسمت ی ا
پس خارج قسمت را مضاعف ساختیم شد له نه و این را در فوق نوشتیم و بهت سابق را در تحت چون بهت سابق
زیاده بر بهت وسط بود ده بار از وی کاستیم بدینصورت
و این تعدیل بهت باشد پس تعدیل بهت چون کوکب مستقیم بود بر تقویم افزودیم
بدینصورت تقویم این ده روزه حاصل شد و چون بر تقویم روز بیستم افزودیم تقویم
روز بیست ویکم حاصل شد پس معلوم شد که عمل صحیح است **مثال** دیگر این تقویم
بیست ویکم مذکور ط کو کو بهتش که بهت وسط یعنی عشر البهت کهه تفاوت
بر یازده قسمت کردیم چنانکه سبق ذکر یافت شد خارج قسمت د مضاعف ساختیم
نه شد چون بهت وسط کمتر از بهت سابق بود کاستیم بدینصورت و بر تقویم کوکب
افزودیم شد تقویم ده روزه روز بروز این **مثال** دیگر که بهت وسط زیاده از بهت
سابق است و تقویم کوکب در تناقص بجهت رجعت بدین طریق تقویم او ا م ه
بهت سابق نا بهت وسط ند ج تفاوت را بدینصورت یافتیم پس تفاوت ب کد ج
بر یازده قسمت کردیم شد این ج ط و خارج قسمت را مضاعف ساختیم شد لو
چون بهت سابق کمتر بود بر بهت سابق افزودیم و از تقویم کم کردیم بدینصورت و در
بهت ده روزه این سه مثال بجهت رجعت و استقامت عند الامر در کار فیست

ط کو کو	ل ط ط
ط کد کو	کط کو د
ط کد نه	کط د ب
[illegible]	[illegible]
ط کو نح	ط کو کط

تعدیل بهت
ط ل لو

مثال دیگر

مثال در قوس اختلاف پنج روزه تقویم عطارد او ط بهت سابق ا ط بهت وسط ب
تفاوت بد ب تلث تفاوت چون بهت وسط زیاده از
بهت سابق بود بهت سابق را پنج مرتبه افزودیم تعدیل
بهت و بر تقویم افزودیم بدینصورت **مثال دیگر** بهت سابق
نوم بهت وسط او ط تفاوت ط ج تلث تفاوت ب ک
و این را افزودیم پنج مرتبه تعدیل بهت حاصل آید و بر تقویم
افزودیم تقویم درین روزها حاصل شد و قس علی هذا سایر الامثله

فصل هفتم در عمل مقامات
و رجعت و استقامت میرزای شهید سعید باید که بجهت مقامات جدول وضع کرده ایم که بمرکز غیر معدل هر کوکب
در آن جدول درآیند اما بشرط آنکه بر مرکز غیر معدل زحل د درجه و بر مرکز غیر معدل مشتری د و مریخ ب و زهره
و عطارد ب درجه افزایند پس بآن مرکز از جدول مقامات برگیرند و چون خاصه معدله بآن مقدار رسید مقام اول
و مبدء رجوع و چون بتمام آن تا دور رسد مقام دوم باشد و مبدء استقامت و چون کوکب در حوالی مقام باشد و خواهیم
که بدانیم که بچه ساعت خواهد شد بعد میان کوکب و مقام بیگیریم و بر حرکت یکروزه خاصه معدله قسمت میکنیم تا
معلوم شود **حل** بدانکه مقام اول نقطه ایست بر منطقه تدویر که چون کوکب از آن بگذرد مستقیم گردد و چون
بر مرکز غیر معدل کوکب درجات که سبق ذکر یافت اضافه نمایند مرکز وسطی حاصل میشود و بمرکز وسطی از مقام اول
برج و درجه و دقیقه بر میداریم چون خاصه معدله بآن مقام رسد اول رجعت است و بعد میان خاصه معدله
کوکب و مقام میگیریم اگر مقام اول کمتر از خاصه معدله است بعد مستقبل است و اگر بیشتر است بعد ماضی و بر حرکت
یکروزه خاصه معدله قسمت میکنیم و در مرتبه اول از خارج قسمت بجهت روز است اگر بروز برسد و در مرتبه
دوم رقوم باقی قسمت را در کد بجهت ساعات ضرب کنند و در مرتبه سیم بجهت دقایق رجعت و استقامت
در شصت ضرب میکنیم و عمل را باخر رسانیم **مثال** رجعت در بیست و یکم خرداد ماه مذکور مرکز غیر معدل
زحل بود ا ل کط بعد از آن درجه چنانچه راصد رحمه الله فرموده بر درجه وی افزودیم شد مرکز حقیقی یعنی مرکز
وسطی این ه کط نظر کردیم بزیج در مقام اول زحل د ی ه خاصه معدله در بیست و یکم شهر مذکور بود این ج ط ا
تفاوت ما بین مقام اول و خاصه معدله و بهت یکروزه یعنی عشر البهت خاصه معدله آن روز بود ن ج
پس تفاوت را بر عشر البهت قسمت کردیم بر اینصورت اگر عددی در جدول ستینی طلب کردیم که در
ن ج ضرب کنیم و از ه ل برویم یافتیم د ه ه نوشتیم و خارج قسمت ه بود بر بالا نوشتیم و از وی کم کردیم

در تحت ح باقی قسمت نوشتیم و از وی نقصان کردیم م باقی ماند بعد از ان بجهت دقایق در جدول ح
قوس م گرفتیم ی شد خارج قسمت ـ دی و این کامیست که جدول ستینی پیش از یکدور تیا شد و در وی که
شش دور تمام که عبارت از سیصد و شصت باشد عمل شده باشد هی بر میداریم و نصف النهار دم
چون بعد ماضی بود بر شیاز نهم مرداد ماه افزودیم انچنان شد که چون ـ ساعت و ی دقیقه از روز ۱۹
مرداد ماه بگذرد راجع گردد **فصل هشتم** در نطاقات اوجی و تدویری اصحاب این صنعت اصطلاح [illegible]
که فلک خارج مرکز را بچهار قسم کرده اند و هر قسمی را نطاق نام نهاده اند و مبدء نطاق اول اوج باشد
و مبدء نطاق سیم حضیض و در مبدء نطاق ثانی و رابع خلافست و غیر آفتاب را از سیارات در فلک
تدویر هم چهار نطاق بود مبدء اول و سیم ذروه و حضیض مرئی بود و در دوم و چهارم او نیز خلافست
و میرزای شهید مبادی نطاق اوجی و تدویری بهر دو اعتبار در جدول وضع کرده که مرکز را بمرکز مطلق
یعنی با معدل در آیند و بنگرند که برج و درجه و دقیقه مرکز بعددی میرسد که در نطاق ثانی نهاده اند یا نمیرسد
اگر بدان عدد نرسیده است پس کوکب در نطاق اول باشد و اگر مثل عدد نطاق ثانی کوکب در نطاق ثانی بود
و اگر مرکز شش برج شده باشد کوکب در اول نطاق ثالث باشد و اگر بدان عدد رسد که در نطاق رابع نوشته کوکب در
نطاق رابع بود و چون مرکز نصف برسد در مبدء نطاق او رسیده بود اما پنج کوکب دیگر را بمرکز معدل در آیند
در فلک خارج مرکز و بخاصه معدله در آیند در فلک تدویر و قمر را بخاصه معدله در آیند در فلک تدویر و در دو
جدول همان شرایط بجای آورند که گفته شد و جدول اینست

الکواکب	نطاق اوجی	نطاق تدویری	نطاق اوجی	نطاق تدویری
[illegible]	[illegible]	ـ ـ ـ	[illegible]	ـ ـ ـ
[illegible]	[illegible]	ـ ـ ـ	[illegible]	ـ ـ ـ
[illegible]	[illegible]	ـ ـ ـ	[illegible]	ـ ـ ـ
[illegible]	[illegible]	ـ ـ ـ	[illegible]	ـ ـ ـ
[illegible]	[illegible]	ـ ـ ـ	[illegible]	ـ ـ ـ
[illegible]	[illegible]	ـ ـ ـ	[illegible]	ـ ـ ـ
[illegible]	[illegible]	ـ ـ ـ	[illegible]	ـ ـ ـ
[illegible]	[illegible]	ـ ـ ـ	[illegible]	ـ ـ ـ
[illegible]	[illegible]	ـ ـ ـ	[illegible]	ـ ـ ـ
[illegible]	[illegible]	ـ ـ ـ	[illegible]	ـ ـ ـ
[illegible]	[illegible]	ـ ـ ـ	[illegible]	ـ ـ ـ
[illegible]	[illegible]	ـ ـ ـ	[illegible]	ـ ـ ـ

نطاق اوجی ... که مرکز ... [illegible]

ه	کا	ط
[illegible]	[illegible]	[illegible]

باقی ماند نه پس [illegible] را در ی ضرب کردیم اله در تحت نه نوشتیم و از وی کم کردیم شد
د ل دیگر تبه بجانب یمین نقل کردیم و بجهت ساعات در بیست و چهار ضرب کردیم
حاصل ضرب [illegible] شد پس از عددی در جدول ستینی طلب کردیم که در نه ی
ضرب کنیم و از [illegible] بردیم یافتیم [illegible] در تحت نوشتیم و خارج قسمت که کا
بود بر بالا نوشتیم و [illegible] از [illegible] نقصان کردیم [illegible] شد پس کا را در ی ضرب کردیم
[illegible] شد در تحت نوشتیم و از [illegible] کم کردیم شد [illegible] بجانب یمین نقل کردیم
و از عددی طلب کردیم [illegible] بود و خارج قسمت ط و خارج قسمت ه کا ط
چون بعد مستقبل بود چرا که مقام اول کمتر از خاصه معدله بود خارج قسمت
که عدد روز و ساعات و دقایق بود از بیست و یکم خرداد ماه نقصان کردیم مشهور شد بروز پانزدهم خرداد ماه
به ط که و این مبدء رجوع باشد **مثال** در استقامت بدانکه مقام اول که در رجعت [illegible] از دور
رفتیم شد مقام ثانی [illegible] چون خاصه معدله باین مقام رسید استقامت بینی نظر کردیم در اول ابا تمامه
خاصه معدله بود و این [illegible] تفاوت میان مقام ثانی و خاصه معدله [illegible] بهت یکروزه خاصه معدله
یعنی بهت خاصه معدله را عشرش گرفتیم بود [illegible] پس تفاوت را بر عشر البهت قسمت کردیم بطریق
مذکور بدینصورت خارج قسمت [illegible] بود و چون بعد ماضی بود بواسطه انکه مقام ثانی نرسیده بود
بر اول ابا تمامه افزودیم شد مبدء استقامت [illegible] روز ششم **اما در مقامات**
پنجروزه نیز مثالی بگوییم مرکز غیر معدل [illegible] و چهار درجه افزودیم شد مرکز وسطی
عطارد [illegible] مقام اول [illegible] خاصه معدله [illegible] تفاوت [illegible] بهت خاصه
معدله [illegible] خمس البهت [illegible] پس تفاوت را بر خمس البهت
قسمت کردیم بدینصورت یعنی تفاوت را بر بالا زیر خط
عرضی نوشتیم و خمس البهت را در تحت و در جدول ستینی در جدول
چهم از عددی طلب کردیم یافتیم د در تحت ان نوشتیم و خارج
قسمت ـ بود در د ضرب کردیم [illegible] شد در تحت نوشتیم و از و نقصان کردیم باقی ماند
ـ ل و بجهت ساعات در کد ضرب کردیم شد [illegible] باز در جدول چهم از عددی طلب
کردیم که از [illegible] بردیم [illegible] خارج قسمت [illegible] شد بر بالای خط عرضی نوشتیم و [illegible] را در [illegible] ضرب کردیم [illegible] شد

م	ک	ه
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
کد	کد	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

اما آنچه میرزای شهید میفرمایند که مبادی نطاقات اوجی و تدویری را بهر دو اعتبار در جدول وضع کرده‌ام
که نیرین را بمرکز مطلق و متحیره را بمرکز معدل از جدول مبدء نطاق دوم اوجی برگیرند و بخاصهٔ معدلهٔ مبدء
نطاق دوم تدویری را از جدول برگیرند و تعدیل نیز وضع کرده‌ایم که چون خواهند که مبدء نطاق تدویری بدانند
بمرکز معدل از کوکب در نطاق اخص او برگیرند اما قمر را از جدول برگیرند که بعد از جدول اختلاف موضوع است
و در متحیره از جدولی که پیش از جدول اختلافست و در تعدیل ضرب کنند و حاصل ضرب را بر مبدء نطاق دوم
تدویری افزایند در بعد ابعد تا مبدء نطاق دوم بعد مطلوب حاصل آید چون مبدء نطاق دوم اوجی و تدویری
بهر دو اعتبار معلوم شود تمام آن تا دور بگیرند مبدء نطاق چهارم بود و کوکب در نطاق اول و دوم هابط
و در نطاق سیم و چهارم صاعد و در نطاق چهارم و اول مستعلی بود و در دو نطاق دیگر منخفض و ما بهر وجه مثال
بگوییم که از جهت طالبان این فن تبصره باشد **مثال** در صورت اول در اول فروردین ماه مرکز معدل بود
ح ط نو آفتاب در نطاق دوم اوجی است از آن جهت که هنوز بعد بعد نطاق سیم نرسید **مثال** در طریقهٔ
میرزای شهید چون در هر دو طریقه در نطاقات اوجی خلاف نیست در نطاق اول اوج گیرند و اوج در سال هزار
و بیست و هشت بود این ح ه و غایت تعدیل او بود ا نه نح بر آن افزودیم شد ح ه ا ط چون تقویم
آفتاب بهمین مرتبه رسید مبدء نطاق اول اوجی است و مبدء نطاق سیم یعنی حضیض ط ه ا ط و مبدء نطاق
دوم اوجی بمرکز مطلق که بود در اول مهرماه مرکز ک ا لد ل ط نح ما مشهور شد بروز هشتم تقویم او در این روز
بود د ا و این مبدء نطاق دوم اوجی است و در مقابل او یعنی ا ط ا و این مبدء نطاق چهارم اوجی است
اما نطاق تدویری چون خاصهٔ معدلهٔ کوکب در حمل بصفر باشد اول نطاق اول است و در روز یازدهم خرداد ماه
خاصهٔ معدلهٔ زحل بود این ط د ر تقویم شمس ا ط پس زحل در آن روز در نطاق اول تدویری باشد و مبدء نطاق
دوم تدویری زحل در زیج بود این ح ح ه در یازدهم شهریور ماه بود خاصهٔ معدلهٔ این ح ل
فصل نهم
در تشریق و تغریب کواکب هر کوکب که پیش از آفتاب برآید او را مشرق خوانند و حد تشریق کواکب علوی شصت
درجه یعنی چون آفتاب از احتراق ایشان بگذرد و تا بشصت درجه نرسد مشرق باشد اما حد تشریق زهره ۲۵ درجه است
و حد تشریق عطارد ۲۱ درجه و حد تشریق قمر ۱۲ درجه است اما تغریب هر کوکب که بعد از آفتاب فرو شود
او را مغرب خوانند و حد تغریب علویین شصت درجه است یعنی چون شصت درجه بعد مانده باشد که آفتاب
بآن کوکب برسد مغرب خوانند اما حد تغریب زهره ۲۵ درجه و حد تغریب عطارد ۲۱ و حد تغریب قمر
۱۲ و بیرون از این حدود نه مشرق باشد و نه مغرب **فصل دهم** در بیان ظهور و خفای کواکب را حدها نادر اند

بر حاشیه میفرمایند اما بجهت ظهور و خفای کواکب متحیره قوس الرؤیة هر یک را در وسط اقلیم سیم و چهارم استخراج
کرده در جدول وضع کرده‌ایم که بموضع هر یک پیش از احتراق یا بعد از احتراق از جدول قوس الرؤیة برگیرند اگر
ما بین التقویمین یعنی تقویم آفتاب و تقویم آن کوکب در وقت طلوع یا غروب مساوی قوس الرؤیت باشد برگیرند
ابتدای ظهور یا خفای آن کوکب بود و اگر بیشتر کوکب ظاهر باشد و اگر کمتر باشد ظاهر نباشد پس مساوی آن نباشد
بگیریم تا که مساوی آن میشود در آن وقت دیگر باره قوس الرؤیت حاصل میکنیم و ما بین تقویم بدانیم تا آنگاه که ما بین
مثال التقویمین در زمان طلوع یا غروب مساوی قوس الرؤیة یا تفاوت اندکی باشد از زمان ظهور یا خفای آن کوکب
خواستیم که وقت ظهور زحل بدانیم طلب کردیم تقویم او بود این ح ط ا در روز یکشنبه در جدول قوس الرؤیة دریافتیم و
تقویم شمس بود ر ط ا و ما بین التقویمین یا درجه است دانستیم که ظهور صباحی زحل در همان روز است بدین صورت
ظ ا ق ا و اما **مثال** دیگر در روز سه‌شنبه تقویم شمس بود ا ر ط تقویم زحل ا ط ح ما بین التقویمین بود
ح م دانستیم که خفای زحل مغربی بود بدین صورت خفا ط در تقویم نوشتیم و قیاس کن بر این جمیع کواکب متحیره و بجهت
تسهیل جدولی آوردیم که چون خاصهٔ معدلهٔ هر یک از کواکب متحیره باین درجات رسند که در این جدول است اول
ظهور یا خفای آن کوکب باشد و جدول اینست

ما بین التقویمین	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	زحل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	خفای غربی	ظهور شرقی	خفای غربی	ظهور شرقی	خفای غربی	ظهور شرقی	خفای غربی	ظهور شرقی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

و جهت عمل در ظهور و خفای کواکب ثابته چون حضرت ایشان در متن بیان نفرموده و ناچار بود از دانستن از جهت
ثبت افتاد و طریق آنچنانست که مطالع طلوع کواکب ثوابت در قبه مقوس کنیم تا عاشر حاصل آید و از آن
ارتفاع عاشر بطریق میرزا که در زیج میفرمایند بدست آوردیم و از آن عرض اقلیم رؤیت حاصل کنیم پس جیب
بعد کلی کوکب که آن اگر کوکب در قدر اول باشد بعد کلی او ی و اگر در قدر دوم باشد یه و اگر در قدر سیم باشد یو و اگر در قدر
چهارم باشد یز و اگر در قدر پنجم باشد یح و اگر در قدر ششم باشد یط پس اگر کوکب را عرض باشد بهر جهت درجه عرض بعد درجه از بعد
کلی او کم کنند و جیب تعدیل بعد حاصل آید و قوس او تعدیل بعد باشد چون بر درجهٔ طلوع افزایند درجه
حاصل شود که چون آفتاب بدان درجه رسد آن کوکب اگر در مشرق ظاهر شود و اگر مطالع غروب حاصل کرده باشیم

تعدیل الرؤیة بوقت غروب حاصل کنیم و از درجهٔ غروب بکاهیم تا درجهٔ حاصل شود که چون آفتاب بدان درجه رسد
الکوکب در مغرب مختفی شود و ما که شغر بر ممانیه بعرض لار در سال هزار و چهل و نا قصه هجریه مطابق با عدد و دو نیز در دو
عمل نموده بیاوریم تا بجهت طالبان دستور شود اینست و آنکه طول شغر حط عرض جنوبی لط ل میل ثانی درجه او شمالی
ا که مه حصة البعد جنوبی لو ه ر جیب حصة البعد لو ع ر جیب تمام میل کلی نه ا د معزوب بجیبین مد یا تمام میل ثانی سو جه نه
جیب تمام میل ثانی نه ع س جیب بعد کوکب از معدل النهار ر بو نه بعد کوکب از معدل النهار جنوبی ط م ظل بعد کوکب یو نه ع
ظل عرض بلد لا س جیب تعدیل النهار ح ع کا تعدیل النهار ح که ک تمام عرض کوکب ه د ل جیب تمام عرض کوکب مو ن نا
بعد کوکب از انقلاب ع ط لـ س جیب بعد کوکب از انقلاب ط ه له جیب بعد کوکب از دایرهٔ مارّه باقطاب اربعه
د که ر تمام بعد کوکب عد ه جیب تمام بعد کوکب ع نه جیب تعدیل بعد سه ا ی تعدیل بعد د کا ن مطالع مر ص کا ت
مطالع طلوع نه ع ه درجهٔ طلوع د که عاشر ع مارد میل اول د ط ا ارتفاع عاشر سط تمام شی ح نه جیب تمام شی کا لو کا
درجه سوا مطالع طلوع ع ه ح میل اول شی که ا تمام میل اول شی س که ع جیب تمام میل اول شی نه ع که جیب عرض اقلیم رؤیت
یط ع ل عرض اقلیم رؤیت ط ه ل تمام شی ع ک و جیب تمام شی یو مانه جیب بعد کلی یا و نه جیب تقدیر رؤیت ما ا د
تقدیر رؤیت مد لل درجه که آفتاب بدان درجه رسد شعری در مشرق ظاهر شود ط ه می علی محمد قطب الاسلام الکار

باب دهم

در بیان طریق بستن نظرات کواکب و اتصالات کلا و غیر ذلک و مشتمل بر دو فصل

فصل اول در بیان بستن نظرات کواکب با قمر و ساعات اتصال میرزای شهید زنار الله برهانه طریق
نظرات و اتصالات کلا و تناظر در یک باب فرموده بدین طریق در معرفت اوقات اتصالات کواکب
با یکدیگر و تحویلات اتصال اگر در نصف النهار واقع شود ساعت نصف النهار بعینه ساعات از موضع
آن تحویل اتصال باشد از اول امروز و اگر در غیر نصف النهار واقع شود بعد کوکب از موضع تحویل یا موضع
اتصال در نصف النهار مقدم بگیرند و آنرا بعد ماضی گویند و یا از نصف النهار موخر بگیرند و آنرا بعد مستقبل
گویند و مراد بموضع اتصال در وقت تحویل نیست که اگر آنوقت کوکب را در آن جزو فرض کنند آن اتصال
واقع شود پس اگر مطلوب وقت تحویل کوکب باشد بهت الکوکب بدست آریم و اگر مطلوب وقت اتصال
کوکبین باشد کوکب دیگر بهت معدل بدست آریم و آنچنان باشد که در تناظر اگر هر دو مستقیم بود یا هر دو راجع مجموع هر دو
بهت را بگیریم و اگر یکی راجع بود و یکی مستقیم تفاضل میان هر دو بهت بگیریم و اگر اتصال غیر تناظر خواهیم
عمل بعکس این باشد یعنی بر تقدیر اول تفاضل و بر تقدیر دوم مجموع بهت معدل باشد پس بعد را در بیست و چهار
ضرب کنیم و بر بهتی که بدست آورده ایم و آنکه مساوی مجموع بعد ماضی و مستقبل باشد قسمت کنیم خارج قسمت

ساعات حقیقی

ساعات حقیقی باشد بعد از تحویل یا اتصال و ما دو جدول آورده ایم یکی از برای اتصالات قمر با کوکب که چون
بهت در طول جدول و بعد در عرض جدول طلب کنند در ملتقا هر دو ساعات حقیقی باشد و بجهت دقایق
بعد بیشتر از ده را از بالا میگیرند و کمتر از ده را از موضع اول محفوظ گیرند و جدول دیگر بجهت اتصالات سیارات
دیگر که چون بعد در طول جدول و بهت در عرض طلب کنند آنچه یابند از ساعات حقیقی بعد باشد و چون ساعات
بعد را در بهت کوکب ضرب کنند و بر بیست و چهار قسمت کنند آنچه بیرون آید جزو البعد باشد بر تقویم نصف
النهار افزایند اگر ساعات بعد ماضی بود و بکاهند اگر بعد مستقبل باشد تا موضع آفتاب بوقت مطلوب
حاصل شود و ما جدولی وضع کرده ایم که در تحت هر بهت ساعات بعد را منقوش کنند و باز آن جزو البعد
بر دارند **حل** بدانکه اتصال قمر با کواکب و آنرا امتزاجات گویند چون خواهند معلوم کنند که بچند ساعت روز چه
شد و تقویم آفتاب یا هر کوکبی از کواکب که نزدیکتر باشد بتقویم قمر در جاید پس اگر تقویم آفتاب یا کوکبی
دیگر که قمر متصل میشود با وی زیاده از تقویم قمر بهت آنرا بعد ماضی گویند و اگر تقویم قمر زیاده از تقویم کوکب
دیگر بهت آنرا بعد مستقبل میگویند پس اگر بعد ماضی باشد بدرجات بعد و بهت معدل و بهت معدل آن
که اگر کوکب مستقیم است بهت او از بهت قمر کم کنند و اگر راجع بهت بهت او بر بهت قمری افزایند
آنچه شود یا ماند بهت معدل باشد پس بدرجات مذکوره و بهت معدله از جدول بدرجات ساعات
بعد برداریم و این از سه حال بیرون نیست **اول** آنکه ساعات بعد کمتر از نصف النهار باشد ساعات بعد را بر ساعات
نصف النهار افزاییم که تا ساعات اتصال گذشته از اول روز تا وقت اتصال حاصل شود **دوم** آنکه ساعات
بعد مساوی ساعات نصف النهار باشد وقت اتصال اول شب آینده خواهد بود **سیم** آنکه ساعات بعد زیاده
از ساعات نصف النهار باشد ساعات نصف النهار را از وی نقصان میکنیم ساعات اتصال میماند از اول شب
آینده **و اگر** بعد مستقبل باشد نیز از سه حال بیرون نیست **اول** آنکه ساعات بعد کمتر از نصف النهار باشد
ساعات بعد را از نصف النهار کم میکنیم باقی ساعات اتصال باشد از اول روز **دوم** آنکه ساعات بعد مساوی
نصف النهار باشد مبدء اتصال اول روز بود **سیم** آنکه ساعات بعد زیاده از ساعات نصف النهار بود
با ساعات نصف النهار جمع میکنیم و از بیست و چهار کم میکنیم آنچه باقی ماند ساعات اتصال بود از شب
گذشته **و اگر** بعد مطلقا نباشد یعنی تقویمین موافق یکدیگر باشند بدرجه و دقیقه اتصال در عین نصف
النهار خواهد بود و ما در هر یک مثالی بگوییم که تبصره باشد بجهت مبتدی **مثال** در بعد ماضی که ساعات بعد کمتر از
نصف النهار باشد تقویم آفتاب ع ه د ل تقویم قمر ع دم بهت شمس ع نط بهت قمر یدما بهت معدل لح ص

بعد ماضی اه در جدول مزاجات جدول کب در مقابل ا درجه و ه دقیقه جمع نمودیم شد ح ساعات نصف النهار
ده پس ساعات بعد را بر ساعات نصف النهار افزودیم شد مقارنه شمس و قمر بنه ساعت و هفده دقیقه
روز چون خواهند که در تقویم نویسند در جدول صفحه قمر در مقابل اجتماع روز بدینصورت نویسند [illegible]
مثال دیگر که ساعات بعد مساوی ساعات نصف النهار باشد تقویم قمر روز شنبه [illegible] تقویم شمس [illegible]
بعد ماضی [illegible] بهت قمر [illegible] بهت مشترک [illegible] بهت معدل [illegible] ساعات بعد ماضی [illegible] ساعات نصف النهار [illegible]
دانستیم که اتصال در اول شب یکشنبه خواهد بود چون در صفحه قمر نویسند ۱۴۴ اینصورت باید نوشت
مثال دیگر ساعات بعد زیاد از ساعات نصف النهار باشد تقویم شمس در روز جمعه [illegible] تقویم قمر [illegible]
بهت شمس [illegible] بهت قمر [illegible] بهت معدل [illegible] بعد ماضی [illegible] ساعات بعد [illegible] ساعات نصف النهار [illegible] دانستیم
که مقارنه در شب آینده یعنی شب شنبه پس ساعات نصف النهار را بطریقی که قبل ازین ذکر یافت از ساعات
بعد نقصان کردیم ماند [illegible] و مقارنه بچهار ساعت و بیست دقیقه شب شنبه باینصورت [illegible]
در تقویم باید نوشت مثال بعد مستقبل اول آنکه ساعات بعد کمتر از ساعات نصف النهار باشد تقویم آفتاب بود
این [illegible] تقویم قمر [illegible] بعد مستقبل [illegible] بهت معدل [illegible] ساعات نصف النهار [illegible] ساعات بعد [illegible]
پس ساعات بعد از ساعات نصف النهار کم کردیم شد این [illegible] در تقویم باینصورت نوشتیم
مثال دیگر که ساعات بعد مستقبل مساوی ساعات نصف النهار باشد تقویم قمر [illegible] تقویم زحل [illegible]
بعد مستقبل ند بهت قمر [illegible] بهت زحل [illegible] چون زحل راجع بود افزودیم شد بهت معدل [illegible]
در جدول مزاجات ساعات بعد برداشتیم بود [illegible] ساعات نصف النهار [illegible] و ترتیب یافت روز دوشنبه
باشد بدینصورت [illegible] در تقویم باید نوشت مثال دیگر که بعد مستقبل زیاده از ساعات نصف النهار باشد
تقویم قمر در نصف النهار روز سه شنبه [illegible] تقویم عطارد [illegible] بعد مستقبل [illegible] بهت قمر [illegible] بهت عطارد [illegible]
چون راجع بود افزودیم شد بهت معدل [illegible] پس بهت معدل از همین جدول طلب کردیم ساعات بعد
از محاذی درجات بعد و بهت معدل و دقایق بهمین طریق محفوظ برداشتیم [illegible] چون زیاد از ساعات نصف النهار
بود [illegible] بر ساعات نصف النهار افزودیم شد [illegible] و از [illegible] که عدد ساعات شبانروز است کم کردیم [illegible]
عطارد و قمر شد در شب سه شنبه بهفت ساعت و سه دقیقه و در تقویم بدینصورت نوشتیم [illegible]
مثال دیگر در آنکه بعد مطلقا نباشد تقویم شمس [illegible] تقویم قمر [illegible] ساعات نصف النهار [illegible]
و این ساعات اتصال است بدینصورت [illegible] در تقویم نوشتیم و جدولی آورده شد در بعد ماضی و مستقبل

کمن

که چون در اینجا نظر کنند در کاستن ساعات بعد از ساعات نصف النهار و افزودن در غلط نیفتند و جدول این است

جدول بعد ماضی
- نقص از نصف النهار: بر نصف النهار افزاییم مجموع ساعات بود از اول روز تا وقت اتصال
- مساوی نصف النهار: اگر مساوی نصف النهار باشد تحویل یا اتصال در اول شب آینده خواهد بود
- زاید از نصف النهار: از وی نصف النهار نقصان کنیم آنچه بماند ساعات بود از شب آینده

جدول بعد مستقبل
- نقص از نصف النهار: از نصف النهار نقصان کنیم آنچه بماند ساعات باشد از اول روز تا نصف النهار
- مساوی نصف النهار: اگر بعد مساوی نصف النهار باشد تحویل در اول روز همان روز بود
- زاید از نصف النهار: بر نصف النهار افزاییم آنچه حاصل شود از بیست وچهار نقصان کنیم آنچه بماند ساعات بود از شب گذشته

جدول بعد ماضی
- واگر ساعات بعد ماضی کمتر از نصف النهار بود نصف النهار را بروی افزاییم ساعات همان روز حاصل شود گذشته
- واگر زیاده از نصف النهار بود اما کمتر از مجموع ساعات شب و نصف النهار بود نصف النهار را ازو نقصان کنیم باقی مانده ساعات شب از شب آینده باشد
- واگر برابر نصف النهار بود تحویل یا اتصال در اول شب آینده خواهد بود
- واگر برابر مجموع ساعات شب و نصف النهار بود تحویل یا اتصال در اول روز آینده خواهد بود
- واگر زیاده از مجموع باشد بقدر زیادتی ساعت گذشته باشد از اول روز آینده

جدول بعد مستقبل
- واگر کمتر از ساعات نصف النهار باشد از نصف النهار نقصان کنند باقی ساعات بود گذشته از اول همان روز
- واگر زیاده از ساعات نصف النهار باشد و کمتر از مجموع ساعات شب و نصف النهار ساعات بعد را از آن کم کنیم باقی ساعات از اول شب گذشته باشد
- واگر ساعات بعد برابر نصف النهار باشد اتصال یا تحویل در اول همان روز واقع شود
- واگر ساعات بعد برابر مجموع ساعات شب و نصف النهار باشد اتصال در اول شب گذشته واقع شده باشد
- واگر زیاده از مجموع نصف النهار و ساعات شب باشد زیادتی را از تمام ساعات روز گذشته کم کنیم آنچه بماند ساعات گذشته از روز مقدم باشد

وجدولی بر سبیل تسهیل ترتیب تحقیق در بستن نظرات استخراج زینا علیا منجم لاری عمل کرده
در اینجا ایراد کردیم که محاذی بهت معدل بعد ماضی یا مستقبل پیدا کنند و از مقابل بعد و نصف النهار ساعات
اتصالات بردارند و در جدول رقم اول علامت ساعت اتصال و رقم دوم دقایق ساعات و رقم سیم علامت
روز و شب و در این نیز مثلا گوییم که بیان شود مثال در کواکب اکثر تقویم شمس [illegible] تقویم قمر [illegible]
بهت شمس [illegible] بهت قمر [illegible] بهت معدل [illegible] بعد ماضی [illegible] ساعات نصف النهار [illegible] و چون بهت معدل
برفع [illegible] میشد در تحت او ساعات بعد طلب کردیم قریب [illegible] یافتیم و در تحت نصف النهار [illegible] و در مقابل بعد بود ساعات
اتصال [illegible] و این عمل تسهیل با عمل تحقیق زیاده از ده دقیقه تفاوت نمیکند و جدول مذکور این است

ساعات النهار	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ساعات نصف النهار	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
بهت معدل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
بعد كوكب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ساعات النهار	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ساعات نصف النهار	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
بهت معدل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
بعد كوكب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ساعات النهار

ساعات نصف النهار

بعد معدل

بعد كواكب

بعد كواكب	1	2	3	4	5	6	7
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ساعات النهار

ساعات نصف النهار

بعد معدل

بعد كوكب

بعد كوكب	1	2	3	4	5	6	7	8
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ساعات النهار	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ساعات نصف النهار	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
بعد معدل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
بعد كواكب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ساعات النهار	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ساعات نصف النهار	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
بعد معدل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
بعد كواكب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ساعات النهار

ىه٤	ىحل	٤ى	ىل

ساعات نصف النهار

د٤	وصه	٩ل	د٩

بعد معدل

ىح٤	ىحل	ىه٤	ىهل	٤٩	٩ل	ىو٤	ىول

بعد كواكب

[illegible]
[illegible]

ساعات النهار

ل٩	٤٩	ىدل	ىه٤

ساعات نصف النهار

دصه	دل	د٩	د٤

بعد معدل

ىح٤	ىحل	ىه٤	ىهل	٤٩	٩ل	ىو٤	ىول

بعد كواكب

[illegible]
[illegible]

فصل دوم در بیان قاعدهٔ اتصالات کلی و دانستن اتصال و تناظر زمانه و مطلع مشتمل بر دو عقد عقد اول
در بیان اتصالات کلی بدانکه اتصال پیوستن کواکب است غیر قمر بیکدیگر بنظر یا تناظر و چون خواهیم که اتصال
کوکب غیر قمر با یکدیگر بدانیم بعد ماضی یا مستقبل می بینیم و بعدش زیاده از دو درجه نخواهد بود و نمیشود و غایت بعد
دو درجه و سی دقیقه میرزای شهید عمل نموده ماسه درجه و نه دقیقه عمل کرده ایم و داخل زیج کذاشته ایم پس بعد
در بالای جدول و بعد در یمین جدول طلب باید نمود و برعکس مزاجات و از ملتقا بر هر دو ساعات بعد بر دارند
دور بعد ماضی و مستقبل چنانچه در مزاجات ذکر یافت عمل نمایند مثال تقویم شمس بنصف النهار روز
یکشنبه اللهد و تقویم مشتری ا انه بعد ماضی ح بهت شمس نط بهت مشتری ح بهت معدل نط پس بهت معدل
و دقایق بهت از جدول اتصالات ساعات بعد بر داشتیم ال ساعات نصف النهار ی چون بعد ماضی
بود کمتر از ساعات نصف النهار بر ساعات افزودیم بدینصورت در تقویم نوشتیم [illegible] مثال دیکر
روز جمعه تقویم مشتری باه نا تقویم عطارد [illegible] بعد ماضی لا بهت معدل اه ساعات بعد [illegible] ساعات نصف النهار دمر
چون زیاده از ساعات نصف النهار بود از وی رفتیم و بدینصورت [illegible] در تقویم نوشتیم و این را نظرات
و اتصالات کلی میکویند همچنانکه میرزای شهید میفرماید اکر هر دو کوکب مستقیم اند بهت کمتر از بیشتر میبریم
بهت معدل میشود و اکر هر دو راجع باشند پس تفاضل بهت بهت معدل است و اکر یکی راجع و یکی مستقیم
باشند بهت هر دو کوکب برهم افزائیم بهت معدل میشود و در اتصالات کلی بهت ماضی و مستقبل همچون مزاجات
است الا در مزاجات بعد از بالا و بهت از یمین جدول طلب باید کرد و در اتصالات برعکس عقد دوم
در بیان تناظر زمانی و مطلع اما تناظر زمانی آن بود که هر دو موضع باشند که ساعات روز و ساعات شب متساوی
باشند و آن در موضع است سر سرطان و سر جدی که بعد هر دو از نقطه سر سرطان و سر جدی متساوی باشد
چنانکه یکی در بیست درجه ثور بود و یکی در ده درجه اسد و بعد هر یک از سر سرطان یکبرج و ده درجه و از سر
چهار برج بیست درجه و ما مثال چندی میکوئیم که طالبان را آسان کرداند انشاء الله تعالی مثال خواستیم
که تناظر زمانی شمس و زهره بدانیم تقویم شمس ح کو س تقویم زهره [illegible] و زهره می بایست که چهار
درجه شود پس دقایق شمس بر دقایق زهره افزودیم ما دقیقه شد پس نط دقیقه باقی ماند و این بعد
ماضی و بهت معدل همچنانکه میرزای شهید در مواضع میفرماید که اکر هر دو مستقیم باشند یا هر دو راجع باشند
مجموع بهت میکیریم یافتیم بهت شمس نز بهت زهره اه بهت معدل [illegible] از جدول اتصالات
بر داشتیم ساعات بعد بود [illegible] ساعات نصف النهار [illegible] چون ساعات بعد کمتر از نصف النهار

بود

بود برو افزودیم و برین صورت [illegible] در تقویم نوشتیم مثال دیکر تقویم شمس ح کو س تقویم
عطارد بود [illegible] پس دقایق شمس و عطارد برهم افزودیم شد نه تا یکدرجه می بایست و این دقایق
بعد باشد بهت شمس نز بهت عطارد [illegible] بهت معدل [illegible] ساعات نصف النهار [illegible] ساعات
بعد چون بیشتر از نصف النهار بود در زیج عمل نشده بود که بجدول برداریم عمل کردیم که بعد را در بیست و چهار
ضرب کردیم شد [illegible] و بر بهت معدل قسمت کردیم خارج قسمت بود این [illegible] ساعات بعد باشد چون بعد
ماضی بود بر نصف النهار افزودیم بدینصورت [illegible] در تقویم نوشتیم مثال دیکر تقویم عطارد [illegible]
تقویم زهره [illegible] بهت معدل زیاده از [illegible] بود عمل کردیم شد بدینصورت و این را [illegible] در تقویم نوشتیم
مثال دیکر دیکر تقویم مشتری تقویم مریخ [illegible] دقایق مشتری و مریخ برهم افزودیم [illegible] دقیقه بعد مستقبل بود و چون
بهت معدل [illegible] بود ساعات بعد [illegible] بود ساعات نصف النهار [illegible] چنین بعد مستقبل بود از ساعات
نصف النهار نقصان کردیم و در تقویم بدینصورت نوشتیم [illegible] دیکر تقویم مشتری
[illegible] تقویم زهره [illegible] دقایق برهم افزودیم بعد مستقبل [illegible] بهت معدل [illegible] ساعات بعد [illegible] ساعات
نصف النهار [illegible] چون بعد مستقبل بود از ساعات نصف النهار نقصان کردیم و بدینصورت
[illegible] در تقویم نوشتیم اما تناظر مطلعی آنست که در میان دو کوکب باشد در دو موضع که در مطلع
متساوی باشند و از سر حمل و سر میزان باشند چنانکه یکی در بیست درجه حمل بود و یکی در ده درجه حوت پس
بعد هر یک از سر حمل بیست درجه بود و از سر میزان پنج برج و ده درجه و ما در این جا چند مثال بکوئیم
در بعد ماضی و مستقبل که بجهة طالبان انیف تبصره باشد بسبب دعا عرض مثال تقویم مشتری [illegible] تقویم
زهره این [illegible] بعد ماضی [illegible] بهت معدل [illegible] ساعات بعد [illegible] ساعات نصف النهار [illegible]
چون زیاده از ساعات نصف النهار بود از ساعات بعد کم کردیم و بدینصورت [illegible] در تقویم
نوشتیم مثال دیکر تقویم زحل [illegible] تقویم زهره [illegible] بعد ماضی بود [illegible] بهت معدل [illegible] ساعات بعد [illegible]
ساعات نصف النهار [illegible] چون کمتر از نصف النهار بود بر او افزودیم و بدینصورت در تقویم
نوشتیم [illegible] مثال دیکر تقویم مریخ [illegible] تقویم عطارد [illegible] بعد ماضی [illegible] بهت مریخ
[illegible] بهت عطارد [illegible] بهت معدل [illegible] ساعات بعد [illegible] ساعات نصف النهار [illegible] و چون
زیاد از ساعات نصف النهار بود ساعات نصف النهار از وی کم کردیم و بدینصورت [illegible]
در تقویم نوشتیم این سه مثال بجهة بعد ماضی آوردیم اما مثال جهة بعد مستقبل تقویم مریخ [illegible]

تقویم زهره [illegible] بعد مستقبل [illegible] بهت معدل [illegible] ساعات بعد [illegible] بود و ساعات نصف النهار دلو
چون از نصف النهار کمتر بود از و لو نقصان کردیم و بدینصورت [illegible] در تقویم نوشتیم
مثال دیگر تقویم شمس [illegible] تقویم زحل [illegible] بعد مستقبل [illegible] بهت معدل [illegible] ساعات بعد
[illegible] ساعات نصف النهار [illegible] چون از ساعات نصف النهار ناقص بود از و ن نقصان کردیم
و بدینصورت [illegible] در تقویم نوشتیم مثال دیگر تقویم شمس [illegible] تقویم عطارد [illegible] بعد مستقبل
[illegible] بهت معدل [illegible] ساعات بعد [illegible] ساعات نصف النهار [illegible] چون از ساعات نصف
النهار کمتر بود از و ن نقصان کردیم در تقویم نوشتیم بدینصورت [illegible] و این چند مثال بود بطریق زیادتی
خبرت مبتدی نوشتیم **فصل سیم** در بیان تحت الشعاع بدانکه چون دو کوکب در یک برج باشند آنرا
مجامع خوانند و اگر در یک برج و یک درجه باشند مقارنه خوانند و بعد میان آفتاب و ماه بدوازده درجه
قبل از مقارنه ابتدای تحت الشعاع است و چون بعد نماند میان آفتاب و ماه انرا مقارنه و اجتماع
خوانند و چون خواهیم که عمل کنیم که روز پیش از مقارنه تقویم شمس و قمر در جای ثبت نمایم و تقویم قمر از تقویم شمس نقصان
میکنیم اگر دوازده درجه است تحت الشعاع در نصف النهار همان روز خواهد بود و اگر از دوازده درجه بیشتر است زیاده
از دوازده درجه بعد ماضی و اگر کمتر از دوازده درجه است از آنجا تا دوازده بعد مستقبل است پس بعد و بهت
معدل از جدول مزاجات ساعات بعد بردارند و بطریق نظرات عمل نمایند و ما درین عقد چند مثال بگوییم
که بر طالبان آسان گردد **مثال** که بعد دوازده درجه باشد تقویم شمس [illegible] تقویم قمر [illegible] پس تقویم قمر از تقویم
شمس نقصان کردیم [illegible] ماند دانستیم که تحت الشعاع در نصف النهار همان روز میشود بدینصورت [illegible] در تقویم نوشتیم
مثال دیگر که بعد ماضی باشد که روز پیش از مقارنه تقویم شمس [illegible] تقویم قمر [illegible] تقویم قمر را از تقویم شمس نقصان
کردیم ماند [illegible] پس دوازده درجه از وی نقصان کردیم شد بعد ماضی [illegible] بهت شمس [illegible] بهت قمر [illegible] بهت معدل [illegible]
ساعات بعد [illegible] نصف النهار [illegible] چون ساعات بعد زیاد از ساعات نصف النهار بود ساعات نصف النهار را از وی رفع
و بدینصورت در تقویم نوشتیم [illegible] **مثال** دیگر که بعد مستقبل باشد تقویم شمس [illegible] تقویم قمر [illegible] تقویم قمر از تقویم
شمس نقصان کردیم ماند [illegible] و این را از دوازده درجه نقصان کردیم شد بعد مستقبل [illegible] بهت معدل [illegible] ساعات
بعد [illegible] ساعات نصف النهار [illegible] چون بعد مستقبل بود و کمتر از ساعات نصف النهار ساعات نصف النهار را از وی
نقصان کردیم بدینصورت [illegible] در تقویم نوشتیم **عقد دوم** در بیان خروج الشعاع بدانکه بعد از مقارنه چون
بعد میان آفتاب و ماه بدوازده درجه رسد خروج الشعاع خواهد شد و طریق عمل او آنست که یک روز بعد از مقارنه

بخلاف

بخلاف تحت الشعاع تقویم شمس از تقویم قمر نقصان میکنیم اگر دوازده درجه بماند رست در نصف النهار
همان روز خروج الشعاع میشود و اگر زیاده از دوازده درجه است دوازده درجه از وی نقصان میکنیم زیاده
بعد مستقبل است و اگر کمتر از دوازده درجه است آنرا از دوازده درجه نقصان کنند باقی بعد ماضی باشد و بجهت
بعد و بهت معدل از جدول مزاجات ساعات بعد برداریم و عمل با تمام رسانیم و ما سه مثال دیگر بگوییم که یکی
بعد دوازده درجه است و یکی از دوازده زیاده و یکی از دوازده درجه کمتر باشد تا مبتدیان را آسان گردد **مثال**
تقویم شمس [illegible] تقویم قمر [illegible] تقویم شمس از تقویم قمر نقصان کردیم شد دوازده درجه دانستیم که در نصف النهار همان روز
خروج الشعاع میشود بدینصورت [illegible] در تقویم نوشتیم **مثال** در بعد ماضی تقویم شمس [illegible] تقویم قمر [illegible] پس تقویم
شمس از تقویم قمر نقصان کردیم باقی ماند [illegible] تا دوازده درجه بعد ماضی [illegible] شد بهت معدل [illegible] ساعات بعد این [illegible]
ساعات نصف النهار [illegible] چون ساعات بعد زیاده از ساعات نصف النهار بود ساعات نصف النهار را از وی نقصان کردیم
و بدینصورت در تقویم نوشتیم [illegible] **مثال** در مستقبل تقویم شمس [illegible] تقویم قمر [illegible] تقویم شمس از
تقویم قمر نقصان کردیم ماند [illegible] چون از دوازده درجه زیاده بود دوازده از وی نقصان کردیم باقی ماند [illegible]
و این بعد مستقبل است و بهت معدل [illegible] ساعات بعد [illegible] ساعات نصف النهار [illegible] چون بعد مستقبل
کمتر از ساعات نصف النهار بود از ساعات نصف النهار نقصان کردیم بدینصورت [illegible] در تقویم نوشتیم
فصل چهارم در بیان حالاتی که کواکب را عارض میشود از شرف و طریقه و هبوط و مجاسدة الرأس
و ذنب مشتمل بر سه عقد **عقد اول** در بیان شرف بدانکه کواکب در شرف خود حکم
پادشاه دارند در تختگاه خود شرف شمس در حمل است به [illegible] درجه و شرف قمر در ثور به [illegible] درجه و شرف زحل در میزان
به [illegible] درجه و شرف مشتری در سرطان [illegible] درجه و شرف مریخ در جدی به [illegible] درجه و شرف زهره در حوت به [illegible] درجه
و شرف عطارد در سنبله به [illegible] درجه و شرف راس در جوزا به [illegible] درجه و شرف ذنب در قوس [illegible] درجه بدرجات
ناقصه و بنظم شرف کواکب را باین طریق گفته اند فلوکا یجیه خطکح سحیط هیا کزده یه راج سیج
و طریق عمل آنست که بعد میان درجات ناقصه شرف و تقویم آن روز که قریب بشرف است میگیریم اگر فضل
درجات ناقصه شرف را ست آن فضل بعد ماضی است و اگر فضل تقویم راست آن فضل بعد مستقبل است
و باقی عمل گفته شد و در قمر از جدول مزاجات ساعات بعد بردارند و در کواکب دیگر از جدول اتصالات
و درینجا نیز بجهت هر کوکبی یک مثال بگوییم تا طالبان را تبصره باشد **مثال** تقویم آفتاب [illegible] بعد گرفتیم
میان تقویم و درجات ناقصه [illegible] است بعد ماضی [illegible] شد و بهت آفتاب [illegible] پس از جدول اتصالات ساعات

ساعات بعد برداشتیم بود ماج نصف النهار بود دیه چون بعد ماضی بود زیاده از ساعات نصف النهار ساعات
نصف النهار را از وی نقصان کردیم و بدین صورت لا فزله یا در تقویم نوشتیم و اگر آخر شرف شمس خواهند
بعد میان نوزده درجهٔ تامه بگیرند و تقویم بهمین طریق مثال تقویم شمس یحله بعد ماضی ل بهت شمس نط ساعات
بعد س ساعات نصف النهار دس و بدین صورت د فر لاه در تقویم نوشتیم مثال دیگر تقویم قمر ا دو ساعات
بعد دو درجهٔ ناقصه شرف - بعد مستقبل الو بهت قمر یدل ساعات بعد ه ساعات نصف النهار دیا چون کمتر
از ساعات نصف النهار بعد از وی نقصان کردیم و بدین صورت [illegible] در تقویم نوشتیم مثال دیگر تقویم زحل
و سطح بعد ماضی - بهت زحل ح ساعات نصف النهار و نه ساعات بعد وه چون کمتر از نصف النهار بود بر نصف
النهار افزودیم و بدین صورت [illegible] در تقویم نوشتیم و این خلاف جمهور است و از دو وجه بهتر است اول آنکه
تا تفرقه باشد میان احتراق و شرف و دیگر آنکه نقطه مطلق نبوده باشد در بالای آن دوم آنکه کوکب بشرف مجرد
نه شرف بکوکب از این جهت در کوکب این را منظور داشته بهمین صورت نویسند مثال دیگر که تقویم مشتری
ح ید - بعد مستقبل بود و کمتر از ساعات نصف النهار بهت مشتری س ساعات بعد [illegible] ساعات نصف النهار [illegible]
چون بعد مستقبل بود و کمتر از ساعات نصف النهار را از وی نقصان کردیم و بدین صورت [illegible]
در تقویم نوشتیم مثال دیگر تقویم مریخ [illegible] بعد ماضی لو بهت مریخ مر ساعات بعد [illegible] ساعات نصف النهار
ه ح شرف بدین صورت [illegible] در تقویم نوشتیم مثال دیگر تقویم زهره [illegible] بعد ماضی م بهت زهره [illegible]
ساعات بعد س نط ساعات نصف النهار رد پس ساعات نصف النهار از وی نقصان کردیم و بدین صورت
در تقویم نوشتیم [illegible] تقویم عطارد [illegible] محتاج ببعد و بهت نبودیم چون در نصف النهار بود
بدین صورت [illegible] در تقویم نوشتیم اما نیره بدانکه قمر چون بنوزده درجهٔ ناقصه حمل که هجده درجه
تامه باشد برسد نیره گویند و وجه عمل آنست که چون بعد میان تقویم و هجده درجه بگیرند اگر فضل هجده
درجه را باشد بعد ماضی است و الا بعد مستقبل و بحسب بعد و بهت ماه از جدول مزاجات ساعات بعد
بردارند و عمل را بطریقی که مذکور شد تمام کنند و درین نیز دو مثال بجهت بعد ماضی و مستقبل بگوییم مثال
تقویم قمر [illegible] بعد ماضی [illegible] هجده درجه [illegible] بهت قمر [illegible] ساعات بعد [illegible] ساعات نصف النهار [illegible]
ساعات نصف النهار را از وی کم کردیم و بدین صورت [illegible] در تقویم نوشتیم مثال دیگر تقویم قمر [illegible]
بعد مستقبل یعنی بعد فاضل از هجده درجه [illegible] بهت قمر [illegible] ساعات بعد [illegible] ساعات نصف النهار [illegible]
چون بعد مستقبل بود و کمتر از ساعات نصف النهار را از وی نقصان کردیم و بدین صورت [illegible] در تقویم نوشتیم

مثال دیگر

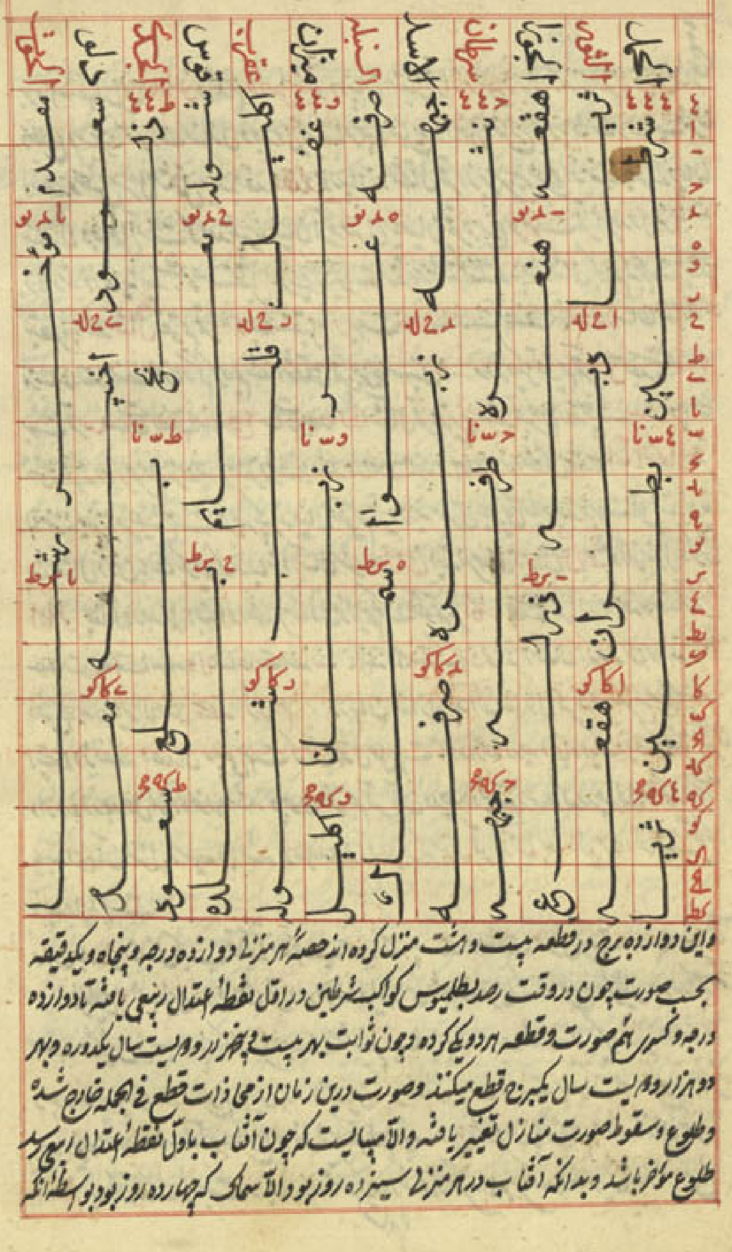
عقد دوم

عقد دوم در بیان هبوط و طریقهٔ او بدانکه خانه هفتم شرف کوکب هبوط آن کوکب است بهمان درجه خانه
هبوط شمس یط درجهٔ میزان و هبوط قمر ج درجهٔ عقرب و هبوط زحل کا درجهٔ حمل و هبوط مشتری ه درجهٔ جدی
و هبوط مریخ کح درجهٔ سرطان و هبوط زهره کر درجهٔ سنبله و هبوط عطارد به ه درجهٔ حوت بدرجات
ناقصه بود و طریق عمل اینها بهمان طریق است که در شرف گفته شد و محتاج بتطویل نیست و طریقهٔ مقابل
نیره است یعنی نوزده درجهٔ ناقصه میزان و طریق عملش نیز بطریق عمل نیره است عقد سیم در مجاسده راس
و ذنب چون کوکب بجنبین عقدتین رسد آنرا مجاسده گویند و طریق عمل آنست که تقویم راس و تقویم کوکب بعد
بگیرند و در قمر بازای بعد و بهت معدل از جدول مزاجات ساعات بعد بردارند و در دیگر کواکب از جدول
اتصالات و بطریق نظرات هیچنانکه تکرار شده تمام نمایند و ما مثالها بجهت سهولت بگوییم بدانکه برج مقابل
راس ذنب است و مثال او مشروحا گفته خواهد شد مثال تقویم شمس [illegible] تقویم راس [illegible] بهت معدل
[illegible] بعد ماضی [illegible] ساعات بعد [illegible] ساعات نصف النهار [illegible] چون بعد ماضی بود و بیش از نصف النهار
از وی نقصان کردیم و بدین صورت [illegible] در تقویم نوشتیم اما ذنب تقویم شمس [illegible] تقویم راس [illegible]
بعد ماضی [illegible] بهت معدل [illegible] ساعات بعد [illegible] ساعات نصف النهار را از وی کم کردیم و بدین صورت [illegible]
در تقویم نوشتیم و در کواکب دیگر غیر قمر عمل راس و ذنب بهمین طریقست اما در قمر از مزاجات بردارند
و بدین طریق تمام نمایند مثال تقویم قمر [illegible] تقویم راس [illegible] بعد ماضی [illegible] بهت معدل [illegible] ساعات
بعد [illegible] ساعات نصف النهار [illegible] و بدین صورت [illegible] در تقویم نوشتیم اما در ذنب تقویم قمر
[illegible] تقویم راس [illegible] بعد مستقبل [illegible] بهت معدل [illegible] ساعات بعد [illegible] ساعات نصف النهار
[illegible] بدین صورت [illegible] در تقویم نویسند فصل پنجم در بیان تحویل کواکب از برجی ببرجی و جزو
البعد و جزو اجتماع و استقبال مشتمل بر دو عقد عقد اول در بیان تحویلات از برجی ببرجی بدانکه در
کواکب سته غیر قمر چون از برجی ببرج دیگر نقل کنند آنرا تحویل گویند و در قمر انتقال گویند و بعد ازین وجه عمل
آن خواهد آمد انشاء الله اما وجه عمل کواکب سته آنست که بعد بگیرند از آخر برجی که در آنست اگر قریب باشد باول
دیگران بعد ماضی است و اگر اقرب دقایق برج دیگر باشد همان دقایق برج دیگر بعد مستقبل است و
بهت همان کوکب مقابل روز تحویل اگر بعد ماضی باشد و مقابل روز پیش اگر بعد مستقبل باشد و بعد
از جدول اتصالات ساعات بعد بردارند و از نصف النهار نقصان کنند اگر بعد مستقبل باشد و ساعات
بعد کمتر از ساعات نصف النهار و بر نصف النهار افزایند اگر بعد ماضی باشد و ساعات بعد کمتر از

نصف النهار ساعات گذشته از اول آنروز حاصل آید و بعد ماضی و مستقبل مکرر گفته شد محتاج تکرار نیست
و ما درین چند مثال بجهت تبصره بگوییم **مثال** تقویم شمس یا لطکا بعد او ز اول حمل لط بهت شمس نط پس
بهت بعد از جدول اتصالات ساعات بعد بر داشتیم بود ه ن ساعات نصف النهار زند بدینصورت در تقویم نوشتیم
یا س ٤٤ اه ط ن در تقویم نوشتیم **مثالی دیگر** تقویم زحل ٤٤ چون نصف النهار بود بهمین صورت در تقویم
نوشتیم یا ل محرف **مثالی دیگر** تقویم مشتری کط لح بعد او از حوت ماضی این بود د و بهت او یا پس
بعد و بهت او از جدول اتصال ساعات بعد بود ٣ نو ٤ ساعات نصف النهار و ط ساعات تحویل بدینصورت
در تقویم نویسند یا ـ یا اد م تقویم زهره ٤٤ س بعد مستقبل س بهت او اه ساعات بعد ه لا ساعات
نصف النهار و ط و بدینصورت یا ٤٥ س ٤ ٤ در تقویم نویسند **عقد دوم** در بیان جزو البعد و جزو
اجتماع بدانکه جزو البعد آن جزویست که کوکب در وی باشد از تقویم بنصف النهار و جزو اجتماع و استقبال
تقویم شمس یا قمر است در وقت اجتماع یا استقبال و جزو اجتماع دایما تقویم شمس است در وقت اجتماع
خواه اجتماع بروز باشد خواه بشب و جزو استقبال اگر استقبال بروز باشد تقویم آفتاب است بوقت
استقبال و اگر بشب باشد نظیر آفتاب و طریق عمل چنانچه سبق ذکر یافت در فصل سیم از باب دوم
اینست که چون ساعات بعد را در بهت کوکب ضرب کنند و بر بیست و چهار قسمت کنند خارج قسمت
جزو البعد باشد پس اگر ساعات بعد ماضی بود جزو البعد را بر تقویم آفتاب افزاییم بنصف النهار تقدم
و بکاهیم از نصف النهار موخر اگر بعد مستقبل باشد آنچه ماند یا برآید جزو اتصال بود و در جدول
میرزای شهید آورده که بیک ساعات بعد دران جدول مقوس کرده در تحت بهت آفتاب قوس آن
بردارند جزو البعد بود اگر بعد ماضی بود بر تقویم آفتاب افزایند و اگر بعد مستقبل بود بکاهند جزو اجتماع
روز و شب یا استقبال روزی معلوم شود و جدولی دیگر بجهت قمر که آنرا سیر معدل گویند بازای بهت
معدل و ساعات بعد جزو البعد بردارند اگر بعد ماضی باشد افزایند و اگر مستقبل بود کم کنند تا جزو
استقبال شب حاصل آید و ما چهار مثال بگوییم که بر مبتدی آسان شود **مثال** تقویم شمس یا کو نز تقویم قمر د ا ص
بعد مستقبل ه بهت معدل یا ٤ ساعات بعد ا ط در جدول بهت شمس که بود ٤ مقوس کردیم و قوس
گرفتیم جزو البعد شد این م چون بعد مستقبل بود از تقویم آفتاب کم کردیم شد جزو اجتماع د کو لح
تقویم آفتاب ٥ لح تقویم قمر ٤ ٤ بعد ماضی ٤٤ بهت معدل لح و ساعات بعد ٢ بهت قمر لح ا
با ساعات بعد و بهت قمر از جدول سیر قمر معدل بر داشتیم شد این د لو واین را بر تقویم قمر افزودیم

جزو البعد

جزو استقبال این یا یا نو والله اعلم **فصل ششم** در بیان انتقال قمر از برجی ببرجی و از منزلی بمنزلی و بیان منازل قمر
و طلوع و سقوط و صورت منازل و جدول بجهت امزجه و طبایع و داخل و خارج و رباطات و صاحب منزل
و سعد و نحس منزل مشتمل بر سه عقد **عقد اول** در بیان انتقال قمر از برجی ببرجی و از منزلی بمنزلی و بیان
منازل و وجه عمل آنست که بعد بگیرند میان قمر و منزل یا میان قمر و برج و بهت قمر از جدول مزجات
بردارند و رعایت بعد ماضی و مستقبل بطریقی که بکرات مرقوم گشته بکنند و ما چند مثال بگوییم که بجهت مبتدی
تبصره باشد **مثال** تقویم قمر ه ـ د بعد مستقبل د بهت لح ساعات نصف النهار و ط ساعات بعد ح س
از ساعات نصف النهار کم کردیم شد انتقال قمر ببرج سنبله د روز دیگر تقویم قمر ه ا ل بعد ماضی ـ ٤
بهت قمر سه ساعات نصف النهار و ع ساعات بعد ه کط انتقال قمر از برج سنبله بمیزان روز پنجشنبه سه و چون
تقویم قمر که در برجی بصفر درجه و صفر دقیقه باشد در نصف النهار بهمان روز انتقال شده **اما انتقال** قمر
از منزلی بمنزلی طریقش آنست که بعد بگیرند میان تقویم قمر و درجه منزل بطریق سایر بعد و بهت عمل کنند و ما
چند مثال درین باب بگوییم که طالبان را آسان شود **مثال** ابتدای منزل دبران ا ٤ ل و آخر منزل مذکور ا ان
ا کا کو چنانکه در جدول ابتدا و انتهای منازل خواهیم گفت تقویم قمر ا کا ط بعد ماضی قمر د دقیقه بهت قمر لح ه
ساعات نصف النهار و ل ساعات بعد س دقیقه دانستیم که بدم قمر انتقال از دبران بهقعه کرده است
دقس علی هذا سایر الامثله **عقد دوم** در بیان منازل بدانکه منازل قمر که در تقویم می نویسند
ابتدا از نقطه اعتدال ربیعی است که آن اول حمل است تا دوازده درجه و پنجاه و یک دقیقه که تعلق بشرطین
دارد و در جدول نموده خواهد شد و چون تقویم قمر بآن درجه و دقیقه رسد که در جدول مذکور خواهد شد
بابتدای آن منزل رسیده باشد و ما جدولی آورده ایم که منزل قمر از آن جدول بردارند بحسب تقویم
و جدول اینست
واین جدول منازل بحسب قطعه است اما بحسب صورت بیست و هشت منزل است و اسماء منازل
١ الشرطین ٢ البطین ... از المنازل و هو الرشا و میرزای شهید مقرر نماید که اما طلوع شرطین در صد و دو سنه
الف و ثلثین و سبعمائه اسکندری در بیست و ششم نیسان بوده و بهر مقدار سال یکروز زیاده شود
و بعد از سیزده روز طلوع بطین بود و همچنین دیگر منازل و چون نوبت بسماک رسد طلوع غفر
بعد از چهارده روز باشد ٣ و با طلوع هر منزلی سقوط رقیب او باشد و آن پانزدهم باشد از آن منزل
حل بدانکه فلک ثوابت را بدوازده قسم کرده اند و هر قسمی را برجی گفته اند و این دوازده برج

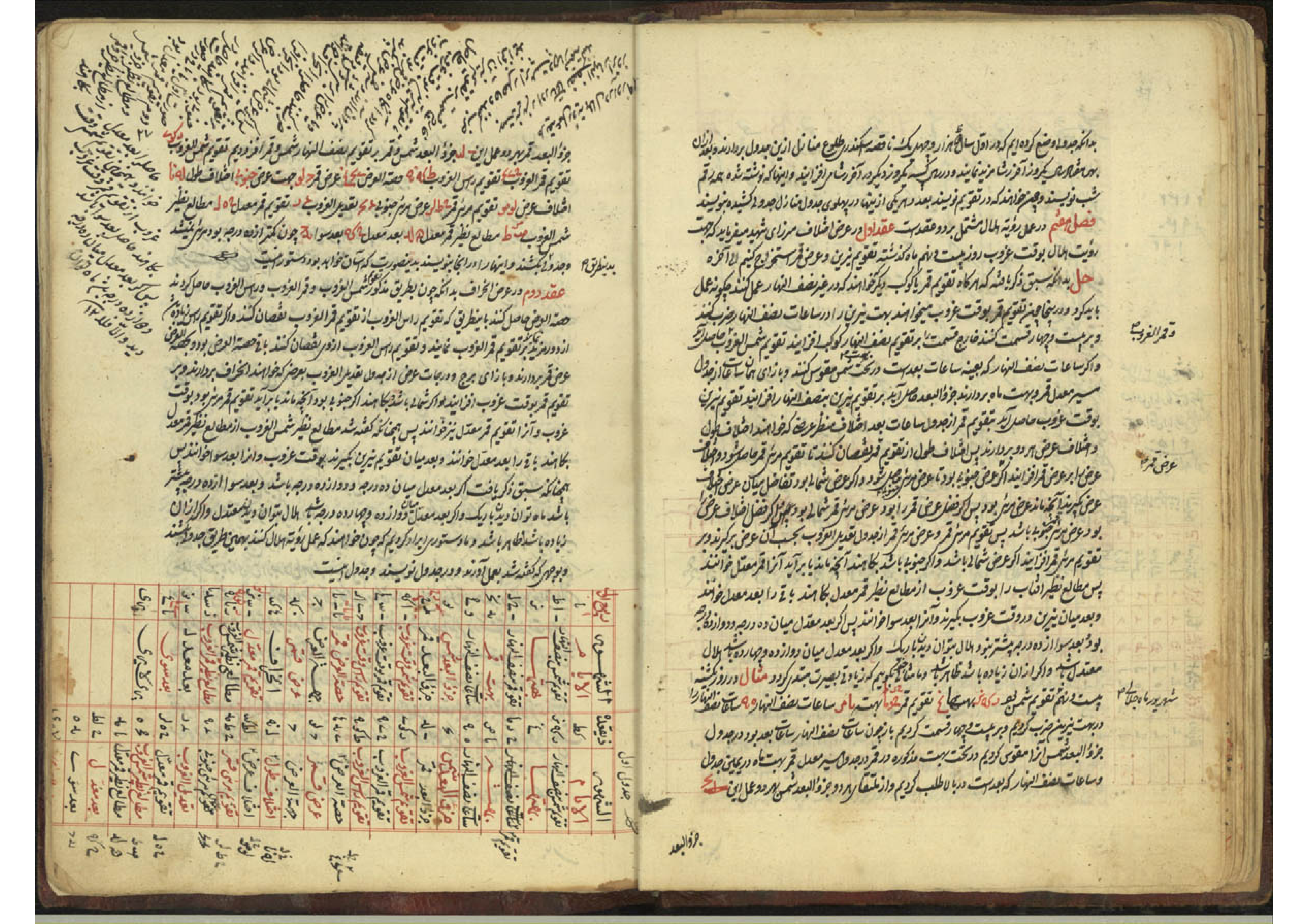


واین دوازده برج در قطعه بیست و هشت منزل کرده اند حصه هر منزلی دوازده درجه و پنجاه و یک دقیقه
بحسب صورت چون در وقت رصد بطلمیوس کواکب شرطین در اول نقطه اعتدال ربیعی یافته تا دوازده
درجه و کسری هم صورت و قطعه هر دو یکی کرده و چون ثوابت بهر بیست و چهار رو و بیست سال یکدرجه و بهر
دو هزار و دویست سال یکبرج قطع میکنند و صورت درین زمان از محاذات قطع فی الجمله خارج شده
و طلوع و سقوط صورت منازل تغییر یافته والا مرا بیست که چون آفتاب باول نقطه اعتدال ربیعی رسید
طلوع موخر باشد و بدانکه آفتاب در هر منزلی سیزده روز بود والا سماک که چهارده روز بود بواسطه آنکه

سیزده که عدد ایام سنت چون در بیست و هشت که عدد منازلست ضرب کنند سیصد و شصت و چهار حاصل شود
و از روزهای سال شمسی یکروز باقی ماند پس آن روز را در آخر سماک زیاده کنند که شصت منزلست و بودن
آفتاب در نصف شمالی بیشتر از نصف جنوبیست چرا که اوج او در جانب شمالست پس آن روز را در آن
نصف زیاده کردن اولی باشد **عقد سیم** در بیان طلوع و سقوط صورت منازل بدانکه اشارت چنان یافته
اند که همیشه سر منزل را می پوشاند منزلی که آفتاب در انجاست و یکمنزل پیش از آن و یکمنزل عقب آن و در آن
مدت که آفتاب در انجاست حال بدان منوال باشد تا انگاه که بمنزل دیگر نقل کند پس آن منزل که پیش از آن منزل
بود ظاهر گردد و آنرا طلوع آن منزل نویسند و در حدود الف و ثلثین و سبعمائه اسکندری طلوع شرطین در
بیست و ششم نیسان باشد و درین سال که سال هزار و نهصد و بیست و نه اسکندریست تفاوت
صد و نود و نه سالست از برای صد و چهار سال دو روز بر بیست و ششم نیسان مذکور مزید کردیم
پس طلوع شرطین در سال مذکور در بیست و هشت نیسان نویسند و تا یازده سال دیگر چنان باشد و چون هزار و
نهصد و چهل تمام شود سه روز مزید باید کرد و چون خواهند که در تقویم نویسند در بیست و هشتم نیسان موافق
هر روزی از روزهای هفته که باشد بدینصورت **ع شرطین** در تقویم نویسند و سقوط در تقویم نظیر نویسند و بعد از آن سیزده روز طلوع بطین
بدینصورت در تقویم نویسند و جدول جهات امزجه و طبایع و دخول و خارج و رباطات و صاحب منازل سعد و نحس منازل

[illegible]	[illegible]
منازل	[illegible]
درجه	[illegible]
اسماء منازل	[illegible]
سعد و نحس	[illegible]
[illegible]	[illegible]
طبایع منازل	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

اینم



بدانکه جدولی وضع کرده ایم که در اول سال هزار و چهار یک تا قصه سکندر طلوع منازل ازین جدول بردارند و بعد از آن
بر هشتاد و سی یکروز تا آخر شمار مزید نمایند و در سی و سه روز دیگر در آخر شمار افزایند و اینها که نوشته شده بعد رقم
شب نویسند و چون خواهند که در تقویم نویسند بعد از هر یکی از اینها در پهلوی جدول منازل جدولی کشیده بنویسند

فصل هفتم در عمل رؤیة هلال مشتمل بر دو عقد است **عقد اول** در عرض اختلاف میرزای شهید میفرماید که جهت
رؤیت هلال بوقت غروب روز بیست و نهم ماه گذشته تقویم نیرین و عرض قمر استخراج کنیم لا آخره

حل بدانکه سبق ذکر یافته که هرگاه تقویم قمر یا کوکب دیگر خواهند که در غیر نصف النهار عمل کنند چگونه عمل
باید کرد و در اینجا چون تقویم قمر بوقت غروب میخواهند بهت نیرین را در ساعات نصف النهار ضرب کنند
و بر بیست و چهار قسمت کنند خارج قسمت را بر تقویم نصف النهار کوکب افزایند تقویم شمس الغروب حاصل آید
و اگر ساعات نصف النهار که بعینه ساعات بعد بهت در تحت شمس معکوس کنند و بازای همان ساعات از جدول
سیر معدل قمر و بهت ماه بردارند جزو البعد حاصل آید بر تقویم نیرین بنصف النهار افزایند تقویم نیرین
بوقت غروب حاصل آید بتقویم قمر از جدول ساعات بعد اختلاف منظر عرض که خواهند اختلاف طول
و اختلاف عرض هر دو بردارند پس اختلاف طول از تقویم قمر نقصان کنند تا تقویم مرئی قمر حاصل شود و اختلاف
عرض را بر عرض قمر افزایند اگر عرض جنوبی بود تا عرض مرئی حاصل شود و اگر عرض شمالی بود تفاضل میان عرض و اختلاف
عرض بگیرند آنچه ماند عرض مرئی بود پس اگر فضل عرض قمر را بود عرض مرئی قمر شمالی بود و چون اگر فضل اختلاف عرض را
بود عرض مرئی جنوبی باشد پس تقویم مرئی قمر و عرض مرئی قمر از جدول تعدیل الغروب بحسب آن عرض برگیرند و در
تقویم مرئی قمر افزایند اگر عرض شمالی باشد و اگر جنوبی باشد بکاهند آنچه ماند یا برآید آنرا قمر معدل خوانند
پس مطالع نظیر آفتاب را بوقت غروب از مطالع نظیر قمر معدل بکاهند باقی را بعد معدل خوانند
و بعد میان نیرین در وقت غروب بگیرند و آنرا بعد سوا خوانند پس اگر بعد معدل میان ده درجه و دوازده درجه
بود و بعد سوا از ده درجه بیشتر نبود هلال بتوان دید باریک و اگر بعد معدل میان دوازده و چهارده باشد هلال
معتدل باشد و اگر از آن زیاده باشد ظاهر باشد و ما مثالی حکم میکنیم که زیادتی بصیرت مبتدی گردد **مثال** در روز گذشته
بیست و نهم تقویم شمس بعد **[illegible]** تقویم قمر **[illegible]** بهت **[illegible]** ساعات نصف النهار **[illegible]** ساعات نصف النهار را
در بهت نیرین ضرب کردیم و بر بیست و چهار قسمت کردیم باز چون ساعات نصف النهار ساعات بعد بود در جدول
جزو البعد شمس آنرا معکوس کردیم در تحت بهت مذکوره در قمر در جدول سیر معدل قمر بهت ماه در یمین جدول
و ساعات نصف النهار که بعد بهت در بالا طلب کردیم و از ملتقا هر دو جزو البعد شمس هر دو عمل این **[illegible]**

جزو البعد

جزو البعد قمر هر دو عمل این **[illegible]** جزو البعد شمس و قمر بر تقویم نصف النهار شمس و قمر افزودیم تقویم شمس الغروب **[illegible]**
تقویم قمر الغروب **[illegible]** تقویم راس الغروب **[illegible]** حصة العرض **[illegible]** عرض قمر **[illegible]** جهت عرض جنوبی اختلاف طول **[illegible]**
اختلاف عرض **[illegible]** تقویم مرئی قمر **[illegible]** عرض مرئی جنوبی **[illegible]** تعدیل الغروب **[illegible]** تقویم قمر معدل **[illegible]** مطالع نظیر
شمس الغروب **[illegible]** مطالع نظیر قمر معدل **[illegible]** بعد معدل **[illegible]** بعد سوا **[illegible]** چون کمتر از ده درجه بود هر دو نبیند
و جدولی بکشند و اینها را در آنجا بنویسند بدین صورت که آسان خواهد بود دستور اینست

عقد دوم در عرض انحراف بدانکه چون بطریق مذکور شمس الغروب و قمر الغروب و راس الغروب حاصل کردند
حصة العرض حاصل کنند باین طریق که تقویم راس الغروب از تقویم قمر الغروب نقصان کنند و اگر تقویم راس زیاده
از دوازده برج بود بر تقویم قمر الغروب نمایند و تقویم راس الغروب از دو نقصان کنند باقی حصة العرض بود و بحصة العرض
عرض قمر بردارند و بازای برج و درجات عرض از جدول تعدیل الغروب بعرض که خواهند انحراف بردارند و بر
تقویم قمر بوقت غروب افزایند اگر شمالی باشد بکاهند اگر جنوبی بود آنچه ماند یا برآید تقویم قمر مرئی بود بوقت
غروب و آنرا تقویم قمر معتدل نیز خوانند پس همچنانکه گفته شد مطالع نظیر شمس الغروب از مطالع نظیر قمر معدل
بکاهند باقی را بعد معدل خوانند و بعد میان تقویم نیرین بگیرند بوقت غروب و آنرا بعد سوا خوانند پس
همچنانکه سبق ذکر یافت اگر بعد معدل میان ده درجه و دوازده درجه باشد و بعد سوا از ده درجه بیشتر
باشد ماه توان دید باریک و اگر بعد معدل میان دوازده و چهارده درجه باشد هلال بتوان دید معتدل و اگر از آن
زیاده باشد ظاهر باشد و ما دستوری ایراد کردیم که چون خواهند که عمل رؤیة هلال کنند بهمین طریق جدولی بکشند
و بوجهی که گفته شد بعمل آورند و در جدول نویسند و جدول اینست

جدول اول

الشهور	[illegible]
الاول م	[illegible]
تقویم شمس بنصف النهار	[illegible]
تقویم قمر بنصف النهار	[illegible]
بهت	[illegible]
ساعات نصف النهار	[illegible]
جزو البعد	[illegible]
تقویم شمس الغروب	[illegible]
تقویم قمر الغروب	[illegible]
تقویم راس الغروب	[illegible]
حصة العرض	[illegible]
عرض قمر	[illegible]
جهة العرض	[illegible]
اختلاف طول	[illegible]
اختلاف عرض	[illegible]
تقویم مرئی قمر	[illegible]
تعدیل الغروب	[illegible]
تقویم قمر معدل	[illegible]
مطالع نظیر شمس الغروب	[illegible]
مطالع نظیر قمر معدل	[illegible]
بعد معدل	[illegible]
بعد سوی	[illegible]

الشهور	[illegible]
الاول م	[illegible]
تقویم شمس بنصف النهار	[illegible]
تقویم قمر بنصف النهار	[illegible]
بهت	[illegible]
ساعات نصف النهار	[illegible]
جزو البعد	[illegible]
تقویم شمس الغروب	[illegible]
تقویم قمر الغروب	[illegible]
تقویم راس الغروب	[illegible]
حصة العرض	[illegible]
عرض قمر	[illegible]
اختلاف طول	[illegible]
اختلاف عرض	[illegible]
تقویم مرئی قمر	[illegible]
تعدیل الغروب	[illegible]
تقویم قمر معدل	[illegible]
مطالع نظیر شمس الغروب	[illegible]
مطالع نظیر قمر معدل	[illegible]
بعد معدل	[illegible]
بعد سوی	[illegible]

فصل هشتم در مدخل سال عربیه و فارسی و رومی و در دانستن سرماه هر یک و سرماه عربیه با مراوسط و سرماه
ترکان مشتمل بر دو عقد عقد اول در بیان مدخل سال عربیه و فارسی و رومی اما بجهت مدخل سال هجری
از سالهای ناقصه دویست و ده دویست و ده طرح کنند و بباقی در مدخل سال عربیه که در زیج وضع شده در آیند
مدخل سال هجری معلوم میشود مثال مدخل محرم هزار و بیست و هفت ناقصه خواستیم که بدانیم دویست و ده
دویست و ده طرح کردیم صد و هشتاد و هفت باقی ماند پس قفز از بالای جدول و د از یمین جدول
در ملتقای هر دو مدخل سال عربیه ه بود یعنی اول محرم سال مذکور پنجشنبه باشد اما در تاریخ فرس چون از
عدد سالهای ناقصه این تاریخ هفت هفت طرح کنند و باقی را در بالای جدول که در زیج موضوعست طلب کنند
مدخل سال مطلوب باشد مثال خواستیم که مدخل فروردین ماه نهصد و هشتاد و هفت ناقصه بدانیم هفت هفت
طرح کردیم هفت ماند در زیج در جدول مدخل سال فارسی در تحت د که بسرخی نوشته بود ب و دانستیم که
دوشنبه مدخل سال یعنی اول فروردین ماه سال مذکور بود اما تاریخ رومی چون از سالهای ناقصه بیست و
هشت بیست و هشت طرح کنند آنچه باقی ماند آنرا در طول جدول طلب کنند و از بالای ماه تشرین رومی سر
سال همان باشد مثال خواستیم که مدخل سال هزار و نهصد و بیست و نه ناقصه رومیه بدانیم بیست و هشت
بیست و هشت طرح کردیم هفده ماند در مقابل او مدخل سال رومی یعنی اول تشرین الاول روز یکشنبه باشد
عقد دوم در دانستن سرماه هر یک و سرماه عربیه با مراوسط و سرماه ترکان بدانکه چون مدخل سال معلوم باشد
یعنی اول محرم از تاریخ عربیه و اول فروردین ماه از تاریخ یزدجردیه و اول تشرین الاول از تاریخ رومیه
معلوم شد بازای آن از جدولها برمیداریم تا دوازده ماه تمام شود و شهور عربیه که مذکور شد باعتبار
امر اوسط است و بعد از شهور و شرح آن بحرکت بهر کتاب ازین فن ذکر آن رفته بود تطویل ندادیم و ازین
مثالها بگوییم مثال چون اول محرم با مراوسط پنجشنبه بود در جدول شهور در آمدیم در تحت پنجشنبه مقابل صفر
د بود یعنی شنبه و مقابل ربیع الاول ح و مقابل ربیع الاخر ا الی آخره در تقویم نوشتیم مثال چون مدخل [illegible]
اول فروردین ماه بود ب نظر کردیم و در مقابل اردیبهشت ح بود و در مقابل خرداد ح بود الی آخره در
تقویم نوشتیم مثال چون اول تشرین الاول رومی ا بود و همچنین در مقابل هفده تشرین الاخر ح بر نوشتیم
سرماه بود و در کانون الاول د بود الی آخره اما سرماه ترکان از اجتماع گیرند پس اگر اجتماع قبل از نصف
النهار است یا نصف النهار همان روز اول ماه ترکان باشد و اگر اجتماع بعد از نصف النهار بود سرماه ترکان
روز آینده یعنی روز بعد از اجتماع خواهد بود و چون درینجا محتاج بمثال نبود بنابرین نیاوردیم

باب

باب سیم در بیان خسوف و کسوف ماه و آفتاب مشتمل بر دو فصل فصل اول در بیان خسوف ماه
مشتمل بر دو عقد عقد اول در بیان امکان خسوف چون خواهند که بدانند که خسوف ممکنست یا نه استقبال
که بشب باشد یا در دو طرف روز کمتر از دو ساعت و چهار دقیقه گذشته از اول روز یا مانده تا آخر روز
و بعد جزو استقبال از عقده کمتر از یح باشد خسوف ممکن است و چون بدانند که خسوف ممکن شد قطر ماه و قطر
ظل استخراج کنند و نصف القطرین بگیرند و عرض ماه در آن وقت بدانند در شمال و جنوب پس اگر عرض ماه مثل
نصف القطرین بود یا بیشتر خسوف ممکن نباشد و اگر کمتر بود خسوف ممکن بود و میرزای شهید جدولی
وضع کرده که چون بخاصه معدله در آن جدول در آیند نصف القطرین معلوم شود عقد دوم در بیان استخراج خسوف
بجدول میرزای شهید انار الله برهانه میفرماید که عرض ماه در وقت استقبال در طول جدول خسوف از جانب
راست و بهت ماه در عرض جدول بر بالا طلب باید کرد و از ملتقای هر دو ساعات سقوط بر باید گرفت
الی آخره حل بدانکه چون بطریقی که در عقد سابق گذشته خسوف محقق شود و تقویم نیرین بوقت استقبال
استخراج کنیم باین طریق که جزو البعد آفتاب و ماه بنوعیکه مکرر ذکر رفته بردارند و جزو البعد آفتاب بر تقویم
نظیر شمس بنصف النهار یا بر جزو البعد قمر بر تقویم قمر بنصف النهار افزایند اگر بعد ماضی بود و از تقویم نظیر
شمس یا تقویم قمر کم کنند اگر بعد مستقبل باشد تا جزو استقبال حاصل شود و تقویم راس از جزو استقبال
کم نمایند اگر چه خسوف در عقده ذنب واقع شود تا حصة العرض حاصل شود پس بحصة العرض عرض ماه بر گیرند
اگر کمتر از سد دقیقه باشد خسوف محقق است پس بعرض و بهت ماه از جدول خسوف بردارند اگر کله نوشته
بود همه جرم ماه منخسف گردد و ساعات مکث آنچه نوشته شده بردارند اگر کله نوشته نبود اصابع [illegible]
و اصابع جرم که آنرا اصابع معدله گویند بردارند پس ساعات استقبال در خسوف کلی به پنج موضع بنهند
و ساعات سقوط از اول بکاهند و بر پنجم بیفزایند و ساعات مکث از دوم بکاهند و بر چهارم افزایند
و سیم همچنان بحال خود بگذارند و اول ساعات بدو خسوف و دوم ساعات بدو مکث و سیم ساعات وسط
خسوف و چهارم ساعات بدو انجلا و پنجم ساعات تمام انجلا باشد و ما در تقویم سنه جلالی دو خسوف
استخراج کرده بودیم یکی کلی بعقده راس و یکی جزوی بعقده ذنب درینجا ایراد کردیم که طالبان از دستور برخوردار شوند
و مارا بدعای خیر یاد کنند مثال خسوف کلی بعقده راس در شب پنجشنبه پانزدهم شهر رمضان المبارک میشود بطریقی
دستور خواستیم که نوشته شده ثمانین [illegible] تقویمها [illegible] قمر [illegible] بهت [illegible] بعد ماضی دکا بهت تعدیل
[illegible] ساعات بعد این [illegible] ساعات بنصف النهار [illegible] ساعات استقبال [illegible] جزو البعد شمس [illegible] جزو البعد قمر [illegible]

تقویم نظیر شمس [illegible] جزو استقبال بهر و صورت [illegible] تقویم راس بوقت مذکور [illegible] حصة العرض [illegible] عرض قمر [illegible] اصابع قطر [illegible]
اصابع جرم کد ساعات سقوط انا ساعات مکث [illegible] یعنی چون سه ساعت و چهار دقیقه از شب مذکور بگذرد ابتدای خسوف بود
و چون چهار ساعت و سیزده دقیقه بگذرد بدو مکث بود و چون چهار ساعت و پنجاه و پنج دقیقه بگذرد وسط خسوف بود
و چون پنج ساعت و سی و هشت دقیقه بگذرد بدو انجلا بود و چون شش ساعت و چهل و شش دقیقه بگذرد تمام انجلا بود
مثال خسوف جزوی بعقدهٔ ذنب در روز جمعه سیزدهم شهر صفر و وسط خسوف در شب بود و بدین صورت و طریق
دستور ساختهٔ بجهت تحریر در آوردیم که بر تشبیه همان کرده شمسین [illegible] سنه [illegible] قرن [illegible] سـ
بعد ما [illegible] بهت معدل [illegible] ساعات بعد [illegible] ساعات نصف النهار [illegible] ساعات استقبال [illegible]
جزو البعد شمس [illegible] جزو البعد قمر [illegible] نظیر تقویم شمس [illegible] جزو استقبال بهر و صورت [illegible] تقویم راس بوقت مذکور [illegible]
حصة العرض [illegible] عرض قمر [illegible] اصابع قطر [illegible] اصابع جرم [illegible] ساعات سقوط [illegible] و بدانکه نزد اصحاب این صنعت
یک اصبع نیم دانک بود از تمام قطر ماه و اصابع سطح یک اصبع نیم دانک بود از جرم اصبع کسوف نیز همچنین بود
و اگر با اصابع دقایق بود از انست دانند با نیم دانک و هر هشت دقیقه و نیم یکجو باشد و خسوف پیوسته از جانب
مشرق در آید پس اگر حصه عرض کمتر از شش برج باشد از شمال مشرق در آید و اگر بیشتر از شش باشد از جنوب مشرق
در آید و پیوسته ابتدای انجلا از ناحیت مغرب بود و در عقده راس لون او اغبر نماید یا اشهب بجب قرب
و بعد او از عقده و اگر در عقدهٔ ذنب بود لون او سیاه نماید یا تاریک اما مدت تاثیر از ساعات تمام خسوف
معلوم شود از هر ساعتی یکماه و از هر دو دقیقه یکروز و چنان معظم تاثیر در کتب احکام مشروح بود و در یتمقام ترک
آن صواب دانست اما جدول استاد اعظم ابوریحان بیرونی وضع نموده که چون بر بعد جزو استقبال از عقده
در طول جدول بهت [illegible] از بالای جدول در آیند اصابع قطر و اصابع جرم و ساعات سقوط مشخص شود و ما انجدول
در ینکتاب بیاوردیم که چون بقاعدهٔ میرزای شهید و قاعدهٔ استاد ابوریحان هر دو عمل کنند اصوب بینم و ما شاء بقاعدهٔ [illegible]
جدول گفتیم بواسطه انکه طالبان این فن شریف را آسان کرده و ما را بدعای خیر یاد فرمایند و بدانکه تمام جرم دوازده اصبع و هر اصبعی
نیم دانک پس دو اصبع یکدانک باشد و هر دانکی چهار طسوج و هر طسوجی دو حبه و هر حبه دو جو و هر جوی شش خردل
و تمام جرم دوازده اصبع است و هر اصبعی نیم دانک پس دو اصبع یکدانک باشد و هر اصبعی دو طسوج و اصبعی چندانک شعیر
از جرم ماه و آفتاب و هر هشت دقیقه دانکی باشد و هر پانزده دقیقه دو جو باشد و سی دقیقه یک طسوج و یکدقیقه و پانزده ثانیه
یک خردل و شش ثانیه و پانزده ثالثه یکجو پس هر اصبعی از اصابع قطر و اصابع جرم چندانکه است و هر دو دقیقه از دقایق اصابع قطر
و اصابع جرم یک خردل و ربع خردل بلا زیاده و نقصان پس هشت دقیقه و نیم یک شعیر و بیست و سی دقیقه یک طسوج باشد و بدانکه

بعد جزو از عقده	ب	ک		ب	ع			ک	و
[illegible]	اصابع	[illegible]	[illegible]	اصابع	[illegible]	[illegible]	اصابع	[illegible]	[illegible]
ع ع		ا ه	مـ		ا ه	صه		ا نا	سو
ل ع		ط	مو		ط	صه		نا	مو
ا ع		ع	صه		ط	مو		ه	صه
ا ل		مو	مح		ع	ط		ه	مح
- ع		مو	ط		س	مر		مط	مح
ـ ل		صه	لط		صه	لط		ع	لم
ح ع		مد	لو		مد	ل		س	لر
جه ل		س	کو		مح	ل		صه	لو
که ع		ل	مح		ط	مح		مح	کط
ک ل		لو	ع		لط	س	ا له	ط	کو
ه ع	ب ا	لح	ع	ا لو	ل	ع	ب که	لط	ط
ه ل	ـ ی	کط		ـ م	لر		ط کو	لر	ع
د ع	ط لط	ار		ط لو	لا		ح لو	لو	
د ل	ح ط	کو		ح ه	لر		ب م	ل	
د ع	ر کا	ع		د لو	کو		و ه	کط	
ب ل	د کو	س		ر ا	ی		و ع	کو	
ح ع	ه ل	ا ه		و ا	ی		ه ه	کا	
ح ل	ع ل	ع ع		ا ه	ا و		عو س	و	
ط ع	ح لو	ه		مـ ع	ع ط		ح ط	نا	
ط ل	ـ ل	ط		ح کو	ع نا		- کو	و	
ی ع	ا ط	و		- ل	ب		+ ط	ا ا	
ی ل	ا و	ا		ا کط	لا		+ کو	ع نا	
ع ع	ع ا	-		ع ه	کس		ا لو	م	•
ل نا	ع ع	ع		ع لی	ع س		ع ل	ع اب	

فصل دوم در بیان کسوف آفتاب مشتمل بر دو عقد
عقد اول در تحقیق کسوف هر اجتماع که بروز بود و یا بر
دو کناره شب کمتر از یکساعت و دو دقیقه گذشته از اول شب
یا مانده تا آخر شب و بعد جزو اجتماع از عقده بعد از آنکه
با پیش از ذنب کمتر از [illegible] باشد یا بعد از ذنب پیش از راس
کمتر از [illegible] باشد در معظم عمارات کسوف ممکن بود و بنابر
قول متقدمانست که کسوف ممکن را مکث نیز و متاخرین
بر انند که مکث نباشد و اگر باشد وقتی بود که آفتاب
در بعد اوسط باشد پس در انوقت نور جرم آفتاب
دو کره چون هلال نماید در اول و آخر کسوف و اگر آفتاب
در بعد ابعد بود و مرکز قمر بمرکز آفتاب رسد دایرهٔ روشن
از نور آفتاب گرد ماه بر آید اما مکث نبود پس چون
خواهند که بدانند که کسوف ممکن هست یا نیست بطریقی
که قبل ازین مذکور شد عمل نمایند عقد دوم در بیان
استخراج کسوف بجدول میرزای شهید میفرماید که بداند
جزو اجتماع و ساعات بعد اجتماع حقیقی پیش از زوال یا بعد
از زوال یا بوقت زوال هر یک از اختلاف منظر طول
و اختلاف منظر عرض برگیرند پس اختلاف طول را بر سبقی
قمر قسمت کنیم و خارج قسمت را از ساعات اجتماع حقیقی از اول روز یا شب نقصان کنیم اگر جزو اجتماع بطالع
اجتماع نزدیکتر باشد و اگر بسابع نزدیکتر بر ان افزاییم تا ساعات اجتماع مرئی حاصل آید و آنرا زمان وسط خسوف
خوانیم الی آخره حل بدانکه چون دانند که کسوف ممکن باشد بدین طریقه تقویم نیرین در نصف النهار کسوف استخراج کنند
و بهت نیرین حاصل کنند و بعد ما بین یا مستقبل و بهت معدل از مزاجات ساعات بعد بردارند و ساعات بعد از بهت
بهت شمس مقوس کنند و قوسی که جزو البعد بهت بردارند و بر تقویم نصف النهار شمس افزایند اگر بعد ما بین بهت و بکاهند
اگر بعد مستقبل باشد جزو اجتماع حاصل آید پس تقویم راس در انوقت استخراج کنند و از جزو اجتماع کم کنند بعد

جزو اجتماع از عقده حاصل آید اگر کمتر از آن درجه و دقیقه است که در عقده پیش گفته شد کسوف ممکن بود و چون امکان کسوف
معلوم شد اگر ساعات بعد ماضی باشد بر نصف النهار افزایند اگر مستقبل بود بکاهند تا ساعات اجتماع حاصل آید بعد از آن بازای
جزو اجتماع و ساعات بعد اجتماع اختلاف منظر طول بردارند قبل از نصف النهار از بروج محاذی خودش و بعد از نصف
النهار اگر بروج [?] بود از بروج اسفل بردارند و اگر بروج اسفل بود از بروج [?] بردارند و در سرطان و بقیه از بروج اعلی
و اسفل هر کدام بردارند مختارند بعرض که خواهند و سبق قمر حاصل کنند باین طریق که بهت معدل کوکب بر بیست و چهار
قسمت کنند خارج قسمت سبق قمر باشد یا باین طریق که در جدول ستینی بهت معدل را در جدول کب مقوس کنند و ستینی
او سبق قمر باشد پس اختلاف طول را بر سبق قمر قسمت کنند یا از جدول ستینی اختلاف طول را مقوس کنند [illegible]
خارج قسمت اختلاف طول بر سبق قمر باشد و ساعات اجتماع حقیقی را او را بسازند و با مطالع جزو اجتماع بعرض بلد
جمع کنند مطالع طالع [?] باشد در عرض بلد جمع مقوس کنند طالع اجتماع حاصل آید نظیر آن سابع بود پس اگر جزو اجتماع بطالع اجتماع
اقرب باشد خارج قسمت اختلاف طول بر سبق قمر از ساعات اجتماع حقیقی نقصان کنند و چون جزو اجتماع بسابع اقرب
باشد خارج قسمت را بر ساعات اجتماع افزایند ساعات وسط کسوف بود و تقویم قمر در زمان وسط کسوف استخراج
کنند بطریقی که قبل ازین در فصل سیم از باب اول ذکر رفته و وسط راس [?] فصل الاول گرفته تقویم راس اند و تقویم راس
از تقویم قمر در زمان وسط کسوف نقصان کنند و اگر چه در عقده ذنب باشد که کسوف واقع شود تا حصة العرض بماند
و بحصة العرض عرض قمر بردارند و جهتش معین اند و جهت عاشر از سمت الراس دایم درین بلاد جنوبیه باشد بعضی در آفاق مایله
که عرض او زیاده از میل کلی باشد جهت عاشر از سمت الراس دایما جنوبیه است اگر جهت عرض حقیقی موافق جهت عاشر باشد
از سمت الراس بر اختلاف منظر عرض قمر افزاییم و بعضی مثل علامه طوسی و غیره بازای جزو اجتماع مرئی و ساعات اجتماع
مرئی یعنی بازای برج ماه در وسط کسوف و ساعات وسط عرض قمر را افزایند و الا که جهت عرض مخالف جهت
عاشر باشد از سمت الراس تفاوت میان عرض و اختلاف عرض بگیریم آنچه ماند یا برآید عرض مرئی بود و چون عرض
مرئی زیاده از سی دقیقه بود کسوف ممکن نباشد و اگر کمتر بود کسوف ممکن بود پس بعرض مرئی و بهت ماه ساعات
سقوط و اصابع قطر و اصابع جرم از جدول کسوف برگیرند چنانکه پیشتر در خسوف گفته شد ساعات بعد کسوف
ساعات تمام انجلا حاصل آید و از ساعات وسط کسوف طالع کسوف معلوم باید کرد و اگر بخاصه معدله قمر دقایق
النسب اختلاف منظر قمر از جدول برگیرند و در هر یک از نفس اختلاف منظر طول و اختلاف منظر عرض ضرب کنند
در اختلاف منظر طول و اختلاف عرض جنس بر جنس افزایند تا هر دو اختلاف معدل شوند دقیقه باشد و تفاضل [illegible]
عرض بلد و اختلاف منظر و بروج جزو و بروج عقب ساعات همه بگیرند تا موافق آید و الا اختلاف بهم رسد نوع دیگر

ساعات

ساعات اجتماع از ساعات نصف النهار کم کنند اگر اجتماع پیش از نصف النهار بود و اگر بعد از نصف النهار بود ساعات
نصف النهار از ساعات اجتماع کم کنند آنچه ماند ساعات بعد بود بدینصورت ساعات و برج ماه اختلاف منظر
طول و عرض معدل بجا بین السطرین برگیرند ما اگر کسوف از شب ابتدا کند ساعات بعد از نصف اللیل گیرند
پس بار دیگر هم بازای این ساعات و برج ماه اختلاف منظر از برجی که پس از برج کسوف بود در طول و عرض معدل
بجا بین السطرین برگیرند پس تفاوت میان هر دو طول بدهند و در درجات جزو اجتماع ضرب کنند آنچه حاصل آید
بر سی قسمت کنند تا نصیب درجات جزو اجتماع بیرون آید پس اگر اختلاف منظر برج کسوف کمتر از اختلاف برج
دوم باشد این نصیب بروی زیادت کنند و اگر بیشتر باشد از وی کم کنند و با اختلاف عرض چنین کنند پس این طول را
طول دوم گویند و این عرض را عرض انحراف باز برین طول دوم نصف او زیادت کنند بدینصورت که او را بر دوازده
قسمت کنند خارج قسمت نصف سدس بود آنچه شود آنرا طول معدل خوانند پس اگر اجتماع پیش از نصف النهار
بود طول معدل را از موضع قمر کم کنند و اگر پس از نصف النهار باشد بروی افزایند آنچه شود باز ماند موضع قمر بود
بوسط کسوف پس تقویم راس بوسط کسوف از موضع قمر در وسط کسوف کم کنند تا حصة العرض ماند بوسط کسوف
بدین حصة العرض قمر بدانند در شمال و جنوب اگر جنوبیه بود عرض انحراف زیاده کنند و اگر شمالیه بود کمتر از بیشتر
برون آنچه ماند یا بشود او را عرض محکم خوانند در آن جهت که باشد پس عرض محکم در طول جدول و بهت قمر در عرض در
ملتقای هر دو اصابع کسوف بردارند و ساعات سقوط بجا بین السطرین و اصابع را معدل کنند با اصابع سطحی
اما طول را در بیست و چهار ضرب کنند و بر بهت قمر قسمت کنند ساعات بیرون آید و آنرا از ساعات اجتماع
کم کنند اگر اجتماع پیش از نصف النهار باشد و بروی افزایند اگر پس از نصف النهار باشد آنچه ماند یا بشود ساعات
وسط کسوف باشد از وی اصابع زمان کسوف معلوم شود و ما سه مثال که یکی قبل از نصف النهار و یکی بعد از
نصف النهار و یکی در نصف النهار باشد درینجا ایراد کردیم مثال کسوف بعد از نصف النهار شمسین و یط له
بهتها ا ما قرین [illegible] بهته [illegible] بهت معدل [illegible] بعد ماضی [illegible] ساعات بعد [illegible] یعنی چون بعد ماضی یا مستقبل
در [illegible] ضرب کنند و بر بهت معدل قسمت کنند خارج قسمت ساعات بعد بهت جزو البعد [illegible] جزو اجتماع
[illegible] تقویم راس [illegible] بعد جزو اجتماع از عقده ام [illegible] ساعات نصف النهار [illegible] ساعات اجتماع گذشته
از روز [illegible] اختلاف طول [illegible] اختلاف عرض [illegible] سبق قمر [illegible] خارج قسمت نا اختلاف طول بر سبق
قمر این [illegible] بر [illegible] مطالع جزو اجتماع بعرض بلد شیراز این دال مطالع طالع این [illegible] طالع [illegible] چون

کا ٤ / ل ٤	کا ٤	کا ٤ / ل ٤
گذشته از شب ... / ٤ ب	گذشته از شب آینده	گذشته از روز معلوم / ٩ ا

جزو اجتماع بمطالع اقرب بود خارج قسمت اختلاف طول بر سبق قمر را بر ساعات اجتماع حقیقی افزایند حاصل ساعات وسط
کسوف بود از این کا ٤ تقویم قمر در زمان وسط کسوف ح یط یط تقویم راس مح مح حصة العرض ٤ - ا عرض قمر ب ا لا جهتش شمالی ٤ ما ل
گذشته از شب آینده جهت عاشر از سمت الراس جنوبی عرض مرئی جنوبی نط نط اصابع قطر انط اصابع جرم ٤ ط ساعات
سقوط ٤ ل و این را بر سر موضع که داشتیم همچنانکه در خسوف گفته شد بدین صورت طالع وسط کسوف بدین طریق که
دایر باللیل ٩ مطالع نظیر جزو شمس ببلد ح کح مطالع طالع این ح ا طالع وسط کسوف ٤ ا ح - نوع دیگر ساعات اجتماع
از نصف النهار کم کنند اگر اجتماع پیش از نصف النهار باشد و اگر بعد از نصف النهار باشد ساعات نصف النهار را از ساعات
اجتماع کم کنند آنچه ماند ساعات بود و بدین ساعات و بروج ماه اختلاف منظر طول و عرض بردارند معدل بما بین السطرین اما
اگر کسوف از شب ابتدا کنند ساعات بعد از نصف اللیل گیرند پس بار دیگر بازای این ساعات و بروج اختلاف
منظرین از برجی که پس از کسوف بود در طول و عرض معدل بما بین السطرین برگیرند پس تفاوت میان هر دو طول
بدهند و در درجات جزو اجتماع ضرب کنند آنچه حاصل آید بر سی قسمت کنند تا حصه درجات جزو اجتماع بیرون آید پس اگر
اختلاف منظر برج کسوف کمتر از اختلاف برج عقب بود این حصه بروی زیادت کنند و الا کم کنند و بدان اختلاف
منظر عرض نیز همچنین کنند پس این طول را طول دوم گویند بدان طریق که آنرا دوازده قسمت کنند خارج قسمت نصف [illegible]
باشد آنچه حاصل شود بر آن افزایند و آنرا طول معدل خوانند پس اگر اجتماع پیش از نصف النهار بود طول معدل را
از موضع قمر کم کنند و اگر بعد از نصف النهار بود بروی افزایند قمر در وسط کسوف حاصل آید پس تقویم راس بوسط
کسوف از وی کم کنند حصة العرض شود باین حصة العرض عرض قمر بدانند در شمال و جنوب اگر جنوبی بود بر عرض انحراف
زیاده کنند و اگر شمالی بود کمتر از بیشتر نقصان کنند آنچه ماند یا شود عرض محکم باشد عرض قمر در طول جدول و بهت ماه
در عرض جدول اصابع جرم و اصابع قطر بردارند و ساعات سقوط معدل کنند بما بین السطرین و اصابع معدل کنند
باصابع سطح اما طول معدل در بست [illegible] ضرب کنند و بر بهت قمر قسمت کنند ساعات بیرون آید و آنرا از ساعات اجتماع
کم کنند اگر اجتماع پیش از نصف النهار باشد و بر وی افزایند اگر بعد از نصف النهار باشد آنچه شود یا ماند ساعات وسط کسوف
از وی زمان و جمیع کسوف معلوم کنند امثله کسوف در وقت نصف النهار که تعدیل ما بین السطرین و ما بین البرجین
در اختلاف منظر شد و خمس اختلاف منظر در دقایق النسب ضرب شد و بر وی افزوده و اختلاف عرض وسط کسوف بیرون آورده بر تقریب
شمسین ما د کب بهتها ا ٤ قمرین ب ا کا بهته لد ح بهت معدل ح ک بعد ماضی ١٤ ساعات بعد ٤ - نصف النهار م
ساعات اجتماع ٥ مه جزو اجتماع ما د ک طالع اجتماع - ک ٥ اختلاف طول برج کسوف در نصف النهار ح ب اختلاف طول معدل لد لا
بما بین السطرین حاصل ضرب اختلاف برج عقب معدل بما بین السطرین ح ٩ تفاوت حاصل ضرب - مه درجات

جزو اجتماع

جزو اجتماع ح ا در تفاوت خارج قسمت قسمت کنند حاصل ضرب را بر سی که حصه درجات معلوم شود
چون اختلاف منظر برج کسوف کمتر از اختلاف منظر برج عقب بود بر اختلاف برج کسوف افزودیم شد ٤ س
خمس اختلاف منظر طول ح ٤ خاصه معدله ب ٢ دقایق النسب ٩ حاصل ضرب اختلاف طول دقایق النسب ح د
اختلاف منظر معدل طول کا له سبق قمر له خارج قسمت اختلاف طول بر سبق قمر لط ساعات وسط کسوف د کا
اختلاف عرض معدل بما بین السطرین و ما بین البرجین و خمس تفاوت له لا تقویم راس ح م تقویم قمر وسط
کسوف ب ا ٤ حصة العرض ح کم عرض قمر شمالی ٤ ا جهتش از عاشر بسمت الراس جنوبی و عرض مرئی [illegible] و دیگر که
کسوف قبل از نصف النهار میشود تقویم شمسین [illegible] تقویم قمرین [illegible] بهت شمس ٤ نط بهت قمر [illegible] بهت معدل
[illegible] بعد مستقبل ٤ ظ ساعات بعد الو جزو البعد [illegible] جزو اجتماع این ٤ ح تقویم راس این ٤ [illegible] بعد جزو اجتماع
از عقده این الو ساعات نصف النهار [illegible] ساعات اجتماع گذشته از روز [illegible] اختلاف طول [illegible] اختلاف
عرض [illegible] خمس اختلاف طول [illegible] خمس اختلاف عرض [illegible] خاصه معدله [illegible] دقایق النسب [illegible] حاصل ضرب خمس اختلاف
طول در دقایق النسب [illegible] حاصل ضرب اختلاف عرض ٤ - اختلاف طول معدل [illegible] اختلاف عرض معدل [illegible]
سبق قمر [illegible] خارج قسمت اختلاف طول بر سبق قمر [illegible] دایر [illegible] مطالع جزو اجتماع بعرض شیراز [illegible] مطالع طالع
[illegible] طالع اجتماع [illegible] چون جزو اجتماع بطالع اقرب بود کم کردیم شد ساعات وسط کسوف [illegible] تقویم قمر
در زمان وسط کسوف [illegible] تقویم راس [illegible] حصة العرض این [illegible] عرض قمر [illegible] جهتش شمالی جهت عاشر از سمت الراس
جنوبی عرض مرئی [illegible] اصابع قطر [illegible] اصابع جرم [illegible] ساعات سقوط ٤ ل و چنانکه گفتیم ساعات وسط کسوف را
به موضع نهادیم و عمل تمام کردیم دایر بالنهار [illegible] مطالع جزو شمس ببلد [illegible] مطالع طالع [illegible] طالع وسط کسوف [illegible]

باب چهارم در بیان طالع سال و طریق عمل آن باعمال مختلفه و تسویة البیوت و طالع تحویل آفتاب
از برجی ببرجی و حظوظ کواکب و ضعف و قوت کواکب مشتمل بر [illegible] فصل فصل اول در طالع سال بعمل فضل الدور
بدانکه طالع سال جزوی بود که بر خط افق مشرق ببلد مفروض بود وقتی که آفتاب باول ثانیه حمل رسد و آن جزو
از هر برجی که بود آن برج طالع باشد بدان جزو [illegible] دانستن آن جزو را طریقها بسیار است اول فضل الدور است
و آن چنانست که فضل الدور را که برصد جدید فرح است بر مطالع طالع سال سابق افزایند مطالع سال لاحق
حاصل آید مثال مطالع طالع سابق یعنی مطالع سنبله [illegible] درجه و پنج دقیقه بود قنا [illegible] فضل الدور این
فرح مجموع هر دو مطالع طالع بود این [illegible] در عرض بلد شیراز معکوس کردیم شد طالع سال لاحق بجب
فضل الدور [illegible] فصل دوم در طالع سال بعد و بهت مشتمل بر دو عقد عقد اول بنگرند که در روز مفروض

چنین کنند در تعدیلات
اندک تفاوت میشود و معلوم
است که در کسوف خللی

آفتاب بحمل در آمده یا خواهد در آمد یا در عین نصف النهار رود آمد پس اگر در نصف النهار تحویل کند تقویم آفتاب ٤٤٤
بود روز نوروز همان روز بود پس شش ساعت نصف النهار بود و آن شش ساعت را در اجزای ساعات یعنی پانزده ضرب کنند
حاصل ضرب دایر باشد و او نیز مطالع طالع است در جدول مطالع البروج عرض بلد مطلوب مقوس کنند طالع حاصل
آید و اگر قبل از نصف النهار تحویل خواهد شد همان روز نوروز باشد و اگر بعد از نصف النهار شود و اگر چه یک دقیقه
باشد روز دیگر که بعد از تحویل است نوروز خواهد بود و بواسطه تحویل میرزای شهید میفرماید در باب بیست و دوم از مقاله
دوم که عدد ساعات را در اجزاء ساعات ضرب کنیم تا دایر معلوم شود و بعد از آن دایر را بر مطالع نظیر جزو آفتاب
بوقت غروب افزاییم اگر ساعات از اول شب باشد تا مطالع طالع حاصل شود و چون مطالع طالع را در جدول
عرض بلد مطلوب مقوس کنند طالع مطلوب شود **حل** بدانکه چون ساعات و دقایق تحویل معلوم شد عدد ساعات تحویل را
در اجزای یک ساعت حقیقی ضرب کنند تا دایر معلوم شود و مرفوع مرتبه هر یک را بشصت گیرند و بعد از آن مطالع جزو
آفتاب را از بلد مطلوب بردارند یعنی بحسب برج و درجه و دقیقه آفتاب مطالع بردارند و چون دقیقه که اجزاء
درجه است میرزای شهید عمل نفرموده برج جزو در بالای جدول عرض مطلوب و درجه جزو در یمین جدول طلب کرده
و در ملتقای هر دو مطالع بردارند و تفاضل میان مطالع آن درجه و درجه بعد از آن بگیرند و در دقایق که با درجه جزو
بود ضرب کنند و حاصل ضرب بر مطالع آن درجه افزایند جنس بر جنس افزایند تا مطالع درجات و دقایق جزو
آفتاب حاصل آید اگر ساعات تحویل از اول روز بود و چون دایر را با مطالع جزو آفتاب جمع کنند مطالع طالع حاصل
آید و اگر تحویل شب بود عدد ساعات تحویل از اول شب در اجزای ساعات ضرب نمایند بطریقی که مذکور شد و با مطالع
نظیر جزو آفتاب یعنی برج هفتم جزو آفتاب بهمان درجه و دقیقه مطالع بردارند بطریقی که مذکور شده و با دایر جمع
کنند مطالع طالع باشد و در جدول عرض بلد مقوس کنند تا طالع معلوم گردد و گاه باشد که عمل بعد و بهت با عمل اوج و مرکز
اگر رفع کنند موافق نیاید میباید که رفع نکنند تا درست آید چنانکه در مثال نموده میشود **مثال** مطالع طالع بجیب اوج
و مرکز و جیب قوس **شطر** و بجیب تقویم بعد و بهت و قسمت تقویم بدینطریق گرفتیم که شمسین ٤٤٤ بعد تمامی **ل**
بعد مستقبل **کس** بهت **نط** نصف النهار **ره ٤** ساعات بعد تمامی **ل** و بعد مستقبل **ح ن** ساعات تحویل **ط ح** دایر **قلو** مطالع
نظیر شمس **قفـ** مطالع طالع **شو** سه درجه تفاوت کرده و چون رفع نکنند چنین میشود شمسین ٤٤٤ بهت **نط**
بعد تمامی **ره** بعد مستقبل **کالو** چون بهت معدل ما در مجموع بعدین بود پس بعد تمامی در بیست و چهار ضرب کردیم شد
لو و بر بهت قسمت کردیم شده **مه** پس ساعات تحویل **ط ٤** باشد نصف النهار مقدم **نط** عدد ساعات را در اجزای
ساعات ضرب کردیم شد دایر **قلط** با مطالع نظیر جزو آفتاب که بود **قفـ** جمع کردیم شد مطالع طالع **سلط ل**

بر مطالع بلد جزو آفتاب بوقت طلوع افزاییم اگر ساعات از اول روز باشد در مطالع صح

	ی	٩
	و ھ	٩ یه
٩	کا ٨	
مه	لو	
ن	ط	

یا	٨	
ـ / ھ	١ / ٤	٩
٤ / کس	٤ / ٢	ـ
ـ / لو	١ / ٨	لو
١ ـ ند ٤ لو		

پس بانطریق موافقت بعد و بهت با اوج و مرکز حاصل شد و ما مثالی چند بگوییم که مبتدی را تبصره باشد **مثال**
تحویل شمس بحمل در سال مذکور شب چهارشنبه بیست و سیم شهر ربیع الاول سنه **۱۲۰۸** بعد **یا** عدد ساعات را در اجزاء
یک ساعت حقیقی ضرب کردیم بدینصورت مرفوع مرتبه را بشصت کردیم شد دایر **سه نه** جزو مطلوب یعنی تقویم آفتاب
در وقت تحویل **٤٤٤** نظیر جزو آفتاب **و ٤ یا** چون تحویل در شب بود مطالع نظیر جزو آفتاب گرفتیم بود این **قفـ ٤**
دایر را با او جمع کردیم شد مطالع طالع این **رس نه** در عرض بلد **ل** مقوس کردیم محاذی **که** درجه عقرب **رمد نح** بود
سی و چهار دقیقه در جدول **عـ** ستینی گرفتیم **٥** شد و این دقایق طالع باشد پس از **که** درجه طالع یکدرجه آوردیم
و بشصت دقیقه گرفتیم و بیست و هشت از وی نقصان کردیم شد طالع **د لو ز عقرب دوم** در نوع دیگر از بعد
و بهت میرزای شهید میفرماید در باب مذکور که بر مطالع فلک مستقیم جزو آفتاب بنصف النهار مقدم ابتدا
از اول جدی افزاییم اگر ساعات بعد تمامی باشد و از مطالع مذکور بنصف النهار مؤخر نقصان کنیم اگر ساعات
بعد مستقبل باشد حاصل یا باقی مطالع طالع باشد **حل** بدانکه در اینصورت عدد ساعات گذشته از نصف النهار تا وقت
تحویل در اجزای ساعات مستوی یعنی **ه** ضرب کنند اگر تحویل بعد از نصف النهار باشد و عدد ساعات از وقت تحویل
تا نصف النهار را در اجزای ساعات ضرب کنند اگر تحویل پیش از نصف النهار باشد حاصل ضرب دایر است و دایر را
بر مطالع فلک مستقیم جزو آفتاب بنصف النهار مقدم یعنی مطالع تقویم نصف النهار از اول جدی می افزایند
اگر تحویل بعد از نصف النهار میشود و میکاهند اگر قبل از نصف النهار تحویل باشد حاصل یا باقی مطالع تحویل بود
و چون در مطالع عرض بلد مطلوب مقوس کنند طالع حاصل آید و درین نیز مثالی بگوییم **مثال** ساعات نصف النهار
در روز تحویل **یا** و چهار ساعت و یازده دقیقه تحویل میشود و بعد از نصف النهار تا تحویل این **ه یا** ساعات
و دقیقه میشود در **ه** ضرب کردیم بدینصورت دایر **قفـ مه** تقویم آفتاب بنصف النهار مقدم **یا کطله** مطالع
او را از فلک مستقیم از اول جدی **قط له** با دایر جمع کردیم چون تحویل **له** بعد از نصف النهار بود یعنی بعد تمامی
بود شد مطالع طالع **رس کد** این را در عرض بلد مقوس کردیم شد طالع سال مذکور **دکولہ** **فصل سیم**
در طالع سال بجیب اوج و مرکز میرزای شهید میفرماید که اوج در آن روز از موضع تحویل بکاهیم تا مرکز معدل
باقی ماند و باستقرا مرکز غیر معدل یعنی مرکز که چون تعدیل بر او افزایند همان مرکز معدل شود حاصل کنیم الخ
حل بدانکه اوج آفتاب که آنرا بعد ابعد گویند در وقت تحویل از زیج استخراج کنیم تحویل دایما **٤٤٤٤**
باشد یعنی حمل بصفر درجه و صفر دقیقه و صفر ثانیه و صفر اول که علامت برج است بدوازده میکنند و از آن
یکی برآورند و بجای صفر درجه سی میکنند و از آنجا یعنی از سی درجه یکی برآورند بجای صفر دقیقه و بشصت میکنند

ودقیقه فاضل بود تفاضل میان ... و بیست و چهار درجه ... قوس صح

یا	٧	٥	
ھ	ـ	ـ / ل	٩

قفـ مه

وارد دقیقه یکی مراورند بجای صفر ثانیه و شصت میگیرند بدینصورت ما کط نط س پس اوج وقت تحویل در تحت
حوت به بیست و نه درجه و پنجاه و دو دقیقه و شصت ثانیه نوشتیم و اوج از آن نقصان کردیم مرکز غیر معدل
حقیقی باقی ماند و باستقرا مرکز حاصل میکنند که چون تعدیل بر وی افزایند مرکز معدل حقیقی شود و طریق استقرا
آنست که از جدول تعدیل آفتاب بامرکز معدل تعدیل بگیرند و چون مرکز معدل زیاده از شش برج بود تعدیل را
از وی بکاهند باقی را مرکز حادث خوانند پس بمرکز حادث تعدیل بگیرند و بر او یعنی بر مرکز حادث افزایند
تا مرکز دیگر حاصل شود و آنرا مرکز حاصل اول خوانند تفاوت میان مرکز حاصل اول و مرکز معدل بگیرند اگر مرکز
حاصل زیاده از مرکز معدل باشد تفاوت را از مرکز حادث بکاهند و اگر کمتر از مرکز معدل بیش تفاوت را بر مرکز
حادث افزایند مرکز حاصل ثانی بود و بمرکز حاصل ثانی تعدیل بر گیریم اگر با تعدیل مساوی مرکز معدل باشد مرکز حاصل
ثانی مرکز تحویل باشد پس مرکز نصف النهار بر تحویل که معدل بتعدیل الایام کرده باشند از وی نقصان کنند و باقی
از جدول دقایق الحصص مابین المرکزین را بر گیرند آنچه یابند و از برشد پس مطالع جزو شمس بفلک مستقیم از اول جدی
نصف النهار مقدم با وی جمع کنند مطالع طالع حاصل آید و ما درین عمل نیز مثالی بگوییم که باعث زیادتی بصیرت
مبتدی شود **مثال** موضع آفتاب در وقت تحویل **۴۴۴** اوج در نصف النهار مقدم بر تحویل **کو ه ج** و موضع
تحویل از دور رفتیم همچنانکه از پیش گفتیم شد **ما کط نط** اوج وقت را از وی نقصان کردیم شد مرکز **ح کو ند نو**
تعدیل از جدول تعدیل آفتاب بر داشتیم شد **ح نا** چون مرکز معدل زیاده بر شش برج بود تعدیل از وی
نقصان کردیم شد مرکز حادث اول **ح کج کو** تعدیل **ح نا ط** دیگر بار بر مرکز حادث میباید افزود تا مرکز حاصل اول باشد
ح کو ند له تفاوت میان حاصل اول و مرکز معدل بود و این **۴۴۴ یا** چون مرکز حاصل اول کمتر از مرکز معدل بود
تفاوت را بر مرکز حادث اول افزودیم شد مرکز حادث ثانی **ح کج ل** باین مرکز تعدیل گرفتیم بود **ح نا ط** چون تفاوت
میان مرکز حاصل ثانی و مرکز معدل بقدر تعدیل است پس مرکز حاصل ثانی مرکز تحویل باشد مرکز نصف النهار
مقدم بر تحویل و اما حرکت یکروزه مرکز از نصف النهار تا تحویل که بود **ح ل** کم کردیم شد مرکز نصف النهار مقدم بر
تحویل **ح کد له** تعدیل الایام **۴۴۴ نط** از مرکز تحویل نقصان کردیم **ح کح** در جدول دقایق الحصص مابین المرکزین
بازای **که** بود **قمو** و بازای **ح** برداشتیم بود **ح له** جمع کردیم شد و این **فنه** جزو آفتاب
بنصف النهار مقدم **ما کط له** مطالعش بفلک مستقیم من اول الجدی **فط لو** با وی جمع کردیم شد مطالع طالع
ذم لو در جدول عرض بلد مقوس کنیم شد طالع بحسب اوج و مرکز **ذ کد** **فصل چهارم** در عمل جیب
و قوس میرزای شهید میفرماید غایت تعدیل را که برصد ما هست **انه نح** از مرکز معدل بکاهیم تا مرکز

مرکز نصف النهار معدل بتعدیل
الایام **ح کم یا نح** صح

معدل حقیقی بماند پس جیب او را در مابین المرکزین که برصد ما **ـ اه** هست منحط ضرب کنیم و بحاصل از
جدول جیب قوس برگیریم و آنرا اگر مرکز معدل حقیقی کمتر از شش برج باشد بر او افزاییم و الا بکاهیم آنچه
ماند یا برآید مرکز معدل بود **حل** بدانکه بطریقی که در اوج و مرکز گفته شده مرکز معدل حاصل کنند و غایت
تعدیل از وی کم کنند تا مرکز معدل حقیقی حاصل شود و چون در وقت تحویل زیاده از نصف دور باشد و کمتر از سه
ربع دور نصف دور از وی نقصان کنیم باقی قوس باشد و مجنس کنند یعنی برج را بدرجه کنند و باین قوس ...
جدول جیب برگیرند و این جیب را در مابین المرکزین منحط ضرب کنند حاصل ضرب جیب ... و باین جیب
از جدول جیب قوس برگیرند و آنرا اگر مرکز معدل حقیقی کمتر از شش برج باشد بر او افزاییم و الا بکاهیم آنچه ماند
یا برآید مرکز تعدیل بود پس اگر مرکز تحویل اوج و مرکز و جیب و قوس یکی باشد مطالع طالع هر دو یکی بود
و اگر تفاوت داشته بیش باقی اعمال مثل اوج و مرکز عمل تمام نمایند و درین نیز مثالی بگوییم **مثال** مرکز معدل **ح کو ند نو**
غایت تعدیل **انه نح** غایت تعدیل را از مرکز معدل کاستیم شد مرکز معدل حقیقی **ح کد نط** و چون زیاده
از نصف دور و کمتر از سه ربع دور بود نصف دور را از وی نقصان کردیم شد قوس **کد نط** مجنس او بود **نط**
ند نط ح و این قوس منحط از جدول قوس جیب گرفتیم بود این و این جیب قوس منحط باشد **نط مو ح** و این
جیب را در مابین المرکزین که بود **ـ اه** منحط ضرب کردیم بدینصورت **ـ یا** نبر این جیب قوس
برداشتیم بود **اه ک** و چون از شش برج و از اوج و مرکز معدل حقیقی بیشتر بود کاستیم شد مرکز تحویل
ح کح ل و چون مرکز تحویل اینجا موافق مرکز تحویل و اوج و مرکز بود محتاج بباقی اعمال نشدیم **فصل پنجم**
در تسویة البیوت بدانکه چون طالع محقق شد متقدمان بروش نظم طبیعی دوم و سیم طالع گفته اند
اما متأخرین سخن درین را ایهام باریک زده اند چنانکه جهت تسویة البیوت کنند قیام بروج از نظم
طبیعی ... تا بجهت رکن کرد و دوم کرد در یکبرج ... بمعنی ... بفلک مستقیم است و درین ... نظر تقریبا
بسیار است و مشهورتر اینست که چنین مطالع طالع را در جدول قبه مقوس کنند مرکز عاشر باشد
و اگر نود درجه از مطالع طالع کم کنند و در جدول فلک مستقیم من اول الحمل مقوس کنند عاشر حاصل
آید و نظیر طالع سابع و نظیر عاشر رابع و قوس النهار درجه طالع باین طریق باید گرفت که مطالع درجه
طالع از مطالع نظیر او درجه بلد نقصان کنند آنچه ماند قوس النهار درجه طالع بود و چون سدس
قوس النهار درجه طالع را بر مطالع طالع بلد افزایند مطالع دوازدهم ... قوس النهار
حاصل مطالع یازدهم بود و همانرا بر مطالع طالع بلد افزایند مطالع دوازدهم بود ...
یازدهم افزایند حاصل

نط	مو	ح	
[illegible]	[illegible]	ا	
نط	٤	٤	ا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	
نطم	[illegible]	[illegible]	ح

ا ه ند له
ـ ٤٠ دل ه

بهر نوع که باشد
برج دوم و سیم

النهار و در مقالهٔ ثالثه در فصل ششم از باب اول ذکر خواهیم کرد و سدس دور بر مطالع دوازدهم افزایند حاصل مطالع دوم بود و ثلث دور بر مطالع یازدهم افزایند مطالع سیم بود و چون از مطالع اینها در مطالع البروج بالقبه مقوس کنند درجات هر یک معلوم شود و نظیر این چهار خانه باقی بود و بر صاحبان فطنت مثال این پوشیده نبود لهذا یاد ندادیم **فصل ششم** در طالع تحویل آفتاب بهر برج بدانکه ساعات تحویل را در **ه** ضرب کنند و با مطالع جزو آفتاب بلد جمع کنند تا مطالع طالع باشد و چون در عرض بلد مطلوب مقوس کنند طالع تحویل بود و چون اینها درین باب بسیار گفته ایم هر کس که مطالعه اینها میکند درین فصل احتیاج بمثال نمی‌شود **فصل هفتم** در حظوظ کواکب و ارباب بیوت و شرف و حدود و وجوه و مبتز و مستولی و مستعلی و انکاث و حیز و نقل النور و قبول و انکار و دفع طبیعت و دفع قوت و منع و اعراض و قطع و مراوده و خلاء السیر و وحشی السیر و جدول الاختیارات مشتمل بر سه عقد

عقد اول در ارباب بیوت و شرف و حدود و وجوه بدانکه بهد خانهٔ آفتاب است و سرطان خانهٔ ماه و جدی و دلو خانهای زحل و قوس و حوت خانهای مشتری و حمل و عقرب خانهای مریخ و ثور و میزان خانهای زهره و جوزا و سنبله خانهای عطارد و ما جدولی جهت سهولت ارباب بیوت و شرف و حدود و وجوه بیاورده ایم که محتاج بدان تا نظر کنند بیابند

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حمل	مریخ	شمس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ثور	زهره	قمر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
جوزا	عطارد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سرطان	قمر	مشتری	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اسد	شمس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنبله	عطارد	عطارد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
میزان	زهره	زحل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عقرب	مریخ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
قوس	مشتری	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
جدی	زحل	مریخ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دلو	زحل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حوت	مشتری	زهره	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

عقد دوم

عقد دوم در بیان مبتز و مستولی و مستعلی **اما** مبتز الکوکب است که در صورت طالع او رتبه بود بقوت های ذاتی یا عرضی و قوی تر آن بود که صاحب طالع در طالع بود یا صاحب شرف طالع در طالع باشد یا ارباب حظوظ دیگر یا صاحب عاشر در عاشر یا صاحب شرف در وی باشد و همچنین سابع و خامس و تاسع **اما** اگر کوکب قوتهای ذاتی دارد و از طالع ساقط باشد ابتزاز او را باشد اما وقتی باشد که چند کوکب شایسته بوند با بتزازیت قوی تر را مقدم دارند و دیگر از اشریک او کنند و بدانکه مدار کلی احکام طالع بر مبتز باشد و بعد از آن مستولی و بعد از آن صاحب اگر الاتی بود بعد از آن هر کوکبی که ناظر بود و آنچه ابتزازیت را باطل کند بدانکه صلاحیت ابتزاز کواکب بنحوست و احتراق و رجعت و درجه هبوط باطل میگردد و این قول صاحب کفایة التعلیم اما صاحبان گویند که اگر کوکبی در وبال یا هبوط بود مبتز باشد چون در طالع یا عاشر یا حادی عشر یا تاسع بود یا نظر بیشتر از کواکب بد و بود مبتز باشد و کوکب راجع و محترق هرگز مبتز نگردد اگرچه در طالع یا عاشر بود و بنظر سعود **اما** مستولی الکوکب باشد بر موضعی از دوازده خانه طالع که در حظ خود بود از آنچه باز نموده ایم در حظوظ یا ناظر بود بر جزو مطلوب و اگر هر پنج ارباب حظوظ در برج مطلوب بوند یا ناظر باشند زیادت ترین بشهادت مقدم بوند در استیلا و دیگران شریک او و اگر چهار یا سه یا دو باشند آنرا که سعادت زیادتر بود مقدم دارند اما اگر هیچ کوکب از ارباب حظوظ در انخانه نبود یا ناظر نباشند آن جزو را مستولی نبود و اگر غریب در انخانه بود آنرا مستولی گویند و دلیل آن برج خوانند اگرچه در انخانه ضعیف و بی قوت بود اما اصحاب احکام را اعتماد بر مستولی بود بعد از مبتز بر همه اجزاء فلک نه بر صاحب بیت خاصه که صاحب بیت ساقط افتاده باشد **اما** مستعلی الکوکب بود که در وقت قران بذروهٔ فلک تدویر یا باوج خود نزدیکتر بود یا عرض او در شمال بیشتر از کوکب دیگر بود یا کوکبی که در عاشر افتاده بود و او را مستعلی بود بدانکه در حادی عشر یا ثانی عشر طالع افتاده بود و مدار احکام در قران بر کوکب مستعلی بود و بر کوکب مستولی و مبتز بر جزو قران **عقد سیم** در انکاثات و حیز و نقل النور و جمع النور و قبول و انکار و دفع طبیعت و دفع قوت و منع و اعراض و قطع و مراوده و خلاء السیر و وحشی السیر و جدول اختیارات **اما** انکاث حضرت محقق الطوسی در سی فصل تقویم فرموده که باشد که کوکبی بکوکبی متصل شود بر سبیل نظر با تناظر و پیش از اتمام آن اتصال باطل شود بسبب رجوع یا بطوء کوکب متصل یا بسبب استقامت و اقامت الکوکب که اتصال باو واقع شود یا بسبب سرعت سیر او آن باطل شدن را انکاث گویند و با نیرین انکاث نیفتد **اما** حیز آنست که کوکب نهاری بروز فوق الارض و بشب تحت الارض و کوکب لیلی بر عکس آن باشد **اما** نقل النور آنست که کوکب سبکرو کوکب گرانرو ببیند و پیش از و تمام منصرف شده باشد

دیگر را بیند پس کوکب اول بثلث دهد اگرچه هردو کوکب از یکدیگر ساقط باشند واین بمثابهٔ اتصال بود میان دو کوکب
اما قبول وانکار وقابل تدبیر نیز گویند بدانکه قبول دو نوعست یا مطلق ویا مقید اما مطلق آنست که کوکبی
بصاحب حظی پیوندد از حظوظ چنانکه قمر از حوت بمشتری یا مشتری از میزان بزحل پیوندد وصاحب حظ آن اتصال را
ازان کوکب قبول کند اگرچه بنظر عداوت بیند وبدان منزلست که کسی فا بپا از خانهٔ او یا از جایی از جایهای او
جای رساند ومقید آنست که مشتری شمس وزهره وعطارد را قبول کند به اتصال چون تربیت وشرف او باشند
وقمر را قبول کند به اتصال در هر برجی که باشد وتحس از برج حظی کوکبی را قبول نکند مگر بیت یا شرف مثال
طالع کسی که اول سنبله است ومریخ در پانزدهم درجهٔ جوزاست که عاشر است وبسبب بودن او در عاشر ممتزج است
اگرچه او را درانجا حظی نیست ومشتری در پنج درجهٔ قوس پس بدان سبب که در خانهٔ خود است هم ممتزج است اگرچه در
اثول وتدهاست وزهره در ده حوت است وبدان سبب که در شرف خود است هم ممتزج است اگرچه در وتد ضعیفست
ودیگر کواکب از زهره ومریخ واز طالع ساقط اند بدان سبب که در دلو اند وچون زهره نور مشتری نقل میکند ومریخ
میدهد ومریخ در بهترین وتدهاست مریخ قوی‌تر ممتزج است بدان سبب که قابل تدبیر زهره ومشتری است پس زهره
که وتد او قوی‌تر است پس مشتری که وتد او ضعیف‌ترست واین مثال امتزاجیت وقابل تدبیر هردو بود که درینجا باز نمودیم
ودر احکام نظر دوستی قابل تدبیر دلیل بود بر آمدن حاجات ویافتن مرادات وتمام محبت میان دو کس وما این را
در زایچه باز نمودیم تا بر مبتدی آسان گردد ان شاء الله تعالی اما اثنی عشریه وآن چنان بود که هر برجی را بدوازده قسمت کنند
هر قسمی دو درجه ونیم قسم اول را بصاحب برج دهند وقسم دوم را بصاحب برج بعد از او
وبدین ترتیب تا تمام قسام را بصاحبان بروج دوازده گانه بدهند واگر کوکبی یا دلیلی
دیگر در برجی بود بشمر درجه ودقیقه چندانکه از برج قطع کرده باشد دو درجه ونیم از المقدار حصه
همان برج بود ودو درجه ونیم دیگر حصه برجی که بعد از وی بود تا انجا که کمتر از حصه برجی ماند
از المقدار پس هر درجه دوازده درجه وهر پنج دقیقه را یکدرجه وهر دقیقه را دوازده دقیقه
حساب کرده از برجی که نوبت باو رسیده باشد انجا که برسد موضع اثنی عشر آن کوکب یا آن دلیل بود
اما طریق برداشتن دوازده بهر از این جدول چنانست که هر برج که خواهند که اثنی عشریه
آن معلوم کنند درجات آن برج بیابند وآن درجه را در دوازده ضرب کنند وحاصل را بر سی
قسمت کنند آنچه حاصل آید بازای عدد خارج قسمت از جدول همان برج پیدا کنند در تحت هر کوکب که باشد
اگر کوکب حاصل اثنی عشریه بود مثلا هفده درجه سنبله در دوازده ضرب کردیم رکد شد بر سی قسمت کردیم شد و

واین نشان صاحب برج هفتم است از سنبله پس ز درین جدول سنبله یافتیم در تحت مشتری نوشته
بود پس دوازده بهر هفده درجه سنبله مشتری باشد وصاحب برج هفتم است از سنبله است واین عمل را اوبر
استخراج ضمایر بکار دارند هرجا که اثنی عشریه طالع وقت افتد ضمیر آنجا باشد واین بجای نظیر طالع است
اما اثنی عشریه کواکب را اگر خواهند تا کواکب در هر برجی که بود چند درجه قطع کرده است آن درجات را در دوازده
ضرب کنند و سی سی از برج کوکب طرح کنند انجا که کمتر از سی ماند اثنی عشریه کوکب انجا باشد مثال
زهره در برج حمل چهارده درجه وچهار دقیقه پس از ضرب چهارده در دوازده صد وشصت وهشت درجه حاصل آید
واز چهار دقیقه در دوازده چهل وهشت دقیقه حاصل آید این اعداد را از برج حمل سی سی طرح کردیم برسید
حساب بهژده درجه وچهل وهشت دقیقه از برج سنبله اما اگر همین یازده درجه را انجا برج دهند چنانکه هر یک
از حمل وثور وجوزا وسرطان دو درجه ونیم دهند ودیگر درجه باقی را دوازده وچهار دقیقه را چهل وهشت دقیقه کرده از سنبله رسد بقاعده اول وجدول است

جدول اثنی عشریه بروج وصاحبان آن

اثنی عشریه دقائق						اثنی عشریه درجات																				بروج
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		
طه	و	دس	لا	دس	و	٤س	ا	دس	٩	٤س	ا															
کہ	ل	کہ	ل	کہ	ل	کہ	-	دکہ	ل	٤کہ	-		ا	یب	یا	ی	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	الحوت
لو	٤ل	لو	ا	لو	٤ل	لو	ح	دو	٤ل	او	ح		ب	ا	یب	یا	ی	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	الدلو
٤ط	ط	٤ح	لد	٤ح	ط	٤ا	ه	ب٤	ط	آ٤	ه		ج	ب	ا	یب	یا	ی	ط	ح	ز	و	ه	د	الجدی
٤ب	ه	٤ب	لد	٤ه	کو	٤ا	ه	٤ح	کو	٤ـ	ه		د	ج	ب	ا	یب	یا	ی	ط	ح	ز	و	ه	القوس
س	یا	س	لو	س	کا	س	و	سح	کا	سـ	و		ه	د	ج	ب	ا	یب	یا	ی	ط	ح	ز	و	العقرب
کہ	ی	کہ	ل	کہ	ک	کہ	د	کہح	ک	کہـ	د		و	ه	د	ج	ب	ا	یب	یا	ی	ط	ح	ز	المیزان
لو	یز	لو	ل	لو	یا	لو	ح	طد	یا	حد	ح		ز	و	ه	د	ج	ب	ا	یب	یا	ی	ط	ح	السنبله
٤ب	ید	٤ب	لا	٤ه	کد	٤ا	ط	٤ط	لد	٤ح	ط		ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا	یب	یا	ی	ط	الاسد
٤یا	یا	٤ح	ع	٤ه	کا	٤ـ	ب	٤ب	کا	٤ه	ب		ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا	یب	یا	ی	السرطان
س	نو	س	یا	س	کو	س	یا	سح	کو	سه	یا		ی	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا	یب	یا	الجوزا
کہ	ن	کہ	ب	کہ	ل	کہ	س	کہح	ل	کہه	س		یا	ی	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا	یب	الثور
لو	ی	لو	یز	لو	یا	لو	یز	یاو	یا	دو	یز		یب	یا	ی	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا	الحمل
٤یا	نا	٤ب	ید	٤ه	لا	٤ـ	ه	٤یا	لا	٤ه	ه		٤	ل	٤	ل	٤	ل	٤	ل	٤	ل	٤	ل	دقیقه
٤س	س	٤ط	٩	٤و	ل	٤ح	٩	٤ید	ل	٤و	٩	لد	ل	کز	که	کب	ک	یز	یه	یب	ی	ز	ه	ب	درجه

الاختیارات	ع	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	یا
ضیافت	حو	د	حو	حو	د	ه	حو	د	ه	د	ه	حو
ریاضت نفس	د	د	ه	د	د	حو	حو	د	حو	د	حو	حو
وقفنامه نوشتن	د	حو	ه	د	حو	حو	ه	ه	حو	د	حو	حو
معالجه دموی	حو	د	حو	ه	حو	د	حو	ه	حو	د	حو	ه
تعلیم موسیقی	د	حو	حو	ه	د	حو	حو	د	حو	د	حو	ه
مناظره علمی	د	د	د	حو	د	حو	ه	د	حو	د	حو	حو
معالجه صفراوی	حو	د	ه	د	حو	د	ه	د	حو	د	ه حو	ه حو
امانت نهادن	حو	د	حو	حو	د	ه	حو	د	حو	ه	د	حو
وضع خراج بر ولات	حو	د	حو	د	حو	حو	د	ه	ه	د	حو	حو
طلب گریخته	حو	د	حو	حو	د	ه	حو	د	ه	ه	د	حو
شراب خوردن	د	حو	حو	حو	د	د	حو	د	د	د	د	حو
دعوا کردن	د	د	حو	حو	د	د	حو	د	حو	د	د	د
معشوقه گرفتن	د	ه	حو	د	حو	ه	حو	د	حو	د	د	حو
معالجه سوداوی	ه	حو	د	ه	ه	حو	د	ه	ه	حو	د	ه
ابتدای کارها	حو	حو	حو	ه	حو	حو	ه	د	حو	د	ه	حو
خضاب کردن	ه	حو	د	ه	حو	د	د	حو	د	ه	حو	د
آموختن صنعتها	د	حو	حو	د	د	حو	د	د	حو	د	د	حو
بجنگ رفتن	حو	د	ه	د	ه	د	حو	حو	حو	حو	حو	حو
فطام اطفال	د	حو	ه	حو	د	حو	ه	حو	د	حو	ه	حو
عقد میثاق	ه	حو	ه	ه	حو	حو	د	ه	حو	د	حو	حو
در شهر شدن	د	حو	ه	د	حو	حو	د	ه	ه	ه	حو	ه
زراعت	د	حو	ه	حو	د	حو	ه	حو	د	حو	حو	حو
ضیاع خریدن	د	حو	حو	ه	حو	حو	حو	د	ه	ه	حو	حو
عهد بستن	د	حو	حو	حو	حو	حو	حو	د	ه	ه	حو	حو
رضاع اطفال	حو	حو	حو	حو	ه	حو	حو	د	حو	حو	ه	حو
بار سفر بستن و کشتن	ه	حو	حو	حو	د	حو	حو	د	حو	د	د	ه
سفر خشکی	حو	ه	حو	حو	د	حو	ه	د	حو	حو	د	حو
سفر دریا	ه	د	حو	حو	د	حو	ه	د	د	ه	د	حو
آب دادن طفل	د	ه	ه	حو	د	حو	حو	د	حو	حو	د	حو
لشکر بجنگ فرستادن	حو	حو	حو	حو	حو	د حو	حو	حو	حو	حو	ه	حو

	ع	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	یا
ستور خریدن	خو	خو	خو	د	خو	ه	د	د	خو	د	خو	خو
غرس اشجار	د	خو	د	خو	د	خو	د	خو	د	خو	خو	خو
ختنه و خصی کردن	خو	د	خو	د	خو	د	خو	د	خو	د	خو	د
معالجه چشم	د	د	خو	د	ه/د	ه	خو/د	د خو	خو/ه	د	خو	خو
تجارت	خو	د	خو	خو	د	خو	ه	د	خو	د	د	خو
بر اسب نو سوار شدن	خو	د	خو	خو	د	د	د	د	خو	د	د	خو
طلب فرزند	خو	خو	خو	خو	ه	ه	خو	د	خو	د	خو	خو
نقل و تحویل	د	خو	خو	د	خو	ه	د	د	خو	د	د	خو
بنده آزاد کردن	خو	د	خو	خو	د	د	ه	د	خو	د	خو	ه
موی ستردن	د	د	خو	خو	خو	د	خو	خو	خو	د	ه	خو
زفاف	د	خو	خو	د	خو	ه	ه	د	خو	د	خو	خو
فرزند بمکتب فرستادن	ه	د	خو	خو	د	خو	ه	د	خو	د	خو	خو
کودک بگهواره بستن	خو	د	ه	خو	د	ه	خو	د	ه	د	د	خو
اجاره کردن	ه	خو	خو	ه	خو	خو	ه	د	خو	د	ه	خو
بجلوس سلطنت	د	خو	ه	د	خو	خو	ه	خو	خو	د	ه	د
بر تخت نشستن	ه	خو	د	د	خو	ه	د	د	ه	د	ه	ه
بعیش و نشاط شدن	د	خو	ه	خو	د	ه	خو	د	د	ه	د	ه
زرینه ساختن	خو	ه	ه	د	خو	خو	خو	د	خو	د	د	ه
بذره نهادن	د	د	ه	خو	د	د	ه	خو	ه	د	ه	خو
بکشتی نشستن	خو	خو	خو	خو	ه	خو	خو	د	ه	د	ه	خو
تعلیم سباحت	د	د	خو	خو	د	خو	د	ه	خو	د	د	خو
عمل و حکومت کردن	ه	خو	د	د	خو	د	د	د	خو	د	د	خو
تخم افشاندن	ه	خو	خو	خو	ه	خو	خو	خو	د	خو	ه	ه

	ع	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	یا
نام نهادن	د	خو	ه	د	خو	ه	د	خو	ه	د	خو	ه
کاریز کندن	د	خو	د	خو	د	خو	ه	خو	د	خو	خو	خو
املاک خریدن	د	خو	خو	د	خو	خو	د	خو	د	خو	خو	خو
امتعه خریدن بجهت تجارت	ه	د	خو	خو	د	ه	ه	د	خو	خو	خو	ه
معالجه بیمار	خو	خو	ه	خو	خو	د	د	خو	د	د	د	خو
کار آتش کردن	خو	د	خو	د	خو	د	خو	د	خو	د	خو	د
حاجت خواستن	د	خو	ه	د	خو	خو	د	د	ه	د	خو	خو
شروع در عمل	ه	خو	ه	د	خو	خو	د	د	ه	خو	خو	ه
بیع و شری	ه	خو	خو	خو	د	خو	د	د	خو	د	د	خو
قرض کردن	خو	ه	خو	خو	د	خو	خو	د	د	ه	د	د
قرض دادن	ه	خو	ه	د	خو	ه	د	خو	خو	د	خو	ه
دیدار خواجه کان	د	د	خو	د	ه	خو	ه	د	خو	د	د	خو
دیدن قضات	د	د	خو	د	ه	خو	ه	د	خو	د	د	خو
دیدن اهل سلاح	ه	د	د	د	خو	ه	د	خو	خو	خو	ه	ه
دیدن ملوک	خو	خو	ه	ه	خو	خو	خو	د	خو	د	د	خو
نو بریدن و پوشیدن	خو	د	ه	خو	د	ه	خو	د	خو	خو	د	خو
فصد و حجامت	خو	د	د	د	خو	د	خو	د	ه	د	خو	د
دارو خوردن	د	د	ه	د	د	د	ه	خو	خو	د	ه	خو
سفر کردن	خو	د	خو	خو	د	خو	خو	د	د	د	د	خو
بنا و بنیاد نهادن	د	خو	ه	د	خو	خو	د	د	خو	ه	خو	خو
دخول شهر و بلد	د	خو	ه	د	خو	خو	د	د	خو	د	خو	خو
بنده خریدن	د	خو	خو	د	ه	خو	خو	د	خو	د	خو	خو
زینت ساختن	خو	خو	ه	ه	خو	ه	خو	د	ه	د	د	ه
ابتدای تعلیم و کتاب	ه	د	خو	ه	د	خو	خو	د	خو	د	خو	خو
نامه و رسول فرستادن	خو	د	خو	ه	د د	خو ه	خو	د خو	خو	د	د	خو
تزویج	د	خو	خو	خو	خو	ه	د	د	خو	ه	خو	خو
جوی و کاریز کندن	د	ه	د	د	د	ه	ه	خو	خو	ه	خو	خو
حساب کردن	خو	د	خو	ه	د	خو	ه	د	د	د	خو	خو
استحمام	خو	د	خو	خو	خو	ه	خو	خو	خو	د	خو	خو
اجناس خریدن	د	خو	خو	د	خو	خو	د	د	خو	د	خو	خو

القمر فی الحمل

شمس	نیکست طلب حاجت از ملوک و خواستن عمل	زحل	نیکست طلب حاجات از منسوبات زحل
مشتری	نیکست طلب حاجات و جمله امور و ابتداءات	مریخ	نیکست صید خشکی و سواری و سیاست کردن
زهره	نیکست تعلیم موسیقی و عطر آمیختن و ساختن	عطارد	نیکست تعلیم و طرح دفتر و حساب و مناظره نمودن
شمس	حذر از خصومات و رفع حاجات به باشد	زحل	حذر باید از سفر و تزویج و بنده خریدن
مشتری	نیکست رفع حاجات بر بزرگان	مریخ	بد است خصومت و مجادله و دخول بیت و بلد
زهره	نیکست شراب نهادن	عطارد	نیکست طلب توفیر از دیوان
شمس	بد است جمله امور	زحل	درین اتصال هیچ خیر نیست
مشتری	نیکست سفر و نقل تحول و سواری	مریخ	باکی نیست جنگ و مرمت سلاح کردن
زهره	نیکست دعوی با زنان و منسوبات زهره	عطارد	نیکست صید و شکار و دعوی کردن
شمس	باکی نیست سیاست لشکر کردن و بد است سایر امور را	زحل	نشاید سفر و تزویج و ابتدای کارها کردن
مشتری	نیکست سفر و رفع حاجات بامرا	مریخ	باکی نیست سیاست و خصومات کردن
زهره	نیکست طرب و شراب خوردن و سیر تماشا کردن	عطارد	نیکست تعلیم خط و صید خشکی کردن

القمر فی الثور

شمس	نیکست همه امور خاصه کارهای عظیم	زحل	نیکست بنا و بنیاد کردن و زراعت و دخول بلد
مشتری	نیکست بنا نهادن قصرها و مساجد و معابد	مریخ	نیکست تعبیه سلاح و اعمال آلات حرب
زهره	نیکست عروسی و بنا نهادن و عشرت کردن	عطارد	نیکست نقاشی و تعلیم علوم و موسیقی
شمس	نیکست خصومت با زنان و خواجه سرایان	ل	باکی نیست عمارت زمین و حذر بهتر از سفر
مشتری	نیکست خریدن حیوانات و سفر	۲	حذر به خصوصا از حرکت و زن خواستن
زهره	نیکست تزویج و زراعت	م	بیگانه است بنا نهادن و عمارت
شمس	حذر باید از سفر و خصومت زنان	ل	حذر به از سفر و خصومت و تزویج
مشتری	نیکست بنا نهادن و ابتدای کارهای خیر	۲	باکی نیست تعبیه لشکر و کمین و حیله کردن
زهره	نیکست تزویج و سفر و نقل و حرکت	م	نیکست خصومت شرعی و مجادله کردن
شمس	نیکست کارهای نهانی و دفینه نهادن	ل	نیکست بنا نهادن اگر قمر با مشتری باشد
مشتری	نیکست بنا نهادن و ابتدای کارها	۲	نشاید سفر و نکاح و بنا نهادن را
زهره	نیکست امور خفی نقاشی و کارهای دقیق	م	نیکست نقاشی و تعلیم صناعت

القمر فی الجوزا

شمس	خوبست همه کارها خصوصا علاج بیمار و صید و بنده خریدن	ل	نیکست حاجت بعلما و قضات و دبیران بردن
مشتری	بهمه کار خوبست خصوصا شرکت و با بزرگان	۲	نیکست سیاست و خصومت و مرمت سلاح
زهره	بهمه کار خوبست خصوصا شرکت و سفر	م	نیکست تعلیم خط و ادب و حساب
شمس	نیکست سیاست و طلب توفیر از دیوان کردن	ل	نیکست خواندن فقهیه و حکایات دروغ
مشتری	نیکست دیدن اکابر و رفع حاجت بر دیوان	۲	باکی نیست مناظره با اصحاب قلم و وزرا کردن
زهره	نیکست تعلیم نقاشی و علاج مرضی	م	باکی نیست ابتدای تعلیم و خط و حساب کردن
شمس	باکی نیست مناظره با اهل قلم و وزرا کردن	ل	حذر به از تجارت و سواری
مشتری	نیکست خریدن بنده و اسیران	۲	نیکست سیاست و نشاید غیر او
زهره	نیکست شرکت و بنده خریدن	م	نیکست ابتدای تعلیم و گوی زدن
شمس	نیکست شرکت و برده خریدن	ل	حذر باید از همه کارها
مشتری	نیکست تدبیر و رای و مشورت کردن	۲	نشاید هیچ کار را و فراغت بهتر
زهره	نیکست تجارت و شرکت و سفر کردن	م	نیکست ساختن کمان و تیر و امثال اینها را

حکم اتصالات قمر	بالزحل		بالمشتری		بالمریخ		بالشمس		بالزهره		بعطارد	
الاتصالات	ا ع	سد ث	ا ع	سد ث	ا ع	سد ث	ا ع	سد ث	ا ع	سد ث	ا ع	سد ث
دیدار بزرگان	د	ج	ج	ج	ه	ج	ج	ه	ج	ج	ج	ج
حاجت خواستن	ه	م	م	م	ج	ج	ج	ه	ه	ج	ه	ه
عهد و پیمان بستن	ه	م	ه	م	م	ج	م	م	ج	ج	ج	ه
سواری کردن	ج	م	ه	ه	م	م	ه	م	م	م	ج	ه
بحمام رفتن	م	م	ج	ه	ج	م	ج	م	م	ج	ج	ه
نو بریدن و پوشیدن	ه	م	ج	ه	ه	ه	ج	م	م	ج	ه	ه
ناخن گرفتن	م	م	ج	ه	ج	ج	ه	م	ج	ج	ج	ج
خضاب کردن	م	م	ج	م	ج	ج	م	ج	ج	ه	ه	م
فصد و حجامت	ج	ج	ه	ج	ج	ج	م	ه	ه	ج	ج	م
در شهر و خانه نو نشستن	ج	ه	ج	ج	ه	م	ج	م	ج	ه	ه	م
سفر خشکی	ج	م	ه	ه	م	ه	ج	م	ج	ه	ه	ه
زرینه ساختن	ه	ج	ج	ه	م	ه	ه	م	ه	ج	ج	ه
سفر دریا	ج	ج	ه	ه	ج	ه	ه	ج	م	ج	ج	ج
درخت نشاندن	ه	ه	م	ج	ه	ج	ج	ج	ج	ه	ه	ج
اجناس خریدن	م	م	ج	ج	ج	م	ج	م	ج	ج	ج	ه
فروختن اجناس	ج	م	م	م	ج	م	م	ه	م	م	ه	ج
چهارپا و مرکب خریدن	م	م	م	ج	ج	م	م	م	م	ج	ه	ج
چهارپا حامل خریدن	ج	م	ج	ج	ج	م	ه	م	ج	ج	ج	ج
سیاحت کردن	ج	م	ج	ج	ج	ه	ه	ه	ج	ج	ج	ج
برده خریدن	ج	م	ج	ج	ج	ه	ج	ه	م	م	ه	ج
زفاف کردن	ج	م	ج	ه	ج	م	ج	ج	م	م	ه	م
عقد و نکاح کردن	م	م	ج	ه	ه	م	م	ج	ج	م	ج	ه
شیر دادن بکودک	م	م	ج	ه	ج	ج	ه	ه	ج	ه	ج	م
از شیر گرفتن کودک	م	م	ج	ج	م	م	ج	م	ه	ه	ج	م
ختنه و خفض کردن	م	م	ج	ج	ج	م	ج	م	ج	ه	ج	م
طلب فرزند کردن	م	م	ج	ج	م	م	ج	م	ج	م	ج	م
بنا و بنیاد نهادن	ج	ج	ج	ج	م	م	ج	م	ج	ه	م	م
نامه و کبوتر فرستادن	م	م	ج	ه	ج	م	ج	م	ج	م	ج	ه
ابتدای تعلیم	م	م	ج	ه	ه	م	ج	م	م	ج	۲	م

القمر فی السرطان

کوکب	حکم	کوکب	حکم
شمس	خوبست همه کار را خصوصا نزد وزرا رفتن	زحل	نیکست عمارت زمین و تخم فشاندن
مشتری	همه کار خوبست خصوصا ابتدا کارهای سفر	مریخ	نیکست صید آب و سفر خشکی
زهره	خوبست همه کار را خصوصا مسهل خوردن	عطارد	نیکست خرید و فروخت و صید آب کردن
شمس	شاید حوض و کاریز کندن و مسهل خوردن	زحل	بد است نقل و تحویل و سفر
مشتری	نیکست نقل و تحویل و پیغام فرستادن	مریخ	باک نیست صید و سفر دریا را
زهره	نیکست سفر کردن و جوی و کاریز کندن	عطارد	نیکست ریاضت پهلوان
شمس	همه کار بدست	زحل	حذر به از سفر و ابتدای کارها
مشتری	نیکست سفر و حرکت	مریخ	بدست سفر و بر اسب نشستن را
زهره	نیکست سفر و طعام و مسهل خوردن	عطارد	نیکست صید آب و سواری
شمس	نیکست کین و حرب و مصاف را	زحل	بدست سفر دریا و از و حذر به
مشتری	همه کار خوبست خصوصا سفر را	مریخ	نیکست شبیخون بردن و شاید اینها را
زهره	همه کار خوبست خصوصا سفر و سواری	عطارد	نیکست تجارت و ابتدای کارها

فی الاسد

کوکب	حکم	کوکب	حکم
شمس	نو پوشیدن و بر تخت دولت نشستن نیکست	زحل	نیکست بنا نهادن عمارت و ابتدا آب
مشتری	خوبست همه کار را خصوصا حاجت از امیران	مریخ	نیکست فصد کردن و حاجت با امرا و سلاطین
زهره	همه کار خوبست خصوصا زینه ساختن	عطارد	نیکست خریدن جواهر کانی و طرح دفتر کردن
شمس	نیکست کندن جوی و کاریز و حوض و نهر	زحل	نشاید نو بریدن و حجامت دست
مشتری	نیکست فصد و خریدن جواهر کانی	مریخ	حذر به از دیدن اکابر و سلاطین
زهره	نیکست گداختن زر و حل کردن طلا	عطارد	نیکست طلب توقیع از دیوان کردن
شمس	باک ندارد دعوی بر ضمان کردن	زحل	توقف در همه امور بهتر است
مشتری	نیکست بنا نهادن و حاجت بقضاة	مریخ	نشاید آغاز کارها احتیاط کردن بهتر است
زهره	نیکست ختنه و شرب کردن	عطارد	این اتصال بهمه جهت خوب نیست
شمس	نیکست تدبیر و شبیخون بر دشمنان	زحل	نشاید هیچ کار را حذر بهتر است
مشتری	نیکست بهمه کارها خصوصا طلب حاجات	مریخ	نیکست آتش زدن قلعها و حصارها و امثالها
زهره	همه کار خوبست خصوصا زینه ساختن	عطارد	نیکست تعلیم خط و صید کردن را

فی السنبله

کوکب	حکم	کوکب	حکم
شمس	همه کار خوبست خصوصا نو بریدن و پوشیدن	زحل	نیکست عمارت و خریدن ستوران
مشتری	همه کار خوبست خاصه نو بریدن و پوشیدن	مریخ	نیکست سیاست و صلاح کان دیز کردن
زهره	همه کار خوبست خاصه طلب حاجات	عطارد	نیکست نو بریدن و پوشیدن و تعلیم خط و دفتر
شمس	نیکست خراب کردن عمارات که مطلوب باشد	زحل	نیکست سفر و شرکت و زمین خریدن سو
مشتری	نیکست شرکت و نو بریدن و پوشیدن و حاجت	مریخ	نیکست دیدن اکابر و شرکت کردن سو
زهره	نیکست نقاشی و تصویر و مانند اینها	عطارد	نیکست تعلیم خط و مناظره با اهل قلم و حساب
شمس	نیکست شرکت و تزویج و تجارت	زحل	حذر به از نو بریدن و پوشیدن [illegible]
مشتری	نیکست سفر و تزویج و نو بریدن و پوشیدن	مریخ	نیکست جنگ و بحث علم کردن
زهره	نیکست زراعت و بنده خریدن	عطارد	باک نیست تعلیم صناعت و خط کردن
شمس	نیکست نوشتن نامهای پنهان	زحل	باک نیست عمارت زمین و زراعت
مشتری	همه کار خوبست خصوص سفر و تجارت	مریخ	نیست بر شرکت و تزویج کردن سو
زهره	همه کار خوبست خصوصا بنده خریدن	عطارد	نیکست تعلیم علم خط و حساب کردن سو

فی المیزان

کوکب	حکم	کوکب	حکم
شمس	نیکست جلاب کردن و تماشا کردن	زحل	نیکست تمام مساجد و بقاع کردن را
مشتری	نیکست عطر آمیختن و ساختن	مریخ	نیکست جنگ و شکست و اصلاح خریدن
زهره	نیکست بافتن و عروسی و تماشا کردن	عطارد	نیکست تعلیم صناعت و معالجه کردن
شمس	هیچ کار را نشاید	زحل	نیکست عزم خواستن
مشتری	نیکست کارهای دنیا را	مریخ	فراغت بهتر و اولی تر
زهره	نیکست خوردن دارو و مهمانی کردن	عطارد	نیکست خریدن بابنده و ستوران
شمس	بهیچ کار نشاید	زحل	فراغت بهتر باشد
مشتری	نیکست ترکیب عطر و دارو و ساختن سو	مریخ	نیکست شکار و جنگی و مناظره عالی کردن
زهره	نیکست خریدن و مهمانی و شرب کردن	عطارد	نیکست جد و خشکی کردن را
شمس	باک نیست ساختن کیمیا	زحل	باک نیست بنای مساجد نهادن
مشتری	نیکست بنای بزرگ نهادن سو	مریخ	هیچ کار را نشاید کردن
زهره	نیکست مهمانی کردن و نو بریدن سو	عطارد	نیکست نقاشی و تعلیم علم موسیقی کردن

فی العقرب

کوکب	حکم	کوکب	حکم
شمس	نیکست معالجه بقطع و داغ	زحل	نیکست خوردن دارو
مشتری	نیکست خریدن جواهر بحری	مریخ	نیکست جنگ بحر کردن و جلاب سو
زهره	نیکست مسهل خوردن و سر تراشیدن	عطارد	نیکست دارو خوردن و جلاب کردن
شمس	بدست دارو خوردن	زحل	حذر از جمیع مهمات به
مشتری	نیکست مسهل خوردن و طلسم نوشتن	مریخ	توقف در امور به باشد
زهره	هیچ کار نشاید کردن	عطارد	نیکست معالجه و مکر و [illegible] کردن
شمس	میانه است دارو خوردن	زحل	نشاید مکر و تزویر سو
مشتری	نیکست خوردن دارو و مسهل	مریخ	توقف بهتر باشد
زهره	باک نیست شبیخون بردن و مکر کردن	عطارد	نیکست معالجه و مسهل خوردن سو
شمس	توقف بهتر باشد	زحل	دارو نخوردن الا بضرورت
مشتری	نیکست دارو خوردن	مریخ	حذر به باشد
زهره	نیکست فصد و مسهل خوردن	عطارد	نیکست آمیختن رنگ و آب باز کردن

فی القوس

کوکب	حکم	کوکب	حکم
شمس	همه کار خوبست	زحل	نیکست خریدن ستوران
مشتری	همه کار خوبست خصوص فصد و حجامت	مریخ	نیکست کار آتش کردن
زهره	همه کار خصوصا تعلیم علم موسیقی	عطارد	نیکست شرکت و تجارت
شمس	نشاید فصد و حجامت	زحل	فراغت به
مشتری	نیکست فصد و ستور خریدن	مریخ	نیکست آتش زدن در بیشه
زهره	نیکست فصد و حجامت کردن	عطارد	نیکست کار آتش و [illegible] کردن
شمس	هیچ کار نشاید مگر سلاح و آلات خریدن	زحل	حذر از سفر و کار آتش کردن به
مشتری	نیکست فصد و حجامت کردن	مریخ	باک نیست تجارت و علم نقاشی کردن
زهره	نیکست تدبیر با مردان به	عطارد	جهت همه کار حذر به
شمس	همه کار خوبست	زحل	باک نیست خریدن ستوران بالان را
مشتری	نیکست شرکت و فصد کردن	مریخ	حذر به از کارها
زهره	همه کار خوبست	عطارد	نیکست جد بازی و چرغ و شاهین سو

القمر في الجدی

بهمه کار خوبست خصوصا عمارت املاک	نیکست فرزند سنوران و عمارت کردن
نیکست فرزند را به بنا نهادن	نیکست صید و سواری نیک
نیکست فرزند گاو و گوسفند	نیکست فرزند اسباب و تعلیم حساب
نیکست کنده جوی و جوی و کاریز	باک نیست عمارت زمین و جوی آب
نیکست عمارت زمین	نیکست بر فرزند سنور و روز دیده بیرون آید
نیکست فرزند رنگین و رنگ زرد کردن	نیکست طلب ترقی از دیوان
نیکست خراب کردن خانه جهت عمارت	حذر از کار به خصوص سفر زراعت
نیکست عمارت زمین	نیکست خراب کردن خانه جهت عمارت
نیکست معامله گاو و گوسفند	حذر از جمیع مهمات به
نیکست پنهان کردن مال	باک نیست عمارت کردن
نیکست فرزند ملک و اسباب	نیکست داغ نهادن سنور
نیکست درخت نشاندن	نیکست تعلم علم فقه و شریعت

القمر في الدلو

نیکست بنا نهادن کوشک و رباط	نیکست بنده و فرزند و بنا نهادن
بهمه کار خوبست خصوص رفع حاجات	نیکست صید باز و چرغ و شاهین
نیکست همه کارها را	نیکست تعلم علم فقه سه
نیکست نهادن قلعه نهادن	بهیچ کار نیست بد
نیکست بنای بزرگ نهادن	بهیچ کار نیست بد الا تعلم شریعت
نیکست بنا نهادن باغ و بستان	نیکست آتش و هیزم انداختن بر کردن
نیکست خرابی جهت عمارت کردن	حذر به از بنا نهادن و سفر کردن
نیکست ساختن طلسمات و نیز نجاشرا	نیکست گرفتن جانوران با چنگال را
نیکست بنا نهادن و فرزندان بر	نیکست تعلم علم و خط و علم فقه
نیکست کشف اسرار و دفن مال و پنهان شدن	باک نیست بنا نهادن عمارت
نیکست همه کارها	بهیچ ندارد
نیکست همه کارها	نیکست صید باز و چرغ و شاهین

في الحوت

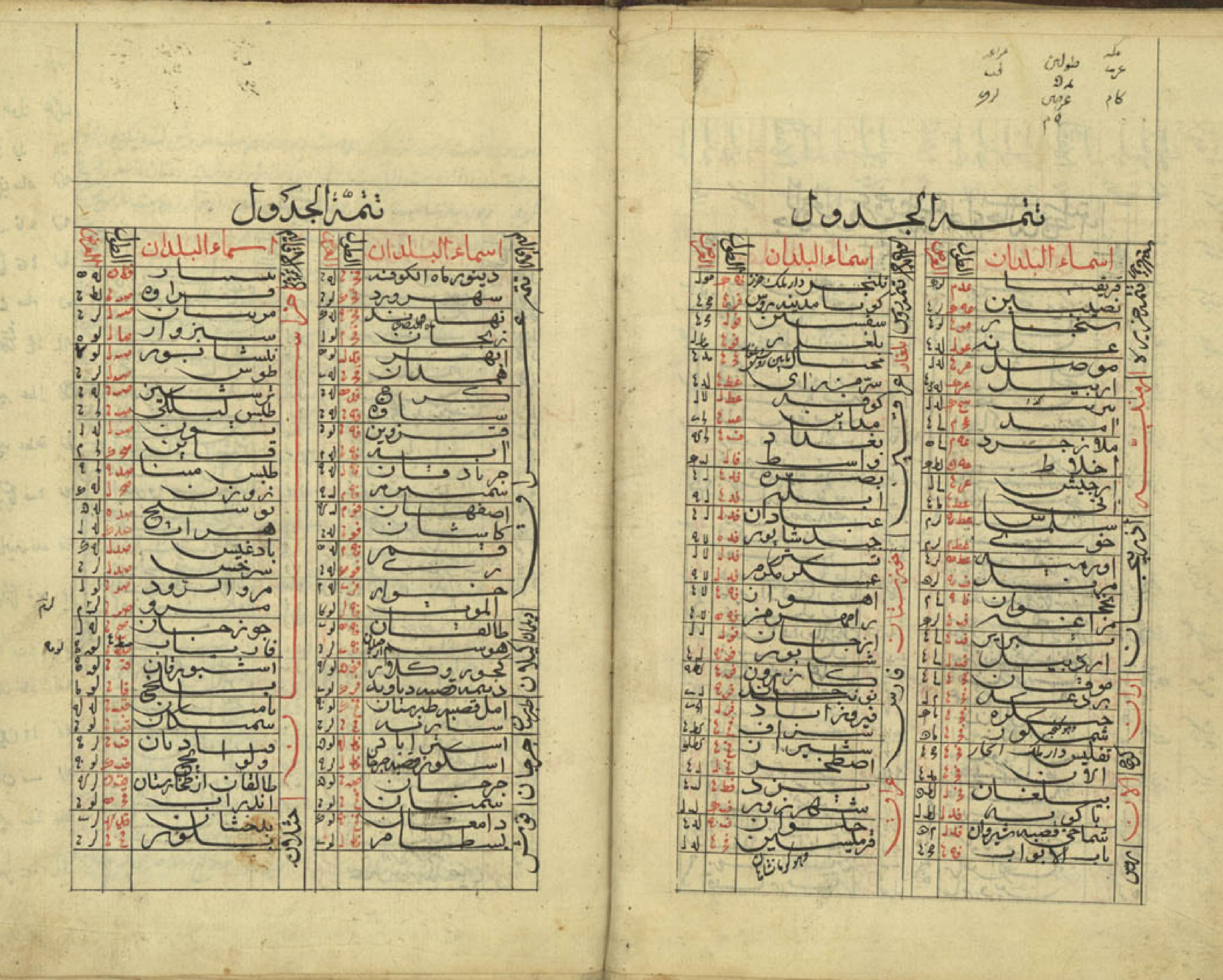
۱	شمس	بهمه کار خوبست خصوص فرزند جواهر	زحل	نیکست دارو خوردن و جوی و کاریز کندن
	مشتری	بهمه کار خوبست خصوص سفر کردن دریا	مریخ	نیکست ساختن سلاح حرب
	زهره	بهمه کار خوبست	عطارد	نیکست شرکت و تجارت کردن -
۴	شمس	بهیچ کار نیست بد	زحل	بد نیست دارو خوردن
	مشتری	خوبست فرزند جواهر آلی	مریخ	بهیچ کار نیست بد
	زهره	نیکست خوردن مسهل و دارو	عطارد	نیکست بی دله با اهل دیوان
۹	شمس	حذر در همه باب بهتر	زحل	حذر به از سفر آب و مسهل خوردن
	مشتری	به بسته بهیچ وجه	مریخ	باک نیست حساب کردن
	زهره	نیکست شرکت و سفر کردن	عطارد	نیکست رفتن بو حال
۵	شمس	نیکست کارهای پنهان کردن	زحل	نیکست معامله و تجارت
	مشتری	خوبست همه کار را	مریخ	باک نیست رفع حاجت بر بزرگان
	زهره	نیکست و [illegible] حاجت بجا آوردن	عطارد	نیکست سفر آب و شرکت و رفاقت کردن



جدول اطوال و عروض بلدان

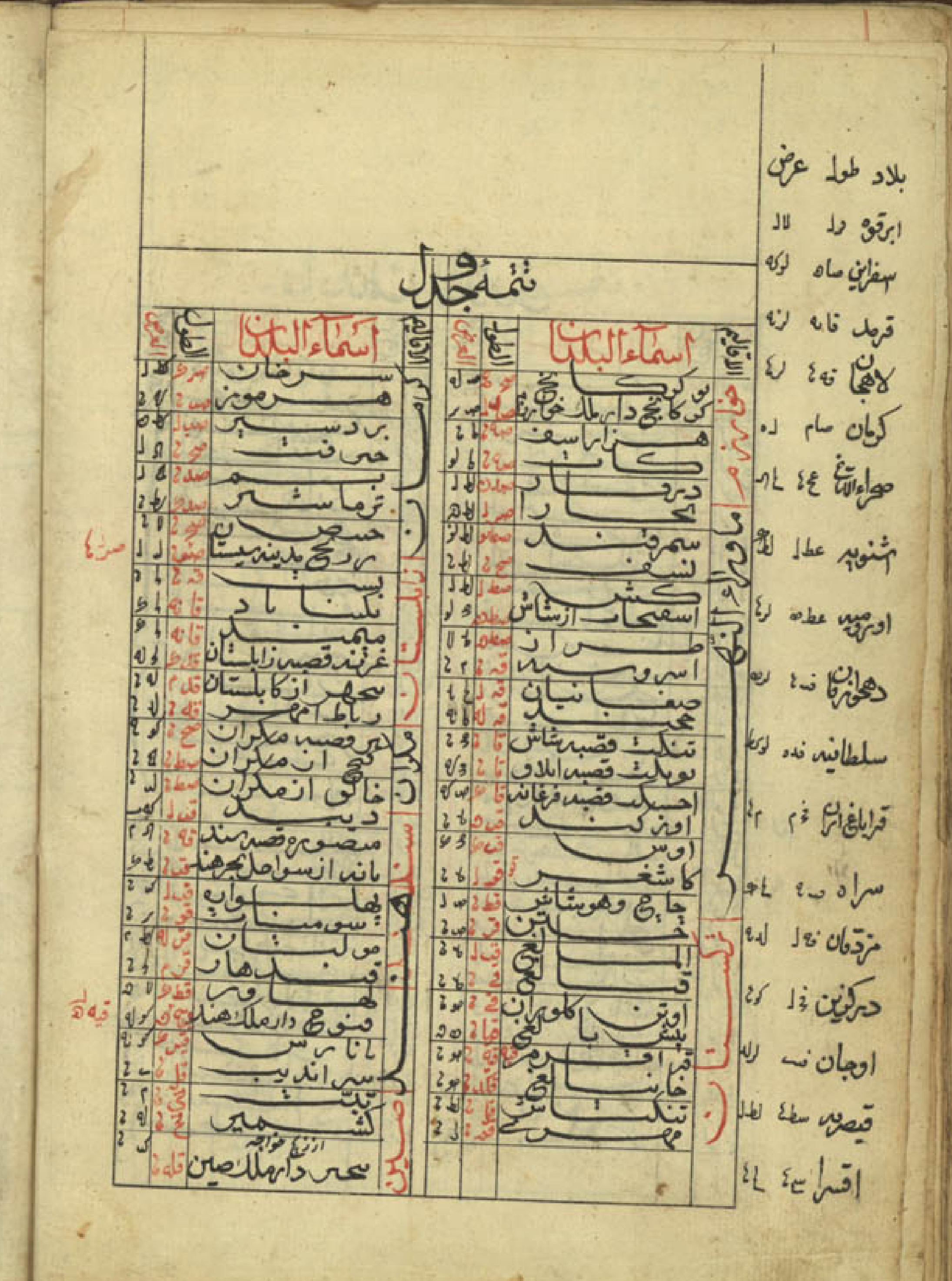
اقالیم	اسماء البلدان	الطول	العرض
مغرب	سوس اقصی	[illegible]	[illegible]
	فاس قصبه طنجه	[illegible]	[illegible]
	تاهرت علیا	[illegible]	[illegible]
	تاهرت سفلی از افریقیه	[illegible]	[illegible]
	سلجماسه	[illegible]	[illegible]
	قیروان	[illegible]	[illegible]
	مهدیه	[illegible]	[illegible]
	طرابلس مغرب	[illegible]	[illegible]
اندلس	قرطبه دار ملک اندلس	[illegible]	[illegible]
	بجه از بربر	[illegible]	[illegible]
سودان	جرمی دار ملک حبشه	[illegible]	[illegible]
	دنقله شهر نوبه	[illegible]	[illegible]
مصر	قوص از صعید مصر	[illegible]	[illegible]
	اسکندریه	[illegible]	[illegible]
	مصر	[illegible]	[illegible]
	دمیاط	[illegible]	[illegible]
	قلزم از کنار دریا	[illegible]	[illegible]
یمن	عدن	[illegible]	[illegible]
	صنعا دار ملک یمن	[illegible]	[illegible]
	زبید	[illegible]	[illegible]
عمان	صحار قصبه عمان	[illegible]	[illegible]
حجاز	مدینه رسول الله	[illegible]	[illegible]
	مکه مبارکه	[illegible]	[illegible]
	طایف	[illegible]	[illegible]
	یمامه	[illegible]	[illegible]
بحرین	هجر بحرین	[illegible]	[illegible]
	احسا بحرین	[illegible]	[illegible]
	قطیف بحرین	[illegible]	[illegible]
شام	بیت المقدس از فلسطین	[illegible]	[illegible]
	عسقلان از فلسطین	[illegible]	[illegible]
	رمله از فلسطین	[illegible]	[illegible]
	قیساریه	[illegible]	[illegible]

اقالیم	اسماء البلدان	الطول	العرض
شام	طبریه	[illegible]	[illegible]
	صور	[illegible]	[illegible]
	صیدا	[illegible]	[illegible]
	طرابلس	[illegible]	[illegible]
	دمشق	[illegible]	[illegible]
	بعلبک	[illegible]	[illegible]
	حمص	[illegible]	[illegible]
	انطاکیه	[illegible]	[illegible]
	سرمین	[illegible]	[illegible]
	قنسرین	[illegible]	[illegible]
	حلب	[illegible]	[illegible]
	منبج	[illegible]	[illegible]
	رحبه	[illegible]	[illegible]
روم	طرسوس	[illegible]	[illegible]
	مصیصه و کفربنا	[illegible]	[illegible]
	ملطیه	[illegible]	[illegible]
	سقلیه جزیره	[illegible]	[illegible]
	رومیه کبری	[illegible]	[illegible]
	اثینیه مدینه الحکما	[illegible]	[illegible]
	بوزنطیا و هی قسطنطنیه	[illegible]	[illegible]
	ماقدونیا	[illegible]	[illegible]
	عموریه	[illegible]	[illegible]
	ارزن الروم	[illegible]	[illegible]
	ارزنکان	[illegible]	[illegible]
	سیواس	[illegible]	[illegible]
	سمیساط	[illegible]	[illegible]
	قالیقلا	[illegible]	[illegible]
	قونیه	[illegible]	[illegible]
جزیره	حران از جزیره	[illegible]	[illegible]
	رقه	[illegible]	[illegible]
	راس العین	[illegible]	[illegible]
	ماردین	[illegible]	[illegible]



تتمة الجدول
اسماء البلدان
تتمة الجدول
اسماء البلدان

وصاحب خانه است وچون مشتری کوکب علماست ودر دوازدهم است علمانشیع کنند ولیکن چون ذنب
بر جیب در دوازدهم است دلیل است که دشمنی با ما کردن شوم بود ونکبت بدشمنان ما رسد وما مشاهده
کردیم وچون میان صاحب یازدهم که عطارد است وصاحب دوازدهم که زهره است نظر تسدیس باشد
میان دوستان ودشمنان ما محبت بود وچون صاحب یازدهم بصاحب دوازدهم پیوندد دوستی
میان ایشان از جانب دوستان ما بوده باشد چنانچه این مطلب را در مادهٔ بهمایه خود تجربه نمودیم وبزرگان
این صنعت در احکام دوازده خانه طالع گفته بودند ما را از طالع خود بتجربه افتاد وعین صواب بود وهیچ خطا
نبود **وبدانکه** در احکام بیوت که مینویسند در بیت رابع بنویسند که زردشت حکیم گفته است که اعلم ان
المقول فی امر الآباء علی دلیل الاب وفی امر الام علی دلیل الام فان فسدا دل علی قلة عمرهما وان صلحا دل علی
طول عمرهما ودر بیت ثامن بنویسند که سالهای عقبات که عوام آنرا مخاطره وقران خوانند کدام است
ودر طالع مولود قدیم بایضورت در بیت هشتم نوشته بود وما بمسطر نقل کردیم تنظر تفهم **مثال** در سالهای
عقبات که عوام آنرا مخاطره وقران خوانند سال بیست وهشتم است ودر چهل وچهارم ودیگر سالهای اجزای عطیه
کدخدا باشد بدینموجب **مد** تمام عطیه عطارد **نا** نصفش **کح** تلثش **یط** ربعش **یه** سه ربع او **لح**
تمام عطیه مشتری **کوکب** ربع عطیه معدله **د لو** نصف عطیه معدله **لح** ثلث عطیه معدله **یه** نصف ربع عطیه
نط دو ثلث عطیه معدله **لو** تمام عطیه زحل **مح** نصفش **کا** ثلثش **کح** ربعش **نه** دو ثلثش **ا**
نصف ربع **لو** تمام عطیه هر دو کدخدایان **سط** نصفش **که** ربعش **یه** ثلثش **ا** دو ثلث **مو**
نصف ربع **نه** این سالهای مخوفه است که اگر در سالی که موافق این سالها باشد تسییر درجهٔ طالع
یعنی جان بخش یا هیلاج بقاطع رسد در آن سال درکل امور بدنی احتیاط باید نمود تا ان شاء الله
بخیر بگذرد ودر بیت عاشر نویسند که چند سالگی که تسییر درجه عاشر بشعاع تسدیس یا تثلیث آفتاب
میرسد اگر در جایی باشد که تسییر بشعاع آفتاب رسد بدولت سعادت بزرگ خواهد داد **وچون**
احکام بیوت دوازده گانه از طالع تمام شد انتهای سنوی بطریقی که سبق ذکر یافت نویسند وبعد از آن
تسییر بطریقی که گفته اول تسییر درجه هیلاج دوم تسییر درجه طالع سیم تسییر درجه عاشر چهارم تسییر درجه
مصح آفتاب پنجم تسییر درجهٔ مصحح سهم السعادة **وچون** انتهای تمام شد آنچه عمر طبیعی مولود باشد
سال بسال احکام نویسند آنچه از انتهای تسییر وطالع تحویل سال مولود وطالع حمل تقاضا کند چنانکه ما در
طالع مولود فرزند نوشتیم باینطریق **احکام ساله** ودرین سال درجه طالع از حد سعد بحد نحس انتقال نماید



تتمهٔ جدول

اسماء البلدان	الطول	العرض
کوکنجه دار ملک خوارزم	[illegible]	[illegible]
هزاراسف	[illegible]	[illegible]
کاث	[illegible]	[illegible]
درغان	[illegible]	[illegible]
بخارا	[illegible]	[illegible]
سمرقند	[illegible]	[illegible]
نسف	[illegible]	[illegible]
کش	[illegible]	[illegible]
اسفیجاب از شاش	[illegible]	[illegible]
طراز	[illegible]	[illegible]
اسروشنه	[illegible]	[illegible]
صغانیان	[illegible]	[illegible]
خجند	[illegible]	[illegible]
تنکت قصبه شاش	[illegible]	[illegible]
نوبکث قصبه ایلاق	[illegible]	[illegible]
اخسیکث قصبه فرغانه	[illegible]	[illegible]
اوزکند	[illegible]	[illegible]
اوش	[illegible]	[illegible]
کاشغر	[illegible]	[illegible]
چاچ وهو شاش	[illegible]	[illegible]
ختن	[illegible]	[illegible]
المالیغ	[illegible]	[illegible]
قیالیغ	[illegible]	[illegible]
اوتن	[illegible]	[illegible]
بیش بالیغ	[illegible]	[illegible]
قراقرم	[illegible]	[illegible]
خانبالیغ	[illegible]	[illegible]
تنکسانشی	[illegible]	[illegible]
مهر	[illegible]	[illegible]

اسماء البلدان	الطول	العرض
سرخان	[illegible]	[illegible]
هرموز	[illegible]	[illegible]
بردسیر	[illegible]	[illegible]
جیرفت	[illegible]	[illegible]
بم	[illegible]	[illegible]
نرماشیر	[illegible]	[illegible]
حسرصین	[illegible]	[illegible]
سرخج مدینه سیستان	[illegible]	[illegible]
بست	[illegible]	[illegible]
تکناباد	[illegible]	[illegible]
میمند	[illegible]	[illegible]
غزنین قصبه زابلستان	[illegible]	[illegible]
سبهر از کابلستان	[illegible]	[illegible]
رباط امیر	[illegible]	[illegible]
فنزبور قصبه مکران	[illegible]	[illegible]
کیج از مکران	[illegible]	[illegible]
خالق از مکران	[illegible]	[illegible]
دیبل	[illegible]	[illegible]
منصوره قصبه سند	[illegible]	[illegible]
مانه از سواحل بحر هند	[illegible]	[illegible]
بهلواره	[illegible]	[illegible]
سومنات	[illegible]	[illegible]
ملتان	[illegible]	[illegible]
قندهار	[illegible]	[illegible]
لهاور	[illegible]	[illegible]
قنوج دار ملک هند	[illegible]	[illegible]
تاناسر	[illegible]	[illegible]
سراندیب	[illegible]	[illegible]
تبت	[illegible]	[illegible]
کشمیر	[illegible]	[illegible]
بحر دار ملک صین از تنگ خواجه	[illegible]	[illegible]

بلاد	طول	عرض
ابرقوه	[illegible]	[illegible]
سفراین	[illegible]	[illegible]
قرحد	[illegible]	[illegible]
لاهیجان	[illegible]	[illegible]
کرمان	[illegible]	[illegible]
صحراء الاتاغ	[illegible]	[illegible]
اشنویه	[illegible]	[illegible]
اورمیه	[illegible]	[illegible]
دهخوارقان	[illegible]	[illegible]
سلطانیه	[illegible]	[illegible]
قراباغ اران	[illegible]	[illegible]
سراه	[illegible]	[illegible]
مرقان	[illegible]	[illegible]
درکزین	[illegible]	[illegible]
اوجان	[illegible]	[illegible]
قیصریه	[illegible]	[illegible]
اقسرا	[illegible]	[illegible]

یعنی از حد مشتری بحد مریخ و بر ذنب میکذرد و قاسم از هیلاج مریخ طالع تحویل برج جدی و صاحبش زحل و سال خداه
اکر مریخ دلیلست درین سال بر غم و اندوه و رنج و تفکر و تشویش خاطر و این سال از سالهای قران و مخاطره
بزرکست در کل امور احتیاط باید کرد و تنقیه مزاج و محافظت بدن واجب دانست که طالع و هیلاج و اشتها
و موضع تحویل جمیع نحس است و بر جرم ذنب که قاطعست میکذرد میباید که در هر کار محافظت واجب دانند
و چون ازین سال بکذرد قطع بعطیه کدخداه خود برسد ان شاء الله تعالی **عقد دوم** در ختم کتاب **نظم**
بحمد الله که برغم زمانه ٭ بپایان رسید این دلکش فسانه ٭ المنة لله تعالی و تقدس که از برکات روح
فیاض حلال مشکلات و کافی المهمات قاسم نار جحیم و نعیم مقیم **نظم** علی حبه جنة ٭ قسیم النار والجنة ٭ وصی المصطفی حقا
امام الانس والجنة ٭ فرستاده انا مدینة العلم و علی بابها کاشف اسرار فرقان پیشوای اهل ایمان مقتدای ارباب عرفان
شاه اولیا و اتقیا علی المرتضی علیه التحیة والثنا عقدهای این مشکل حل شد و چند عقدهای در ثمین در سلک تحریر
آمده و آنچه مکنون خاطر فاتر بود و قرب ده سال خوشه از خرمن بزرکان جمع آورده و اندوخته بود به یکبار
بر طبق اخلاص کذاشت تا از کوشوار عقدهای جواهر آبدار هر صاحب هوش کوش خود را کرانبار سازد و بدعای
خیر مؤلف ایاد کنند چنانکه پیشرو عالمان حقیقت نه مجاز شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی فرماید **نظم**
بماند سالها این نظم و ترتیب ٭ الی آخر الابیات وختم کلام نمود بدعای دوام ایام سلطنت و کامرانی پادشاهی
که قواعد عدل بایام او تمهید یافت و سرو جویبار عدالت که از دبور جور و ستم انحنا پذیرفته بود در بهار
بحری و سرسبزی یافت **نظم** یتقی احداث الزمان بسطوة ٭ و یفرک آذان الخطوب العوارک ٭ فریدون ممالک
دادکستری قیصر امصار رعیت پروری رای هند نصفت و عدالت فغفور چین ابهت و جلالت
دارای کشور عظمت و اجلال اسکندر اقلیم ظفر و اقبال **نظم** ما بارز الاقران الا انثنی ٭ عن موقف الطعن
برمح خضیب ٭ ولا سما یفتح مستعصیا ٭ مستغلق الابواب منیعا مهیب ٭ الا و نودی حین یسمو له
نصر من الله و فتح قریب ٭ صف شکن لشکر مخالف بتیغ تهور پیلتنک و قلعه کشای اهل عناد در جنک و جدال
سلیمان مسند اقتدار حلم و وقار موسی طور شوکت و اقتدار خلیل بیت الضیف جود عزیز مصر وجود السلطان
البرین و خاقان البحرین الشاه عباس الصفوی الحسینی **نظم** زیر این نه رواق زرین فام ٭ چند شود کهنه ای
همایون نام ٭ آید از هر یکی بکوش صدا ٭ خلد الله ملکه ابدا ٭٭ خلد الله تعالی ملکه و سلطانه
و افاض علی العالمین بره و احسانه
قدم الکتاب فی یوم الخمیس خمس و عشرین من شهر ربیع الاول من شهور سنه مائتین و اربع و عشرین بعد الالف من الهجرة النبویة علیه السلام

در اسطرلاب جنوبیه شظیه باید کذارند و آنرا امری راس الجدی یا راس السرطان کویند
و بر سطح عنکبوت در موضعی که فارغ باشد زیادتی ترکیب کنند که عنکبوت را بآن میکردانند
و آن زیادتی را محراک کویند و مشهور در خرق عنکبوت اینست که مذکور شد و بعضی
از صناع خرق آن بروجهی کنند که اشکال غریبه از آن حاصل آید و شظایا بر کواکب بصورت مختلفه
سازند چنانکه شظیه نسرین بر صورت سر مرغی با منقار سازند و شظیه ید الجوزا بر صورت
سبابه و دست که باقی اصابع آن مقبوض باشد و مع هذا القیاس و این تعلق بفطانت صانع
دارد و غرض آنست که منطقه البروج و کواکب از خرق عنکبوت منهدم نشود و دیکر
هر نوع که خواهند خرق آن جایز است **باب دوازدهم در معرفت صفحه صفیحه آفاقیه
و صفیحه عرض تام میل کلی** اما بجهت اول بر یکی از صفایح مدارات ثلثه و خط وسط السما
و خط مشرق و مغرب رسم کنند و نصف اعلی خط وسط السما را اخراج کنند و نظیر نصفی
که مذکور شد در رسم افق هشت نصف افق شرقیه مختلف العرض رسم کنند پس نصف اول
خط وسط السما را اخراج کنند و آنرا نصف اعلی آن خط اعتبار کنند و هشت نصف
افق شرقیه دیکر بر وجه مذکور رسم کنند و همچنین هر یک از ده نصف خط مشرق و مغرب
اخراج کنند و آنرا نصف اعلی خط وسط السما اعتبار کرده شانزده نصف افق شرقیه
دیکر رسم کنند و عرض آن آفاق در میان آنها ثبت کنند و در اسطرلاب جنوبیه هم
برین نسق است الا آنکه نصف سفل خط وسط السما را در ان اسطرلاب اصل اعتبار
باید کرد و بعضی از صناع دو خط مستقیم دیکر متقاطع بر مرکز بکشند چنانکه صفحه
باین دو خط و آن دو خط دیکر بهشت قسمت متساوی شود و بر هر ثمنی هشت نصف افق

رسم کنند چنانکه مجموع شصت و چهار را افق شود که تمام عرض معموره است و در رقاع میل در ما بین
مدارات بر خطوط مستقیمه رسم کنند با نظر ایق که در مدارات اجزای شش بروج چنانکه
گفتیم رسم کنیم بر وجهی که بقرب آن خطوط موثر بود و در تمام صفیحه غیر موثر و ارقام درجات
میل در آن میان ثبت کنند اما صفیحه عرض تمام میل کلی بران وجه باشد که بر یکی از صفایح
افقی عرض شصت و شش درجه و نیم رسم کنند و علامت صحت عمل آنکه چون راس الجدی بر خط
وسط السما نهند محیط منطقة البروج بر افق منطبق شود و پس چنانچه در ابواب متقدم
مذکور شد مقنطرات ارتفاع و انحطاط و دوایر سموت هم در فوق الارض و هم در تحت
الارض رسم کنند و فایده این صفیحه بسیار است چنانکه در کتب اسطرلاب مذکور است

باب سیزدهم در معرفت صنعت عضاده و باقی اجزای اسطرلاب عضاده بر دو نوع
بود تام و منحرف اما تام مسطره بود که طول آن مساوی قطر اعظم دایره پشت حجره بود و سطح
ظاهر آنرا در عرض و طول بیک خط طولی و یک خط عرضی منتصف کنند و محل تقاطع این
دو خط مرکز عضاده بود و عضاده منحرف بران وجه بود که چون عرض عضاده بخط طولانی
مذکور منتصف شود یک نصف آنرا بتمام بیندازند الا در حوالی مرکز که قدری باقی گذارند
بجهت ثقبه که محل قطب است و بعضی یک نصف از پاره نیمه اعلی و یک نصف از نیمه
نیمه اسفل بیندازند بر سبیل تبادل و دو شظیه بر دو طرف عضاده باز نند بر شکلی که بر استقامت
خطی باشند که منتصف عرض است پس دو لبنه مربع متساوی المقدار بر دو طرف
عضاده ترکیب کنند بر وجهی که بعد آنها از مرکز عضاده متساوی بود و سطح هر دو قایم عمود
بر سطح عضاده و باید که فصل مشترک میان سطح لبنه و عضاده عمود بود بر خط طرف

عضاده

عضاده و در اسفل هر یک از ان دو لبنه دو ثقبه باریک کنند بجهت ارتفاع قباب
بر وجهی که متحاذی باشند و در فوق این دو ثقبه دو ثقبه اوسع سازند بجهت ارتفاع کوکب
و بعضی بر همان دو ثقبه اولی اقتصار کنند و دو سر لبنه را رضه کنند تا بوقت اخذ
ارتفاع کوکب انبوبه در میان دو لبنه و بین دو رضه محکم کنند بر وجهی که تجویف انبوبه
بر محاذات ثقبتین باشد بعد از ان بر مرکز عضاده و مراکز حجره و صفایح دوایر صغیره
متساویه رسم کنند و آنرا مثقوب سازند بجهت قطب و صفایح را همه در یک موضع
رضه سازند چنانچه اسفل خط وسط السما بر منتصف آن رضه بود و بر محاذات آن
در حجره زیاده ترکیب کنند تا چون صفایح در حجره وضع کنند بواسطه حرکت عنکبوت
متغیر نشود و آن زیاده را امکه ثانیه خوانند و صنعت قطب و فلس و فرس و عروه و حلقه
محتاج بیبان نیست **باب چهاردهم** در معرفت رسم جیب بر ظهر اسطرلاب
اول حجره را بر لوحی مقیر محکم کنند چنانچه ظهر حجره بجانب فوق بود و در پهنای حجره
در پهلوی اجزای ارتفاع جسمی مسطح بران لوح ترکیب کنند چنانکه سطح او محاذی
سطح ظهر حجره بود و پس خط افقی را بر استقامت اخراج کنند تا باین سطح رسد
و عمودی درین سطح بران خط اخراج کنند چنانچه مساوی و موازی نصف اعلای خط نصف
النهار بود پس آن عمود را و نصف اعلای خط نصف النهار را هر یک بشصت قسم متساوی کنند
و از تمام یکایک خطوط باقسام آن دیگر اخراج کنند بر وجهی که این خطوط موازی خط
افقی بود و پس عضاده را بر خط نصف النهار نهند و یک نصف طرف عضاده را که بجانب
اجزاء ارتفاع بود بشصت قسم متساوی کنند و بهر پنج و ده مرقوم سازند ابتدا از مرکز

ارتفاع

عضاده و بعضی جیب و قوس را هر دو بر عضاده نقش کنند بآن طریق که از هر جزو از اجزای

خطی موازی خط افقی بنصف النهار خط نصف النهار کشند پس نصف آن خط بنود قسم مختلف شود

پس عضاده را بر خط نصف النهار نهند و یک نصف از طرف عضاده ابتدا از مرکز تمثل آن

قسام بنود قسم کنند و آنرا نصف مقوس خوانند پس نصف یک طرف دیگر از عضاده

در مقابل نصف مقوس ابتدا از مرکز بنود قسم متساوی کنند و بهر پنج و ده مرقوم سازند

و آنرا نصف مجیب گویند و بعضی جیب بر محیط حجره نقش کنند در ربع مقابل ربع ارتفاع

بآن طریق که طرف مسطره بر جزو مفروض از اجزاء ارتفاع و بر مرکز ظهر حجره نهند و محل تقاطع

طرف مسطره با آن ربع نشان کنند و از جدول جیب معلوم کنند که جیب آن جزو چند درجه است

رقم عدد آن بر آن نشان ثبت کنند و باین طریق قسمت این ربع با تمام رسانند

و ما جدول جیب در ینموضع ایراد کردیم آنقدر که در عمل اسطرلاب بکار آید تا محتاج

رجوع بزیج نباید کرد و جدول اینست

جدول الجیب

[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

باب پانزدهم

در معرفت نقش اجزای ظل اولا بر نصف اسفل خط نصف النهار

نقطه تعیین کنند و از آن نقطه عمودی بر خط نصف النهار در مقابل ربع ارتفاع قایم

کردانند

کردانند و آن عمود را از سطح ظهر اسطرلاب اخراج کنند لا الی نهایة و آنچه از خط

نصف النهار میان مرکز حجره و نقطه مذکوره است بدوازده قسم متساوی کنند اگر مطلوب

ظل اصابع بود و بهفت قسم اگر ظل اقدام بود و بشصت قسم اگر ظل ستینی بود پس آن

عمود را بمثل یک قسم این اقسام قسمت کنند و طرف مسطره بر جزوی از اجزاء ارتفاع که

از چهل و پنج بیشتر باشد و بر مرکز حجره نهند آنچه از اجزای عمود ما بین طرف مسطره

و خط نصف النهار باشد ظل آن جزو بود که طرف مسطره بر آن جزو موضوع است پس تقاطع

طرف مسطره با ربع مقابل ربع ارتفاع نشان کنند و رقم آن ظل بر آن نویسند

و باین طریق تمام آن ربع را منقسم سازند و بالضروره آن اقسام مختلف بود و ابتدا

ارقام ظل از طرف نقطه خط نصف النهار کنند و این ظل مستوی بود و اگر مطلوب ظل

معکوس بود این عمود بر نصف خط افقی که در جانب یمین بود در مقابل ربع ارتفاع

اخراج باید کرد و بطریق مذکور عمل با تمام رسانند و ابتدای ارقام ظل معکوس از طرف نقطه

خط افقی باید کرد و چون نقش اظلال مستویه ارتفاعاتی که از ثمن دور کمتر باشد در اسطرلابات

معتبر نیست و همچنین اظلال معکوسه ارتفاعاتی که از ثمن بیشتر است بعضی از صناع

اظلال مستویه قوسهائی که از ثمن بیشتر باشد و اظلال معکوسه قوسهائی که از ثمن کمتر باشد

در ربع مقابل ربع ارتفاع رسم کنند و آنرا اظلال ستم گویند و جهت معرفت رسم آن اظلال

فرض کنیم که دایره ا ب ج د دایره ظهر حجره است بر مرکز ه

و ا ه ج خط نصف النهار و ب ه د خط افقی پس ربع ب ج د را

که مقابل ربع ا ه ب است که ربع ارتفاع است بر نقطه ب تنصیف کنیم و از

نقطهٔ عمود ت ح بر ت د اخراج کنیم و عمود ز ط بر آ ه و هر یک از این دو عمود را به دوازده
قسم کنیم اگر ظل اصابع بود و به هفت قسم اگر ظل اقدام بود و به شصت قسم اگر ظل ستینی
بود و ارقام اعداد بر آن ثبت کنند و ابتدا از دو نقطهٔ ح ط کند و عمود ت ح بجهت ظل
معکوس بود و عمود ز ط بجهت ظل مستوی و باید که اظلال وجوب بر ظهر مجره پیش از آن
رسم کنند که مرکز مجره مثقوب شود **باب شانزدهم** در معرفت فجر و شفق
و عصر و خطوط ساعات معوج بر عضاده اما خط فجر و شفق در صفایح رسم کنند
بدان طریق که مقنطرهٔ انحطاط هجده درجه رسم کنند و آنچه از آن مقنطره در میان مدار
راس الجدی و راس السرطان افتد مؤثر رسم کنند و باقی غیر مؤثر و بر آن قطعه که در جانب
مشرق بود ثبت کنند طلوع الفجر و بر آن قطعهٔ دیگر مغیب الشفق و بجهت خط عصر در صفایح
مدارات اجزای بروج در قسم فوق الارض یا تحت الارض غیر مؤثر رسم کنند و ظل مستوی
غایت ارتفاع معلوم کنند و مقدار مقیاس آن ظل بر آن ظل افزایند بمذهب شافعی
و ضعف مقیاس بمذهب حنفی تا ظل ارتفاع اول عصر بآن دو مذهب حاصل آید
پس هر جزو از اجزای بروج بر مقنطرهٔ ارتفاع عصر نهند و موضع آن جزو را
در مدار او نشان کنند اگر آن خط در قسم فوق الارض رسم خواهند کرد و موضع نظیر آن
جزو در مدار نظیر او اگر آن خط در قسم تحت الارض رسم خواهند کرد و بدین طریق
مدارات جمیع اجزا یا مدارات نظایر آن اجزا نشان کنند و میان آن نشانها
بخطوط وصل کنند تا خط عصر حاصل آید پس بر خط عصر شافعی ثبت کنند اول العصر
و بر خط عصر حنفی آخر العصر و بعضی این دو خط بر ظهر اسطرلاب رسم کنند بدین طریق که

بعدد

بعدد اجزای شش برج دوایر متوازیه که ابعاد میان آنها متساوی بر ظهر مجره رسم کنند
پس طرف مسطره بر مثل ارتفاع عصر یک یک جزو و مرکز مجره نهند و تقاطع طرف
مسطره با مداری که بجهت آن جزو رسم شده نشان کنند و میان آن نشانها
وصل کنند بطریقی که در صفایح مذکور شد تا خطوط عصر حاصل آید و بجهت معرفت
رسم خطوط ساعات معوج بر عضاده
فرض کنیم که آ ب ما بین لبنتین است
از عضاده و آ ح ت د طول لبنتین
پس ت د را اخراج کنیم تا د ه مساوی
آ ت شود و بر مرکز د به بعد د ه قوس آ ه
رسم کنیم و آن را به شش قسمت متساوی کنیم بر نقطهای ت ح ی ط ک ک و از نقطهٔ د خطوط با آن اقسام وصل کنیم
تا خط آ ت را قطع کند بر نقطهای ک م ه ی ع پس چون طول عضاده را در ما بین لبنتین
بر نسبت اقسام مذکوره قسمت کنند و از مواضع اقسام خطوط عرضیه در سطح عضاده
موازی قاعدهٔ لبنه اخراج کنند خطوط ساعات معوج حاصل آید و نقطهٔ [illegible] موضع خط
نهایت ساعت اول و مبدا دوازدهم بود و [illegible] موضع خط نهایت ساعت دوم
و مبدا یازدهم بود و [illegible] موضع خط نهایت ساعت سیم و مبدا ساعت دهم بود و علی هذا القیاس
باب هفدهم در معرفت کیفیت استخراج جدول دستور [illegible] در معرفت مراکز خطوط
مقنطرات و افق و انصاف اقطار مدارات و غیر ذلک چنانچه محتاج می شوند بقسمت دوایر و اخراج
و غیر ذلک و آن همه سبب [illegible] شود در عمل و اصحاب این صنعت جدولی وضع کرده اند برای آنکه

و فضل ربع دور بران نصف بگیرند پس جیب آن نصف را در محفوظ ضرب کنند و حاصل
بر جیب فضل ربع بر نصف آن جزو قسمت کنند و خارج قسمت را بازا و آن جزو در جدول
وضع کنند و ما باین طریق اجزای نصف دور را بتمام عمل کرده در جدول آورده ایم
و جدول اینست و انصاف اقطار که درین جدول موضوع شده همه باجزائیست
که نصف قطر مدار اعظم در اسطرلاب شصت گیرند و اگر خواهند که اعداد که در جدول
موضوع میشود کمتر باشد نصف قطر مدار مذکور را سی گیرند و آنچه در جدول است تنصیف
کنند و اگر خواهند نصف قطر آن مدار را پانزده گیرند و ربع آنچه در جدول است بگیرند
و چون کیفیت استخراج این جدول معلوم شد طریق عمل با آن جدول در ابواب
آینده ایراد کنیم والله اعلم بالصواب **باب مجدهم** در معرفت انصاف اقطار
مدارات افق و مقنطرات اسطرلاب شمالی از جدول مسطور اگر مدار شمالی بود بعد مدار
از معدل النهار را از ربع دور اسقاط کنند و اگر جنوبی بود بر ربع دور افزایند آنچه
بازاء باقی یا حاصل در جدول ثبت بود بعد مدار بود از مرکز صفیحه پس یک از دو نصف
خط وسط السما که در فصل مدار راس الجدی بود دو نصف قسمت کنند تا موضع بعد مدار
از مرکز صفیحه معین شود و بجهة افق و مقنطرات خط وسط السما را اخراج کنند و آن را
باجزاء نصف قطر مدار راس الجدی قسمت کنند پس عرض بلد را از جدول در آورند آنچه بازا
آن بود محفوظ دارند و هم عرض بلد را از نصف دور اسقاط کنند آنچه بازاء باقی بود
در جدول با محفوظ جمع کنند قطر افق حاصل آید پس محفوظ را از نصف قطر افق اسقاط
کنند آنچه باقی ماند بعد مرکز افق بود از مرکز صفیحه در جانب فوق و در مقنطرات

جدول الدوائر

استخراج ابعاد مراکز افق و مقنطرات از مرکز صفیحه و تعیین مراکز دوایر سموت می توان کرد

ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ید	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ک	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
که	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

باشد و دران احتیاج بضعف
نصف قطر صفیحه مراعقد را
بنصف قطر دایره دیگر قسمت
خطوط مستقیمه از قسمت دوایر
بسهولت و احتیاج جدول
خطوط سمت و طریق استخراج
این جدول برین وجه است
که میل کلی را بر ربع دور
افزایند و نصف حاصل بگیرند
و جیب آن نصف را از
جدول جیب معلوم کنند
پس فضل ربع دور بران نصف
بگیرند و جیب آن فضل معلوم
کنند و آن را بر جیب اول نمط
قسمت کنند خارج قسمت را
محفوظ دارند پس نصف بر دوی
از اجزای نصف دور بگیرند

هر مقنطره که از عرض بلد کمتر بود آنرا از عرض بلد اسقاط کنند آنچه بازاء باقی بود در
جدول دستور محفوظ دارند پس همان مقنطره بر عرض بلد افزایند و مجموع را
از نصف دور اسقاط کنند آنچه بازاء باقی یابند در جدول با محفوظ جمع کنند قطر آن
مقنطره حاصل آید محفوظ را از نصف قطر آن مقنطره اسقاط کنند بعد مرکز
آن مقنطره از مرکز صفحه در جانب فوق و هر مقنطره که از عرض بلد بیشتر بود
اول عرض بلد از آن اسقاط کنند آنچه در جدول بازاء باقی ماند محفوظ دارند
پس عرض بلد را بر آن مقنطره افزایند و حاصل را از نصف دور اسقاط کنند
آنچه در جدول بازاء باقی بود محفوظ را از آن اسقاط کنند قطر آن مقنطره حاصل شود
و مجموع نصف قطر مقنطره با محفوظ بعد مرکز آن مقنطره بود در جانب فوق
از مرکز صفحه والله اعلم. **باب نوزدهم** در معرفت انصاف اقطار مدارات
افق و مقنطرات اسطرلاب جنوبی از جدول دستور اگر مدار شمالی بود بعد مدار
از معدل النهار بر ربع دور افزایند و اگر جنوبی بود از ربع دور اسقاط کنند
آنچه بازاء حاصل باقی در جدول مثبت بود بعد مدار بود از مرکز صفحه اما
معرفت قطر افق بهمان نوع است که در اسطرلاب شمالی مذکور شد الا
آنکه مرکز افق در اسطرلاب جنوبی در جانب تحت الارض بود اما مقنطرات
هر مقنطره که از عرض بلد کمتر بود آن مقنطره را بر عرض بلد افزایند آنچه بازاء
حاصل در جدول بود محفوظ دارند پس آن مقنطره را از عرض بلد اسقاط کنند
و باقی را از نصف دور بیفکنند آنچه در جدول بازاء باقی دوم بود با محفوظ

جمع کند

جمع کند قطر آن مقنطره حاصل آید پس محفوظ را از نصف قطر آن مقنطره
اسقاط کنند بعد مرکز آن مقنطره از مرکز صفحه در جانب تحت الارض حاصل آید
و آن مقنطره که مساوی عرض بلد بود آنچه در جدول بازاء ضعف عرض بلد بود
بعد آن مقنطره بود از مرکز صفحه در جانب فوق الارض و هر مقنطره که از عرض
بلد بیشتر بود آنرا بر عرض بلد افزایند آنچه بازاء حاصل در جدول بود محفوظ دارند
پس عرض بلد را از آن مقنطره اسقاط کنند و باقی را از نصف دور بیفکنند آنچه بازاء
باقی دوم در جدول بود محفوظ را از آن اسقاط کنند قطر آن مقنطره حاصل آید پس محفوظ را
با نصف قطر آن مقنطره جمع کنند بعد مرکز آن مقنطره در جانب فوق الارض
از مرکز صفحه حاصل آید و ابعاد مراکز مقنطرات انحطاط اسطرلاب شمالی بعینه همین ابعاد
مراکز مقنطرات ارتفاع اسطرلاب جنوبی است الا آنکه هر مقنطره که کمتر از عرض بلد بود
بعد مرکز او از مرکز صفحه در جانب تحت الارض نبود فوق بود و هر مقنطره که بیشتر از
عرض بلد بود بعد مرکز او از مرکز صفحه در جانب تحت الارض بود ابعاد مراکز و مقنطرات
انحطاط اسطرلاب جنوبی بعینه همین ابعاد مراکز مقنطرات ارتفاع اسطرلاب شمالی
بود الا آنکه ابعاد مراکز از مرکز صفحه در جانب تحت الارض بود والله اعلم **باب
بیستم** در معرفت مراکز دوایر سموت از جدول دستور تمام عرض بلد را در
جدول در آورند و آنچه بازاء آن بود بعد نقطهٔ سمت الرأس بود از مرکز صفحه در جانب
فوق پس تمام عرض بلد را از نصف دور اسقاط کنند آنچه در جدول بازاء آن بود بعد
سمت القدم بود از مرکز صفحه در جانب تحت و این در اسطرلاب شمالی است و در اسطرلاب

جنوبی اول بعد نقطه سمت القدم بود در جانب تحت از مرکز صفیحه و ثانیا بعد نقطه سمت الرأس
بود در جانب فوق از مرکز صفیحه و مجموع این هر دو بعد قطر دایره اول السموت بود
پس تنصیف میان نصف قطر اول السموت و یکی از آن دو بعد بکیرند بعد مرکز اول السموت
از مرکز صفیحه حاصل آید و آن در جانب تحت الارض بود در اسطرلاب شمالی و در جانب فوق
الارض در اسطرلاب جنوبی پس از مرکز اول سموت خط مار اکر بر موازات خط مشرق
و مغرب اخراج کنند نصف آنچه از این خط داخل دایره اول سموت بود اعنی نصف قطر
اول سموت آنرا بمثل اجزاء نصف قطر مدار راس الحمل قسمت کنند اعنی بسی و نه جزو و ثلث
جزوی و آنچه از این خط خارج اول سموت بود بمثل یک جزو از آن اجزا قسمت کنند
پس هر جزو که دایره سمتیه او مطلوب بود بعد سمت او از نقطه جنوب معلوم کنند
و تمام آن بکیرند و ضعف تمام آنرا بجدول مسطور در آورند آنچه بازاء ضعف یابند
بعد مرکز آن دایره سمتیه بود بر خط مار اکر از مرکز دایره اول سموت باجزاء که نصف
قطر اول سموت سی و نه جزو و ثلث باشد و اکر آنچه در جدول موضوع است بر سی و نه جزو
و ثلث منحط قسمت کنند خارج قسمت بعد مرکز دایره سمتیه بود از مرکز اول سموت باجزائی
که نصف قطر اول سموت شصت جزو کیرند پس اکر سمت غربیه بود مرکز این دایره
بر آن نصف قطر از خط مار اکر که با جانب یمین بود و الا در آن نصف دیکر
و چون دوائر دو ربع جنوبی مرتسم شود دوائر دو ربع شمالی نیز مرسوم
شده باشد چه نظیر ربع شمالی شرقی ربع جنوبی غربی است و نظیر
ربع شمالی غربی ربع جنوبی شرقی است و در اسطرلاب جنوبی بعد از نقطه

شمالی

شمالی بجای بعد از نقطه جنوبی مستعمل باید داشت اینست خلاصه آنچه
مشهور و مستعمل است در اعمال صنعت اسطرلاب و بعضی از صناع
بعضی از اعمال مذکوره را بطرق مختلفه باتمام رسانند و مرجع همه یکی است
اکر تعرض بذکر آن طرق شود این مختصر بتطویل انجامد پس بدین قدر اختصار کنیم
والله الموفق والمعین قد تمت الرساله فی شهر ربیع الاول من شهور سنه ۱۲۲۱

علی یدی … احقر الفقیر الآثم میرزا محمد بن محمد قاسم

غفر الله ذنوبهما وستر عیوبهما

بمحمد و آله الطاهرین

و ذریته الطیبین …

[illegible]

